کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

آستان قدس
٢٧٧٢١
٢٩٧/٠٨
الف ٤٢٢ ط
١٣١٢
کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب اخبار الاوائل فارسی
مصنف طباطبایی یزدی، محمد
مولف
خطی سنگی نسخ بمبئی
چاپی
سال چاپ یا تحریر ١٣١٢ ق عدد اوراق
جزء کتب اسلام - مجموعه ها شماره عمومی ١٤٨٢٠
شمارهٔ عمومی ١٤٧٤٦ شمارهٔ قبض
واقف خرید از آستان قدس تاریخ وقف مهر ١٣٢٩
طول ١٨ عرض ١٠ گنجه

کاتب: لاری، محمد کاظم
سال ١٣٤٨ خورشیدی بازبینی شد

اسید زدائی شد
٦٧/٨/٣١

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

٢٩٧/٠٨
الف ٤٢٢ ط
٢٧٧٢١

این تازه رقم که زد زمانه — بر لوح بقای جاودانه

هذا
کتاب اخبار الاوائل
ومونس ارباب الفضائل
من مؤلفات بحر الفواضل و
الفضائل فخر الاواخر والاوائل
الجامع لشرافة السیادة والنجابة الاوحد
المؤید جمال الدین السید محمد الواعظ زید
عزه وعمره ابن قدوة العلماء العاملین وزبدة الفقهاء
الکاملین سید المحققین والمدققین
وسلطان الواعظین سمی ثانی السبطین
الحاج سید حسین الحسنی الحسینی
الطباطبائی الیزدی الحائری
طیب الله
رمسه

مفتاح خزانه کمال است — مصباح زجاجه جمال است

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
شماره اموال

DUTTPRASAD PRESS BOMBAY TANDEL STREET

# هذا هو الكتاب المسمى اخبار الاوائل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله المتعالى عن الضدّ والمثال والمتجلّى لعباده بالجمال و
الجلال والمتوحد فى حريم كبريائه فى كل كمال تسبح له الرمال وتسجد
له الظلال وتدكدك له الجبال وخلق الانسان فى احسن تقويم واتم
اعتدال والصلوة والسلام على اوّل المخلوقات الّذى هو مكمل
الكمال ومعدن المكارم والخصال وصاحب الأنعام والأفضال
وكريم الأعمال والأحوال سيّد الأنبياء وسند الاصفياء وخاتم
اوّلهم وآخرهم محمّد المختار المبعوث على البريّة لأزالة الجهل
وتربية الجهّال ونسئله القرب والرضاء فى جميع الأفعال
والأقوال وعلى اهل بيته الأطهار من الأولاد والآل الذين هم
اقطاب افلاك الجود والنوال سيما على عليه السلام امير المؤمنين
واوّل المسلمين وخير امام ووال واللعنة الدائمة على اعدائهم

واول

واوّل ظالمیهم المستوجبین للسخط والنکال وبعد چنین گوید
این بندۀ ضعیف ذلیل وملتجی بعفو وکرم خداوند جلیل جمال
الدّین محمّد بن العلّامة حسین بن مرتضی الحسنی الحسینی الطّباطبائی
الواعظ الیزدی الحائری بلّغه الله الی ما یتمنّاه وجعل عقباه
خیراً من دنیاه که بر ضمائر هوشمندان اسرار وخردمندان عالی
مقدار وصیرفیان عیون جواهر اخبار پوشیده نماناد که این وجیزه ایست
در بیان اوائل اخبار وآثار ذکر می شود مطالب غریبه وسوانح
عجیبه فریده که کمتر بسمع دانشمندان عالم رسیده بخواهش بعضی
از فضلاء ابرار وادباء اخیار بمقتضای المیسور لا یسقط بالمعسور
بقلم تالیف وخامه تحریر در آورده وحصول این نامه از آثار
عصر همایون ودولت روزافزون اعلیحضرت ناهید عشرت
کیوان رفعت خورشید رایت بهرام صولت مشتری سعادت
جمشید حشمت فریدون حکمت سکندر همّت فیروز بخت
سلطان سلاطین زمان دارا دربان کسری نشان کیتی ستان
قوام ملک وملّت دوام دین ودولت السّلطان بن السّلطان
والخاقان بن الخاقان السّلطان ناصر الدّین شاه قاجار لازالت
اعمدة فساطیط جلاله مرفوعة واطناب خیم سلطانه ممدودة
اللّهمّ متّع المسلمین بخلود ملکه وابود دولته ونصرة عساکره
مابقی اللّیل والنّهار وتلاطم البحار وتجری الانهار ونامیده
این اثر جمیل وفهرس شریف را به **اخبار الاوائل** ومونس

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بلزبتی شد

ارباب الفضائل وتاریخ شروع دراین رساله از مصرع اخیر ظاهر است
بین نغز کتابی که بتاریخ ؛ اخبار واوائل شده موسوم ؛
امید چنانست که در نظر دانشوران موقعی عظیم ومقامی کریم
بهم رساند ودر نظر ارباب غرض الذین فی قلوبهم مرض سعدی گوید
منه گوش در قول صاحب غرض ؛ که از کینه در سینه دارد مرض
رجاء واثق انستکه طالبان حدیث وخبر وصاحبان علم اثر وسیر
بنظر حقارت براین نامه خورده نگرند وخورده نگیرند واگر
سهو وغلطی بیابند شان اکابر انستکه بجامه عفو ازدر اصلاح
درایند والعذر عند کرام الناس مقبول ولعل الناظر فی هذا
الکتاب المنسوج علی ذالك المنوال بعد الملاحظة علی الانصاف
والتامل الصادق بلا اعتساف یصدق بما ذکرناه ومن الله
المتعال الاعانة فی کل احوال والتوکل الیه والتوسل الی اولیائه
فی المبدء والمال وها انا اشرع فی المطلوب بتوفیق العالم بما
فی القلوب والغیوب وهو اصل المطلوب فی جمیع الاعمال اول
چیزیکه خدای تعالی خلعت خلقت بروی پوشانید نور مقدس
سید انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه واله بود چنانچه در روضة
الصفا ومناهج الطالبین وحبیب السیر وتاریخ ودیگر کتب احادیث
مسطور است که روزی جابر بن عبدالله انصاری عرض کرد
یا رسول الله اول چیزیکه خدای تع خلق کرد چه بود انحضرت
فرمود نور نبیك اخبار واحادیث مختلفه دراین باب وارد

شده کما قال اوّل ما خلق الله القلم اوّل ما خلق الله العقل فقال له اقبل فاقبل ثم قال له ادبر فادبر فقال وعزّتی وجلالی ما خلقت خلقا اکرم علی منک بک اعطی وبک امنع وبک اثیب وبک اعاقب وقال اوّل ما خلق الله اللوح وقال ایضا اوّل ما خلق الله الروح وفی الخبر فلمّا خلق العقل وهو اوّل الروحانیین در جواهر الأسرار تصنیف شیخ نور الدین حمزه بن علی الطوسی آمده بدانکه اوّل شیئی که از موجود حقیقی صادر شد عقل اوست بدلیل اوّل ما خلق الله العقل وفی روایة جوهرة وفی روایة دره وفی روایة اوّل ما خلق الله العشق وفی روایة العلم واینها مختلف نیست بحسب معنی بلکه همه عبارت از یک چیز است یعنی جوهرة که در روی ثناء وحدت اسم محمّد صلی الله علیه وآله است وچون این حقیقت را معانی بود اسم او درّه آمد وچون حیّ ومحیی بود اسم او روح آمد وچون ظاهر ومظهر بود اسم او نور آمد وچون مدرک کلیات بود اسم او عقل آمد ونار الله که در روی محبّت موقده کشته بود اسم او عشق آمد پس جوهر اسم ذات او باشد وما بعده اسماء وصفات او بود گفته اند نخستین آیتش عقل کل آمد که در وی همچو بای بسمل آمد ونیز خواجه نصیر الدین طوسی ره گفته اوّل ز مکوّنات عقل وجانست واندر پی او نه فلک کودانست زاینها چه گذرکنی چهار ارکانست پس معدن وپس نبات وپس حیوانست ودر جای دیگر وارد شده

والان که این بنا ظاهر است از سلطان مراد است اول کسیکه
از صوامع جبروت بحج بیت الله آمد روح القدس جبرئیل
امین بود فی سماء والعالم اول صیدیکه در شبکهٔ وجود افتاد
بحکم فرموده خلق الله الارواح قبل الاجساد باربعة الاف سنة
حقیقت روح بود فی نفائس الفنون لمولانا محمود الدین اول
پیغمبران آدم صفی است اول وصی انبیاء شیث بود اول کسی
که از اولاد آدم عذارش بمحاسن مشکین مشک آگین گشت و اول
کس است که بعد از آدم صفی الله بتعلیم معضلات حکمت و تنبیه
ضروریات شریعت پرداخت و بنابراین حکماء او را اوریا
اول گویند چه اوریا بلغة سریانی معلم است فی حبیب السیر
وغیره اول کسیکه درخت خرما نشانید انوش بن شیث بود
و اول کس است که صدقه بر مساکین افشاند در تاریخ بناکتی
وحمد الله مستوفی اول کسیکه بسوزن جامه دوخت شیث ع
بود و اول کس است که بقلم نگاشتن فرمود و آموخت اول
کسیکه از پوست روباه جامه دوخت خزر بن یافث بن نوح
بود از اینجا است که لباس خز خوانند و اول کسیستکه از مگس
نحل استخراج عسل آموخت در ناسخ اول کسیکه از پوست
سمور و سنجاب پوستین کرد برطاس بن کاری بن یافث بن
نوح ع بود اول کسیکه اسم شاهی بروی اطلاق گشت کیو
مرث است ابی القاسم فردوسی گوید: نخستین خدیو یکه کشور گشود

سر تاجوران

سرتاجداران کیومرث بود در نظام التواریخ است وغیره و
اوّل کسیست که در مملکت ایران برچهار بالش سلطنت نشست
وتشئید قوانین حکومت فرمود و باتفاق مورخین جهان اوّل
کسیستکه بعد از طوفان نوح در عالم قانون جهانگیری نهاد
عکس قول شیخ ابوحامد محمّد بن محمّد بن محمّد غزالی است که در
کتاب نصیحة الملوك گفته کیومرث برادر شیث بود شیث قانون
شریعت داشت وکیومرث قانون حکومت و سلطنت وهو
اوّل من بنی وسکن الدّور وکانوا قبل ذالك یسکنون الکهوف
والمقابر فی اخبار الدول واثار الاُوّل واوّل کسیستکه جغد را
مشئوم شمرده روزیکه عزیمت دیدار فرزند داشت در راه
جغد یرا دید که چند کرّت اوازی موحش کرد ان را بفال بد
گرفت چون بمسکن سیامك شتافت وی را کشته یافت لاجرم
جغد را مشئوم دانست در ناسخ اوّل من تکلم بالعبرانیة شیث
وهو اوّل من لبس القلنسوه والنّعلین واوّل من علم الکتابة
وعلم الحساب والشّهور والسّنین فی سبائك الذّهب اوّل
کسیکه مقراض ساخت وقطع اثواب کرد متوشلخ بن ادریس
نبی بود قرطاس حکیم گفته که اوّل مخلوقات هواء است ومجموع
اجرام علویّه واجسام سفلیّه از هوا متکوّن شده چنانچه کواکب
وعقول ونفوس از هوای صافی مخلوق گشته اند وجماد ونبات
وحیوان وانسان از هوای کثیف در وجود امده اند فی خزائن

ملا احمد النراقی اوّل قتیلة قتلها الله تعم وان عناق دختر آدم است او را بیست انگشت بود که در هر انگشت دو ناخن داشت و هر ناخن را بمثابه داسی بزرگ داشت و هرگاه مینشستی یک جریب زمین برا طولا و عرضا فرو میگرفت فسلط الله علیها اسدا و ذئبا و نسرا فقتلوها در ناسخ اوّل کسیکه کیل و ترازو ساخت شعیب نبی بود و حق مردمانرا تمام میدادند قوم بکیل او کیل میکردند در خبر است که بدست خود ساخت و چون شروع کردند در کم دادن کیل و ترازو و دزدی در او پس ایشانرا زلزله گرفت و بان معذب گردیدند تا اینکه هلاک شدند اوّل کسیکه در ترکستان رایت جهان ستانی بر افراشت ترک بن یافث بن نوح بود در ناسخ و اوّل کسیستکه خانها از چوب و گیاه ساخت اوّل کسیکه اختراع خیمه و خرگاه کرد لهراسب کیانی بود که نسب او بکیقباد میرسد اوّل کسیستکه جامه از چرم حیوانات ترتیب داد در ناسخ اوّل سر بریده که سخن گفت سر یحیی بن زکریا بود در مجلس امیروس پادشاه فرمود بار بیبه خود زنا مکن او متنبه شده امر کرد تا سر حضرت یحیی را بخاک سپردند اوّل قتلی که واقع شد قتل هابیل است بدست قابیل در تاریخ ابن اثیر اوّل من عمل التاج کشتاسب الملك اوّل من اسلم من الانصار ابو رافع بن مالك در سبائك الذهب اوّل ملوك اشكانیان اشك است

فی اخبار الدول اوّل کسیکه رسم نمک در طعام پدید اورد
فودك خان پسر ترك بن یافث بن نوح بود گویند روزی فودك
در شکارگاه لقمه در دهان میگذاشت از دستش رها شده در شوره
زاری افتاد و نمك الوده شد چون فودك ان لقمه را برگرفت و
بخورد ان طعم را ملایم ذائقه یافت ازان پس رسم شد که نمك در
طعام باشد در ناسخ اوّل پادشاه سریانی نمرود بن کوش بن
نوعمة بن نوح ع بود در ناسخ اوّل من سن الحداء للابل مضر بن
نزار وکان من احسن الناس صوتا فی سبائك الذهب اوّل
ملك نصب الاعلام وبنى الاميال والعلامات على الطرق و
المناهل ابرهة بن حارث بن قيس فی سبائك الذهب اوّل
کسیکه سنّت صوم در میان اشکار ساخت طهورث بن دیوبند
بن هوشنك بود چه در کتاب روضة الصفا واخبار الدول
واثار الاول وناسخ التواریخ است کردر زمانش قحطی بسیار
عظیمی حادث گشت وعلامتی غریب روی داد بفرمود تا اغنیاء
هر روزه گیرند وطعام چاشتگاه خود را بفقرا بخش کردند تا ان
بلا برخواست ودر روضة الصفا است دران اوان قحطی عظیم
روی نمود چنانچه کرده مردم اب می شد تا کُرده از تنور رزق
میکشیدند وبعضی بینوایان روز بدیدن قرص خورشید
بشب میبردند وشب بمشاهدهٔ کلیچه قمر بروز میرساندند
غذای اوست که ببیند و قرص در شب وروز برو زدیدن خورشید وشب مه تابان

واوّل کسیستکه مرغان شکاری را صید اموخت در روضة الصفا واوّل کسیست که خط پارسی بر کتاب نوشت واوّل کسیست که ابریشم از کرم قز اندوخت واوّل کسیست که حمل انتقال بر دواب نمود اوّل کسیکه تاج بر سر نهاد جمشید جم بود واوّل کسیستکه عید کرد و نام ان نوروز نهاد واوّل کسیستکه لعل و گوهر از معدن براورد واوّل کسیست که جامهای حریر با رنگهای مختلف ملوّن کرد واوّل کسیست که الات حرب را چون شمشیر و خنجر و خود و مغفر بکمال رسانید واوّل کسیست که حمام بنا نهاد واوّل کسیست که در علم طبّ استنباط بدیع کرد واوّل کسیست که رسوم جادها در مسالك و معابر مقرر داشت واوّل کسیست که در زمان وی شراب ارغوانی پدیدار گشت اوّل کسیکه رجعت خواهد نمود امام حسین علیه السّلام بود در حقّ الیقین اوّل کسیکه تاج ساخت و بر سر نهاد شابور بن هرمز بود در حیوة القلوب اوّل کسیکه نوره اختراع کرد سلیمان بن داود علی نبیّنا و اله و علیه السّلام علیّ بن ابراهیم روایت کرده که از پیش از امدن بلقیس سلیمان امر کرده بود جنّیان را که خانهٔ از شیشه برای او ساخته بودند و بر روی اب گذاشته بودند پس بلقیس امد گفتند باو که داخل شو در عرصه قصر پس او گمان کرد که اب است جامه خود را از ساقهای خود بالا کرد پس ظاهر شد که موی بسیار در ساق او بود پس سلیمان گفت

این عرصه ایست نو مرا از شیشه ساخته اند و آب نیست بلقیس
گفت که من ستم کرده بودم بر نفس خویش که غیر از خدا را میپرستیدم
و اسلام آوردن و منقاد شدن با سلیمان برای خداوندیکه
پروردگار عالمیان است و علی بن ابراهیم نیز روایت کرده است
که پس سلیمان او را بعقد خویش در آورد و شیاطین را حکم
فرمود که چیزی بسازید که موها از پای وی زایل سازند پس
حمامها بعمل آوردند و نوره را برای او ساختند پس حمام و نوره
از چیزهائیست که شیاطین برای بلقیس ساختند و همچنین
آسیائی که آب میگردانید در زمان آن حضرت بهم رسید
پس معلوم شد که اوّل آسیائی که ساخته شد جنّیان
ساخته بودند و در حدیث آمده که چون بخواهید نوره
بکشید در وقت آن انگشت خود را بدماغ بینی برده بگوئید
اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنوره و سلیمان اوّل
کسیست که داخل حمام شد و اوّل کسیست که بلغت آدمیان و
جنّیان و وحوش و طیور و سباع و بهائم سخن گفت و متکلّم
گشت و اوّل کسیست که بر بساط نشست و عالم را سیر کرد و طواف
کرد اوّل کسیکه بپارسی سخن گفت هوشنگ شاه بود اوّل
کسیکه با امام زمان در وقت ظهور بیعت کند جبرئیل امین
بوده باشد اوّل کسیکه بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ گفت و یاد نمود
سلیمان بود اوّل کسیکه سر نامه را مهر زد وی بود اوّل

کسیست که خانه مبارکه کعبه را جامه بافته پوشانید در خبر آست
جنابش جامهای مصری غیبد بر خانه کعبه پوشانید اول
کسیکه مثله کرد ضحاك بود و اول کسیست که تازیانه زد و اول
کسیست که مردمان را بردار کشید اول کسیکه در شکم مادر
چهار ماهه بیش نزیست و چهار ماهه متولد شد دی یوناتك
پادشاه چین بود در ناسخ اول کسیکه از بطن مادر ختنه کرده
بیرون آمد لوط نبی ع بود در رابع بحار الانوار است از امیر
المؤمنین ع روایت میکند که فرمودند بمردی از یهود أنتم
تقولون انّ اول عین نبعت علی وجه الأرض العین الّتی فی
بیت المقدّس وکذبتم هی عین الحیوة الّتی غسل فیها یوشع بن
نون السمکة فهی العین الّتی شرب منها الخضر ولیس یشرب
منها احد الّا حیّ وانتم تقولون انّ اوّل شجرة نبتت علی وجه
الأرض الزیتون هی الشجرة العجوة الّتی نزل بها آدم من الجنّة
معه اوّل من حلت له السّیاط الاصبحیة حارث بن مالك بن
زید فی سبائك الذهب اوّل من ملك فی بنی عباد القاضی
محمّد بن اسماعیل بن قریش بن عباد فی سبائك الذهب
اوّل کسیکه در علم طب سخن گفت اسقلیوس حکیم بود و اولاد
خود را وصیت کرد که این صفت را بغرباء و اجانب تعلیم ننمایند
تا عزت و شرف این علم مخصوص خانه دان او باشد و رای او
در علم طب تجربه بود و بقیاس و استدلال عمل میکرد و مدّت

مزاو

هزار وچهارصد وشانزده سال قول حکماء در مسائل طبی بر
این منوال بود در روضة الانوار اوّل سریکه در اسلام بر نیزه
رفت سر عمرو بن الحمق الخزاعی بود که امیر المؤمنین ع او را خبر داده
بود در ناسخ اوّل کسیکه وارد بهشت میشود علی بن ابی طالب
علیه السلام است زیرا که لواء پیغمبر در دست اوست وصاحب
لواء مقدّم است در حق الیقین اوّل کسیکه در غدیر خم بیعت
با امیر المؤمنین علیه السلام کرد عمر بود گفت بخ بخ لک یا امیر المؤمنین
اصبحت مولای ومولا کل مؤمن ومؤمنة اوّل کسیکه بعد
از طوفان نوح در مملکت هندوستان لوای سلطنت بر
افراشت کشن بن یورب بن هند بن حام بن نوح بود در ناسخ
اوّل کسیکه اهنگری ودرودگری بمردم تلقین کرد براهمن از
نسل بنگ بن هند بن حام بن نوح بود در ناسخ اوّل کسیکه
فیل را بدست اورد ورام کرده سوار شد کشن بن هند بود
اوّل شهریکه در هندوستان بنا کردند شهر اوده بود در ناسخ اوّل
بنای نیکوئی که در روی ارض بنا شد بهشت شدّاد بن عاد بود بمصداق
ایهٔ کریمه اِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ اوّل
کسیکه اختراع ساز وچنگ وسلاح نبرد نمود قالع بن عابر ع
بود وقالع قاسم را گویند اوّل کسیکه بمرض فجاءه بمرد داود ع
نبی بود که بر منبر رحلت کرد فی رابع بحار الانوار اوّل زبانی
که ادم واولادش بدان تکلّم میفرمودند سریانی بود در ناسخ

۱۴۸۹۰



اوّل کسیکه امر کرد بوضع زربفت بهمن بن اسفندیار بود اوّل
آیه که بر رسول خدا نازل گشت آیهٔ اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ
بود در حیوة القلوب اوّل کسیکه پیرهن بدو تحیت فرستاد
قالع بود که برای هود علیه السلام فرستاد بسخن انعم صباحا و
ابیت اللعن در ناسخ اوّل کسیکه سپاه نشانید در هر منزلی داراب
کیانی بود اوّل پادشاهیکه دامن عصمت را از شهوت بمعصیت
ملوّث کرد خسرو بن پرویز بود که با خواهر خود زنا کرد اوّل من
امر بتصنیف کتب الجدل فی الرد علی الزنادقه والملحدین محمّد
مهدی عبّاسی بود که سوم خلفاء است فی سبائك الذهب اوّل
کسیکه کمربند اختراع کرد و بر کمر بست اردشیر بن ساسان بود و
اوّل کسیست که جاسوسان در عالم گذاشت اوّل کسیکه سبزه
در سفره گذاشت کیخسرو بن سیاوش بود اوّل کسیکه آهن از
سنگ بیرون آورد و در کوره گداخت و از آن سلاح جنگ ساخت
هوشنگ بن سیامك بن کیومرث بود در ناسخ واوّل کسیست که
سگان تازی را صید کردن آموخت واوّل کسیست که کلاب را
برای حفظ رمه معیّن ساخت واوّل کسیکه خدمه را در نزد
خود بقیام امر کرد واوّل کسیکه زر و سیم و معادن بر آورد
و جواهر شاداب استخراج کرد واوّل کسیکه قطع شجره آموخت
واوّل کسیکه پرداختن تخته و درب ساختن آموخت واوّل
کسیکه تصنیف کتابی کرد و نام او جاودان خرد نهاد که اوّل

مرتبه

مرتبه کنجور بن اسفندیار که یکی از وزرای سلاطین عجم است
از فارسی قدیم بزبان متداول ترجمه کرد و حسن بن سهل برادر
ذوریاستین که وزارت مامون عباسی داشت بزبان عربی نقل
نمود و استاد عالم ابو علی مسکویه بالحاق حکمتهای فرس و هند
و روم و عرب انرا انجام داد و نام ان آداب العرب والفرس نهاد
و فقیر انرا دیده ام و مطالعهٔ ان دلیل ظاهر است بر حصانت
نفس و کمال و فهم و فضل و دانائی او و این کتاب را هوشنگ
برای پند و اندرز فرزند خود و دیگر ملوک که از پی او سلطنت
کنند نگاشت مؤلف گوید همانا عبارت بعض کلمات آن
کتاب اینست که میفرماید از خداست آغاز و بدوست انجام
و بدوست توفیق و اوست ستوده کسیکه شناخت آغاز
را شاکر شد و کسیکه شناخت انجام را مخلص شد و کسی
که فضل و کرم او را دانست موافقت و انقیاد پیشه کرد
و از راه مخالف برکنار آمد اگر بخواهم تمام نصایح بنگارم از
مقصود خارج خواهیم شد اول کسیکه دار و ها برای رنج
اسب بساخت بهرام بن بهرام ساسانی بود اول کسیکه
پوشش از پوست سمور و سنجاب و دیگر جلود کرد و دیگرانرا
نیز پوشانید هوشنگ شاه بود اول شهریکه در زمین
بنا شد شهر چین بود که ترک بن یافث بن نوح ع بود که بنای
او مشتهر شد در حدیث آمده از حضرت صادق فرمود

اوّلنا محمّد واخرنا محمّد واوسطنا محمّد وكلّنا محمّد فی شرح
الزّيارة وغيره اوّل كسيكه كاسهٔ چوبی ساخت از برای اشاميدن
اب وغيره قينان بن انوش بن شيث عليه السّلام بود اوّل كوهی
كه وضع كشت بر روی زمين كوه ابو قبيس بود در كشكول شيخ
يوسف اوّل مسجدی كه بنا شد مسجد الحرام بود فی كشكول اوّل
كسيكه در زمان جاهليّة مال خود را در راه خدا داد عبد المطّلب
در روضة الصّفا اوّل من تكلّم بالعبريّة عابر اعنی هود النّبی عليه السّلام
اوّل كسيكه بزبان عربی سخن كفت يعرب بن قحطان بن هود بود
وخود كويد انا بن قحطان الهمام الاقيل يا قوم سيروا فی الرّعيل
الأوّل انا البدو فی اللسان السهل المنطق الأبين غير مشكل
در ناسخ اوّل كسيكه طبل وزنك بود برای وضع كرد دی كوشنك او
شی بود در ناسخ اوّل كسيكه در يمن درجه سلطنت يافت و
از جمله ملك بزرك شمرده شد حارث رائش بود واو پسر قيس
بن ضفی بن سالار بن سبا الاصغر بن حمير بن سبا الأكبر در
ناسخ اوّل كسيكه در مهد سخن كفت زاب بن طهماسب بن
منوچهر بود در تاريخ مناهج الطّالبين اوّل كسيكه علم نيرنجات
وسيميا در عمل اورد كيقباد شاه بود در مناهج واوّل كسيت
كه در راهها فرسنك وميل تعيين كرده اوّل كسيكه در جهان
كريه وناله كرد حضرت ادم علی نبيّنا واله وعليه السّلام بود
اوّل كسيكه در عالم مرثيه كفت كيكاوس بود جهة پسر خود سياوش

رعيل اوّل يعنی صف اوّل منه

در مناهج اوّل کسی که از ملوك خلایق را وعظ گفت کیخسرو بن
سیاوش بود در مناهج اوّل العلم معرفة الجبار واخر العلم تفویض
الامر الیه فی امثله عرب اوّل کسیکه جمع کرد مردم را در نماز جنازه
بر چهار تکبیر عمر بن الخطاب بود و حال انکه رسول خدا فرموده
بود بر جنازه پنج تکبیر بگویند چنانچه ابن بطه گفت پیغمبر
صلی الله علیه واله بر نعش حمزه سید الشهداء پنج تکبیر گفت در صف
اوّل کسی که از اهل بیت اطهار شهید شد عبد الله بن مسلم بن
عقیل بود فی مخزن البکاء للبرغانی و روضة الصفا اوّل کسیکه
در روز عاشورا تیر بجانب امام حسین علیه السلام افکند
عمر بن سعد بود گفت گواه باشید که اوّل کسیکه بطرف لشکر
امام حسین علیه السلام تیر انداخت من بودم شخصی از شیعه
ان جناب جواب داد که اوّل کسیکه از این مردم بدوزخ خواهد
رفت تو خواهی بود در روضة الصفا اوّل کسیرا که در روز قیامت
بطلبند و در پیشگاه حضور خود خوانند حضرت نوح علی نبینا
وعلیه السلام خواهد بود پس از او بپرسند که آیا تبلیغ رسالت
کردی گوید بلی گویند که گواهی میدهد از برای تو گوید محمد بن
عبد الله ص پس نوح بیرون اید و پا بر سر مردم گذارد تا بیاید
بنزد محمد صلی الله علیه واله و او بر روی تلی از مشك و علی
نیز با او باشد و این است معنی قول حق تع فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ
وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا یعنی چون ببینند علی را صاحب قرب و

منزلت نزد حق تعم و بر بالای تل مشك در خدمت رسول
خدا بنیند متغیر کردد و سیاه کردد روی کافران پس نوح کوید
یا محمد حق تعم از من کواهی طلبیده بر تبلیغ رسالت حضرت نبوی
کوید ای جعفر و ای حمزه بروید و کواهی دهید از برای نوح که او
تبلیغ رسالت کرد حضرت امام جعفر صادق عم فرمود که پس
جعفر طیار و حمزه شاهد انبیاء خواهند بود بر تبلیغ رسالت
ایشان راوی یوسف بن ابو یوسف است کفت فدای تو شوم
علی در انوقت کجا است حضرت فرمود شان و منزلت و جاه علی
از ان بالاتر و بزرکتر است که او را برای کواهی انبیاء بفرستند
در غایة المرام و حق الیقین و غیره اوّل حادثه که در اسلام شد
منع ارث فاطمه و ظلم بود بر آن معصومه و این اوّل فتنه و فساد و خلافی
بود که در اسلام بهم رسید در حق الیقین اوّل کسیکه رد شمس
از برای او شد یوشع بن نون نبی عم بود چنانچه در ادعیه و خبر
رسیده یا راد الشمس لیوشع بن نون رد الشمس بعد غروبها
و در روایت دیکر اوّل کسیکه رد شمس برای او شد سلیمان بن
داود عم بود خداوند میفرماید اذ عرض علیه بالعشی الصافنات
الجیاد و یاد کردان وقتی را که عرض کردند بر او در وقت
پسین اسبان نجیب بر سه دست و پا می ایستادند و از یکپا سر
سم را بر زمین میکذاشتند نیك رفتار و تند رو بودند و کفته
اند که هزار اسب نفیس بودند که از داود عم بان حضرت رسیده

بود

بود وبعضے گفته اند که اسبان بال دار بودند که از دریا برای
ان جناب بیرون آمده بودند فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ
عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ یعنی پس گفت بدرستیکه من دوست
میداشتم اسبان را تا پنهان گشت آفتاب در پرده یعنی پست
شده یا غروب کرده رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ
یعنی برگردانید اسبانرا بر من پس شروع کرد بزدن ساقها و
گردن اسبها یا آنکه برگردانید آفتاب را برای من پس مسح کرد
ساق و گردن خود را برای وضو و نماز کردن وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ
وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ یعنی و بتحقیق امتحان کردیم
سلیمانرا و انداختیم بر کرسی او بدنی را پس انابه کرد و توبه
نمود بسوی ما و علی بن ابراهیم گفته است در تفسیر این آیات
که سلیمان اسبانرا بسیار دوست میداشت و مکرر میطلبید
و براو عرض میکردند پس روزی مشغول اسب دیدن شد
تا آفتاب فرو رفت و نماز عصر از او فوت شد غم عظیمی باین
سبب او را عارض شد پس دعا کرد که حق تعالی آفتاب را بر او
برگرداند که صلوة عصر بکند پس برگشت آفتاب تا نماز
عصر را ادا کرد پس اسبان را طلبید و بشمشیر گردن آنها را زد
و پی کرد تا همه را کشت چنانچه حق تعالی فرموده است شروع کرد
بمسح و ساق کردن اوّل کسیکه سعی میان صفا و مروه کرد آدم
علی نبیّنا و آله و علیه السّلام بود در طلب حوّا هفت مرتبه

ز صفا بمروه آمد و برگشت باین سبب مقرر شد که هفت
شوط در میان صفا و مروه بنحویکه آدم کرد طواف کنند در
حیوة القلوب امیدوارهستم که خداوند متعال نصیب نماید
که مشرف شوم اوّل نانی که آدم بخورد کماج بود در مناهج الطالبین
اوّل ملوك البحیره من بنی فهم خذیمه الدرش ابن مالك فی
سبائك الذهب اوّل من مشت الرجال بین یدیه بالسیوف
المرهفه موسی الهادی که از خلفاء بنی عباس است در سبائك
الذهب اوّل اسبی نامدار که در ایام عرب پدید آمد اسبی بود
از اسبان سلیمان ع و سبب آن بود که قومی از جانب عمان برای
ساختن مهمّات پیش سلیمان رفتند چون حاجت ایشان
بانجاح مقرون شد وقت مراجعت گفتند ای پیغمبر خدا از
اینجا تا دیار ما مسافت بسیار زادی فرمای تا ما را بمنزل
رساند سلیمان ع اسبی بدیشان داد و گفت مردمان بهر
منزل که فرود آئید چندانکه خواهید باو صید کنید که
هیچ صید از او نجهد ایشان بهر منزل که فرود میامدند
چندان صید میکرفتند که ایشانرا کفاف دهد آن اسب
را زاد نام نهادند چون نام او در عرب منتشر شد آن اسب
را بر مادیان خود انداختند و از او نتاج گرفتند و اسبان
عرب از آن وقت پادید آمدند فی نفائس الفنون محمود
الدین اوّل کسی که سوار ے کوی باخت طهورس بود در مناهج

و اوّل کسیستکه باز شکار انداخت و اوّل کسیستکه پارسی نوشت و اوّل کسیست که مردمانرا بر اسب سوار کرد و اوّل کسیست که استر پدید کرد اوّل کسیکه از ملوك دعوی خدائی کرد جمشید بود در مناهج و اوّل کسیستکه دیوان و علم حساب ظاهر کردانید و اوّل کسیست که از آهن سلاح فرمود و پیش از آن سلاح از چوب و سنك داشتندی و اوّل کسیستکه شمشیر فرمود ساختند و اوّل کسیست که جوشن و خود بنیاد نهاد و اوّل کسیست که زین بر اسبان نهاد و اوّل کسیستکه ابریشم فرمود بافتند و پیش از آن جامها از پشم و پوست جانوران می پوشیدند و اوّل کسیستکه فرمود پنبه کاشتند و برشته نمودند و بافتند و اوّل کسیستکه رنگها و صبغها پدید آورد و پیش از وی هیچ رنگی در عالم نبود در [illegible] اوّل کسیستکه منشار بر سرش نهادند اوّل کسیکه از اصحاب حضرت سیّد الشهداء ع بمبارزت شهید شد حرّ بن یزید الریاحی بود در بحار الانوار از عبد الله بن عبّاس روایت است که اوّل ما نزل به جبرئیل علی محمّد ص قال استعذ بالله یا محمّد بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم ثمّ قال بسم الله الرّحمن الرّحیم اِقْرَءْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِی خَلَقَ خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ فی نفائس الفنون محمود الدّیلمی اوّل کسیکه شهرها در اسلام بنا کرد حجّاج بن یوسف ثقفی بود در زهر الرّبیع اوّل کسیکه کاغذ ساخت یوسف علی نبیّنا و آله و

واول کسیستکه باز شکار انداخت واول کسیستکه پارسی نوشت
واول کسیست که مردمان را بر اسب سوار کرد واول کسیست که
استر پدید کرد اول کسیکه از ملوك دعوی خدائی کرد جمشید
بود در مناهج واول کسیستکه دیوان وعلم حساب ظاهر کردانید
واول کسیست که از آهن سلاح فرمود وپیش ازان سلاح از چوب
وسنك داشتندی واول کسیستکه شمشیر فرمود ساختند و
اول کسیست که جوشن وخود بنیاد نهاد واول کسیست که زین
براسبان نهاد واول کسیستکه ابریشم فرمود بافتند وپیش
ازان جامها از پشم و پوست جانوران می پوشیدند واول
کسیستکه بفرمود پنبه کاشتند و برشتند و بافتند واول
کسیستکه رنگهای الوان پدید آورد پیش ازین هیچ رنگی در
عالم نبود در نفائس الفنون اول کسیستکه منشار بر سرش
نهادند اول کسیکه از اصحاب حضرت سید الشهداء ع
بمبارزت شهید شد حر بن یزید الریاحی بود در بحار الانوار
از عبدالله بن عباس روایت است که اول ما نزل به جبرئیل
علی محمد ص قال استعذ بالله یا محمد بالله السمیع العلیم من الشیطان
الرجیم ثم قال بسم الله الرحمن الرحیم اِقْرَءْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِی خَلَقَ
خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ فی نفائس الفنون محمود الدیلمی اول
کسیکه شهرها در اسلام بنا کرد حجاج بن یوسف سقفی بود در
زهر الربیع اول کسیکه کاغذ ساخت یوسف علی نبینا و آله و

علیه السّلام بود اوّل کسیکه سر راه بر حسین ع گرفت حرّ بن یزید
الرّیاحی بود در روضة الصّفا بخدمت امام حسین مبادرت
نمود گفت ای قرة العین البتول اوّل کسیکه بر تو خروج کرد
من بودم اکنون رخصت فرمائی تا اوّل کسی باشم که پیش تو جان
فدا کرده باشم اوّل کسیکه بضبط عالم و عالمیان پرداخت کیقباد
بود در روضة الصفا اوّل کسیکه آرد ساخت ذو القرنین بود
اوّل کسیکه عود سوزانید و انواع بخور ساخت خمانی دخت
بهمن بود و اوّل کسیست که غلامان را خصی کرد و خواجه سرا پادید
ورد فی مناهج الطالبین اوّل خلیفة استخلف سلطان الواثق
بالله هو من قال السیوطی فی کتابه وفی سنه ثلاث الذهب اوّل
خلیفة ورث الخلافة فی ... من بنی العباس ... المستنصر فی
سبائات الذهب اوّل کسیکه از اهل بیت شهید گشت در
روز عاشورا علیّ بن الحسین ع بود که امام عصر عجّل الله فرجه
در زیارت ناحیه میفرماید السّلام علیك یا اوّل قتیل
من نسل خیر سلیل من سلالة ابراهیم الخلیل اوّل من تسمّی
ابراهیم ابراهیم علی نبیّنا و آله و علیه السّلام و هو اوّل من
استنشق بالماء و هو اوّل من شاب و هو ابن مائة و خمسین سنة
قیل لمّا اتی علیه ستّة تکلّم و هو اوّل کلامه فقال ع یا امّاه من
ربّی قالت انا قال ع و من ربّك قالت ابوك قال ع و من ربّ
ابی قالت نمرود قال ع و من ربّ نمرود فلطمته و قالت اسکت

وهو اوّل من هاجر من وطنه فی طاعة الله تعـ حفظا لأیمانه
حین ساله النمرود وهو اوّل من جرّد من ثیابه فی سبیل الله فلذلك
کساه الله تعـ فی ذلك المحلّ قمیصا من الجنّة اوّل کسیکه نامیده شد
موسی موسی علی نبیّنا واله وعلیه السّلام بود پس از انکه آسیه
یافت او را و نام او را موسی نهاد و بلغۀ عبری مو شه است زیرا
که یافت او را میان اب و درخت و مو در لغۀ عبری ماء است
و سو و شه و سا در لغۀ عبری شجر است اوّل من سمّی محمّدا و احمد رسول
الله صلّی الله علیه واله واوّل عین نظر الی الله عزّ وجلّ هو النّبیّ
وهو اوّل الانبیاء فی الخلق واخرهم فی البعث فی نزهة النّواظر
اوّل نذیر من النّذر النّبیّ عم قال السّیّد مؤمن الشّافعی فی
نور الأبصار فی ذکر النّبیّ صلّی الله علیه واله وامّا الّذی منهم
باذان بن سامان من ولد بهرام و هو علی الیمن وهو اوّل امیر
فی الأسلام علی الیمن وهو اوّل من اسلم من ملوك العجم وفیه لم
یتزوّج علیّ علی فاطمة حتّی ماتت وکانت اوّل ازواجه قال
ابن عبّاس لیس ایة من کتاب الله تعـ یا ایّها الّذین امنوا الّا و
علیّ اوّلها وامیرها وشریفها فی نور الأبصار الشّافعی ابان بن
عثمان عند العایشة فی حرب الجمل فقتل وکان اوّل من
انهزم اوّل من اذن لرسول الله صلّی الله علیه واله بلال
بن رباح ولم یؤذن بعده لأحد من الخلفاء الّا انّه لمّا فتح
الشّام اذن بلال فتذکّروا النّاس النّبیّ فبکوا بکاء شدیدا فی

نور الابصار والسباع ؤمن الشلبنجى الشافعى اوّل من ملك من آل عثمان فى ممالك الروم الأمير عثمان الغازى بن الامير ارطغرل بن سليمان شاه فى اخبار الدول وكان السلطان اورخان بن السلطان عثمان خان بنى بازنيق جامعًا ومدرسة وهى اوّل مدرسة بنيت فى الدولة العثمانيّة انى اخبار الدول ابى جعفر المنصور عبد الله بن محمّد العبّاسى اوّل ما فعل ان قتل ابا مسلم الخراسانى وهو اوّل خليفة المنجّمين وعمل باحكام النجوم وهو اوّل خليفة ترجمت له الكتب السريانية والاعجميّة بالعربيّة ككتاب كليلة ودمنة واقليدس وهو اوّل من رخّم الحجر قال صاحب تاريخ الدول ثمّ ماني ر فى سنة ثمان وخمسين ومائة شكى الناس ضيق المسجد الحرام فاشترى المنازل التى حوله حتى زاد فيه وعمّر مسجد الخيف بمنى ورخّم الحجر وهو اوّل من رخّمه ثمّ المهدى امر بعمارة طريق مكّة وقصّر المنابر وصيّرها على مقدار منبر رسول الله صلعم وهو اوّل من جهّز الصرّ وعيّنه لاهل الحرمين محمّد ابو عبد الله بن المتوكّل وهو اوّل خليفة احدث الركوب بحيلة الذهب وكان الخلفاء قبله يركبون بالحلية الخفيفة من الفضّة اوّل من ملك منهم بالمغرب ابو محمّد عبيد الله المهدى اوّل من ضرب على الخمر ثمانين جلدة وهو اوّل من حرّم المتعة وهو اوّل من نهى عن بيع امّهات الأولاد وهو اوّل من جمع الناس فى صلوة الجنائز على اربع تكبيرات وهو

اوّل

اوّل من نصب القضاة فی الامصار فی اخبار الدّول واخرج
البخاری فی تاریخه عن ابن المسیّب قال اوّل من کتب التاریخ عمر
بن الخطّاب بسنتین ونصف من خلافته فکتب لستّة عشر من
الهجرة بمشورة علیؑ واخرج ابن سعد عن شدّاد قال کان اوّل
کلام تکلّم به عمر حین ولی الخلافة وصعد المنبر ان قال اللّهمّ
انّی شدید فلیّنی وانّی ضعیف فقوّنی وانّی بخیل فسخّنی اوّل
المهاجرین عثمان فی اخبار الاوّل اوّل من کتب باسمک اللّهمّ
امیّة بن الصّلت الثقفی فی تاریخ الدّول انّ اوّل من سکن الارض
امّة یقال لهم الجنّ والبنّ نزل علی آدم عشرون صحیفة فی عشرین ورقة
وهی حروف المعجم وهی اوّل کتاب فی الدّنیا فی تاریخ الدّول اوّل
شیٔ اکله آدم فی الجنّة العنب واوّل شیٔ اکله قبل الخطیئة العنب
فی تاریخ الدّول اوّل من کتب بالخطّ العربی نفیس بن ضخم بن ارم
بن سام بن نوح علی نبیّنا وآله وعلیه السّلام یوجد فی مسالک
الذّهب اوّل ملوک کیانیه کیقباد فی اخبار الدّول واثار
الاوّل اوّل من اتّخذ انواع الاطعمه وقسم الغنایم علی جیوشه
هو زاب بن طهماسب فی اخبار الدّول اوّل من نظر فی علوم
النّجوم والحساب ادریس علی نبیّنا وآله وعلیه السّلام وهو
اوّل من سبی من ولد قابیل بن آدمؑ فاسترقهم فی تاریخ ابن
اثیر وحضرت ادریس اوّل کسیست کہ خطّ نوشت در تاریخ ابن
اثیر وانچه در مناهج جار الله الهلالی است باری تعالی کتب

سماوی بی صحیفه بد وفرستادهم را بخط خود نوشت واوّل کسیکه رسم جهاد وغزا نهاد در راه خدا و در تقویت شرع شمشیر زدن مناهج الطالبین واوّل کسیکه جامه دوزی کرد برای بنی آدم در حدیث آمده که بهر روزی تسبیح میکفت و پیش از وی کسی جامه بریختن و دوختن ندانستی پوست چهارپایان برقامت راست کردی و در خویشتن بستندی و پیراهن و زیر جامه را ان جناب ساز کرد مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه فرمود ای پسر عباس اوّل کسیکه حق تعالی با من کفت این بود که فرمود ای محمد نظر کن بزیر خود چون نظر کردم دیدم که حجابها شکافته شد و درهای آسمان کشوده شد الخ اوّل کسیکه قرآن را جمع کرد و ترتیب داد و نوشت امیر المؤمنین علیؑ بود در حق الیقین اوّل کسیکه وضع لغت و خط عربی کرد اسمعیلؑ بود در نفائس الفنون اوّل کسیکه در ترکیب اغذیه و تدبیر ادویه مستحدثات بدیع اند ومنت مر یاد که اوّل سلاطین عجم قبل از هبوط آدم است در ناسخ وغیره واوّل کسیکه پشم از کوسفند باز کردن آموخت اوّل کسیکه علم فال بینی که مانند رمل چیزیست اختراع کرد اوّل از طبقه دوم جین قبل از هبوط آدم بود در ناسخ و در باب رمل چند کتب انشاء کرده و مرتب داشت واوّل کسیست که شیوهٔ زنا شوئی و زفاف بمیان آورد واوّل کسیستکه برای صید ها دام ساخت

اول کسیکه نحو تعلیم کرد امیر المؤمنین ع بود که ابا اسود دئلی
داخل شد بر امیر المؤمنین علیه السلام حضرت رقعه بجانب
او انداخت نوشته بود بسم الله الرحمن الرحیم الکلمة ثلثة
اشیاء اسم وفعل وحرف جاء لمعنی فالاسم ما انبأ عن المسمی و
الفعل ما انبئ عن حرکة مسمی والحرف ما اوجد معنی فی غیره
ابو الاسود گفت یا امیر المؤمنین این کلام نیکو را چگونه با او بدیع
که من نمیدانم فایده اش را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
من شنیده ام در بلاد شما لحن بسیار شده پس دوست دارم که نوشته
بنویسم هر کس در او نگاه کند تمیز دهد بین کلام عرب و کلام
این جماعت ابو الاسود گفت وفقنا بک یا امیر المؤمنین للصواب
فی زهر الربیع للسید نعمة الله اول چیزیکه قوم هود را بر وقوع
عذاب شریف و تنبیه کرد باد بود که زنهای ایشان را که نگاه
کردند و مردان و کودکان و چهار پایان را دیدند که در هوا
بین الارض والسماء پرواز کردند و باد سنگها را از زمین
بهوا پران می کرد بر سر مغزهای ایشان میزد و هلاک می
کرد در مناهج الطالبین اول کسیکه در زمین آتش پرستید
قابیل بود فی کامل ابن اثیر و مناهج وغیره است قابیل چون
هابیل را بکشت ابلیس بیامد و گفت دانی که آتش چرا قربانی
برادرت را قبول کرد و از آن تو را نه قابیل گفت نمیدانم گفت
برای آنکه هابیل آتش پرستیدی تو نیز آتش را سجده کن

تا از تو خوشنود شود و مملکت زمین با تو بماند قابیل بقول
شیطان رجیم عمل کرد اول سخنی که هوشنگ در جلوس سلطنت
گفت این بود که ما بخدائیم خوشنود و پر خشمیم از برای بنی آدم
و شیطان و اول کسیکه ملقب به پیشداد شد در مناهج که
از غایت معدلتش باین لقب خوانده شد و اول کسیکه فرش و
زیلو و قالی بر زمین انداخت و اول کسیست که بر تخت جلوس کرد
پیش از آن شاهان را این رسم و آئین نبود در مناهج و اول کسی
است که مردم را بر شتر سوار کرد علامه مجلسی باسانید معتبره بسیار
نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که از
حضرت رسول خدا پرسیدند که بچه سبب تو سبقت
گرفتی بر پیغمبران و از همه بهتر شدی و حال آنکه بعد از همه
مبعوث شدی فرمود زیرا که من اول کسی بودم که اقرار به
پروردگار نمود کرده و اول کسیکه جواب گفت در وقتیکه
حق تعالی میثاق و پیمان گرفت از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان
را بر نفسهای ایشان که گفت أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ یعنی آیا نیستم من پروردگار
شما گفتند بلی پس اول پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت
گرفتم بر ایشان در اقرار بخدا در حیوة القلوب اول کسیکه روز
عاشورا از انصار حسین شهید شد مسلم بن عوسجه بود که در
زیارت ناحیه اگر خوانده باشی آقا میفرماید وکنت اول من
شری نفسه و اول شهید شهد الله وقضی نحبه اول کسیکه

سنت نهاد دو رکعت نماز را در نزد قتل خبیب بن عدی از
کبار اصحاب سید مختار بود عن ابوهریرة اوّل من سنّ الرکعتین
عند القتل لأنه قتل جبرا خبیب در غزوه رجیع اسیر گشت بمکّه
آوردند منافقان فروختند او را دختر حارث بن عامر بصد شتر
خرید که در ازای پدرش حارث که مقتول یوم الشعب ربود شهید
نماید در ناسخ اوّل کسیکه گفت انا لله وانا الیه راجعون
امیر المؤمنین علیه السّلام بود در مصیبت برادرش جعفر طیّار
پس از اینکه خبر قتل جعفر ابن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السّلام رسید
فرمود انا لله الخ ودر روضة المؤمنین و در منتهی الآمال از میر محمّد
صادق موسوی خوانساری آمده در حدیث است که بَشِّرِ
الصّابِرِیْنَ در حقّ امیر المؤمنین علیه السّلام است که چون خبر
شهادت برادرش جعفر را از موته آوردند حضرت فرمود اِنّا
لِلّٰهِ وانا الیه راجعون و هیچکس پیش از امیر المؤمنین این
کلمات را نگفته بود حق تعالی فرمود من این را سنّت کردم تا بعد
از وی هر مصیبت زده که اقتدا بوی کند من صلوات و
رحمت نامتناهی باو کرامت فرمایم عبد الله بن عبّاس گفت که
اوّل چیزی که بعد از قلم مخلوق شد لوح محفوظ بود اوّل کلمه
که قلم بفرمان حضرت باری تعالی بر لوح نوشت این بود بسم الله
الرّحمن الرّحیم انّی انا الله لا اله الّا انا و محمّد صلّی الله علیه و آله
رسولی من استسلم بقضائی وصبر علی بلائی وشکر علی نعمائی

ورضى بحكمى بعثته يوم القيامة مع الصدّيقين ومن لم يتسلم
بقضائى ولم يصبر على بلائى ولم يشكر على نعمائى ولم يرض بحكمى
فليتخذ الهاً سوائى بعد از آن آنچه در علم الله مقدّر بود در شأن
مخلوقات تا روز قيامت قلم بحكم الله بر صفحات لوح ثبت كردانيد
اوّل خونى كه بر زمين ريخت خون هابيل بوده در آن روز ربع
مردم كشته شدند قاله المجلسى فى حيوة القلوب اوّل من
كتب الشرح المزجى من اصحابنا هو الشهيد الثانى ره فى روضات
الجنات مؤلف اين وجيزه كويد كه اوّل كسيكه شرح مزجى
نوشت از علماى اماميه خواجه نصير الدين طوسى بود واكنون
ان شرح حاضر است كويا بنظر مصنف روضات نرسيده باشد
اوّل كسيكه در جهان خطبه خواند كيومرث بود چون
مملكت او را مسلّم شد بهر شهرى كه رسيدى خطبه كردى
وخداى جلّ جلاله را حمد وثنا كفتى در مناهج الطالبين
مؤلف كويد خطبه‌اش را بلسان سريانى املا كرد بزبان
عربى اين الفاظ است الحمد لله الذى منّ علينا بكرامته واصطفى
بدينه وامانته احمده على آلائه ونشكره على نعماء الذى على
انبيائه يقول دعوته وشمول نعمته عباد الله انتبهوا من
نومة الغفول واستيقظوا من رقدة الذهول وانظروا
العيون الاعتبار الى ما صبّت من البوار على يفات زمانكم
والمجاهرين بالعصيان جمعوا اللذّاذين من البغى والخسار

حتى

حتی ابتلاه الله بحرّ السیف وحرّ النار الخ چون مبنای این رساله
بر اختصار است از باقی خطبه چشم پوشند اوّل منجنیقی که در
دنیا ساخته شد منجنیقی بود که برای ابراهیم در کوفه ساختند در شهری
که ان را کوثا میگویند در قریه که ان را قطانا مینامند و شیطان
او را ساخت و چون ابراهیم را در منجنیق نهادند و خواستند که
باتش اندازند جبرئیل امد و گفت السّلام علیك یا ابراهیم
ورحمة الله وبرکاته ایا تو را حاجتی هست گفت امّا الیك
فلا بتو حاجتی ندارم پس در ان وقت این دستان ندا کرد باتش
که سرد باش در حیوة القلوب اوّل کسیکه سفیدی در
محاسنش پدید امد و حال انکه پیش از ان بیاض در لحیه
افراد انسان ظاهر نگشته بود چون پدید امد ابراهیم مضطرب
گشت حقیقت ان حال را از بارگاه احدیّت سؤال نمود خطاب
رسید که ای ابراهیم این وقار است که بتو ارزانی داشتیم ان
حضرت مسرور گشت گفت اللّهم زدنی وقارا و اوّل پیغمبری
است که در راه خدا هجرت فرمود اوّل کسی را که روز جزا حلّه
خواهند پوشانید ان جناب خواهد بود و اوّل کسیست که
قتال بشمشیر کرد و قسمت غنیمت نمود و اوّل کسیست که سفره
ضیافت گسترد و اوّل کسیستکه مسواك کرد و اوّل کسیستکه
قطع موی لب کرد و اوّل کسیست که مضمضه و استنشاق
کرد و اوّل کسیست که فرق موی کندن و موی بغل ستردن

انه نمود واول کسیست که ناخن چید واستنجا باب وپوشیدن
سراویل بیاموخت واول کسیست که ختنه کرد در سبائك الذهب
ویعد اول من صاغ صیاغة فی سبائك اول کسیکه از مردان برسول
خدا ص ایمان آورد وبنبوت او اقرار کرد علی بن ابیطالب علیه السلم
بود در ربیع القلوب واول کسیکه از زنان بحضرت سید
انبیاء ایمان آورد وجمیع مال خود را در رضای او صرف کرد
خدیجه مجلله بود اول جماعتیکه پیش از همه محشریان
که شیعیان امیر المؤمنین هستند وارد بهشت می شوند
حواریون محمد بن علی ع وامام حسن ع وامام حسین ع وعلی بن
الحسین وامام محمد باقر وامام جعفر صادق می باشند در
بحار اول روز نوروز است که در او آفتاب طلوع کرده است
وبادهای آبستن کننده درختان وزیده است وگلهای زمین
وشکوفها از درختان شکفته است در زاد المعاد اول کسیکه بعربی
تکلم نمود حضرت اسمعیل بود در حبیب السیر اما اکثر اهل
تحقیق گفته اند اول من تکلم بالعربیة یعرب بن قحطان بن
هود کما ثبت مؤلف گوید بر ارباب دانش مکشوف باد که
تفریق بین الروایتین بدین طریق ممکن است که بگوئیم
اول کسیکه از اهل یمن بعربی تکلم نمود یعرب بن قحطان بود
واول کسیکه از متوطنان مکه بدان لغت سخن گفت اسمعیل
ذبیح الله بود اول کسیکه دار کشید وقطع اعضا کرد ضحاك

ماردوش بود فی اخبار الدّول واوّل کسیستکه مثله کرد وگوش
وبینی را برید واوّل کسیست که تازیانه زد فی ناسخ التّواریخ
واوّل کسیست که مال مردم را بظلم گرفت فی خزائن اوّل کسیکه
طنبور ساخت قوم لوط بودند اوّل کسیکه خندق ساخت
منوچهر بن ایرج بود وهو اوّل من وضع الدّهقنة وجعل لکلّ
قریة دهقانا فی اخبار الدّول اوّل کسیکه قرار داد نافله ماه
رمضان را بجماعت کنند وبشهرها نوشت که چنین کنند
وخانه رویبر ثقفی را سوزانید که نبیذ میفروخت عمر بود واوّل
کسیستکه عسس شبگردی را اختیار کرد واوّل کسیستکه
تازیانه برای تادیب مردم مقرّر کرده بگفتند که تازیانه
عمر مهابتش بیشتر از شمشیر حجاج بود واوّل کسی بودکه عمّال
خود را جریمه نمود بنصف اموال ایشان واوّل کسیکه مسجد حضرت
رسول صلعم را خراب کرد وزیاد کرد ... داخل کرد خانهٔ
عبّاس بود اوّل کسیکه سبحان الله گفت جبرئیل بود چون
خدای تعالی وی را بیافرید چشمش بر عظمت عرش افتاد گفت
سبحان الله هرکه بگوید ثواب جبرئیل یابد در بحر المعانی
اوّل کسیکه الحمد لله گفت آدم علی نبینا وآله وعلیه السلام
بود وچون روح بقالب وی درآمد پرتوان بر منظر دماغ
افتاد آدم ع عطسه زد وگفت الحمد لله هرکه بگوید از فضل
آدم ع نصیبی یابد واوّل کسیکه لا اله الّا الله گفت نوح ع

نبی بود که چون طوفان از تنور امد و نظر نوح بر هیبت و شدت
ان بلا افتاد لا اله الخ گفت هر که بگوید از ثواب نوح علی نبینا
واله و علیه السلام بهره یابد در بحر المعانی اول کسیکه الله
اکبر گفت ابراهیم علیه السلام بود که چون حق تعم کبشی فدای
اسماعیل فرستاد که فَدَیناهُ بِذِبحٍ عَظِیمٍ و ابراهیم علیه السلام
کبش را دید گفت اَللهُ اَکبَرُ هر که بگوید از فیض ابراهیم قسمتی
بوی رسد اول کسیکه لَاحَولَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظِیمِ
گفت حضرت رسالت بود که هر که بگوید شفاعت رسول الله
دریابد در بحر المعانی اول کسیکه برای وی قرعه زدند
مریم بنت عمران بود اول کسیکه بی واسطه ایزد متعال
با او سخن گفت حضرت موسی علی نبینا واله و علیه السلام
بود که متکلم خدا شد اول کسیکه مصافحه کرد در روی
زمین حضرت خلیل الرحمن و ذوالقرنین بودند چون مقابل
یکدیگر رسیدند و ابراهیم ملاقات کرد او را با او مصافحه
کرد در حیوة القلوب اول کسیکه بجهت اخراج املاک و ضبط
املاک جریدها و حساب مرتب داشت انوشیروان بن قباد
بود و اول کسیست که درخت گل و مرزنجوش از بلاد روم بر
ایران اورد و اول کسیست که جوارش کمونا فرمود ساختند
اول چیزیکه قلم نوشت این بود اَنَا التَّوَّابُ اَتُوبُ عَلیٰ مَن تَابَ
اول عضوی از اعضاء ادمی که خدا خلق کرد فرج بود ثم

قال

قال هذا امانتی عندک فلا تضعها الا فی حقها اوّل قریه
که در زمین بنا شد قریه ثمانین بود که نوح نجیّ الله بنا کرد وقتی
که بیرون امد از کشتی وموسوم ساخت انرا بثمانین خزائن و
سمیت باسم الثمانین والذین کانوا معه فی السفینه مؤلف
گوید از نزهة القلوب احمد الله مستوفی امده سوق ثمانین
دیهی بوده است در پای کوه جودی که نوح پیغمبر بوقت انکه
از طوفان خلاص شد ساخت وان اوّل مقامی است که بروی
زمین بعد از طوفان ساخته اند والکنون خراب است اوّل
حائطی که بعد از طوفان بروی زمین وضع گردید حائط حرّان
دمشق بود فی تاریخ ابن عساکر اوّل کسیکه تعیین ساعات
دوازده کامل کرد نوح ع بود در کشتی از برای شناختن اوقات
نماز همچنانکه گفته است ابن عباس اوّل کسیکه مسجد بنا کرد
عمّار بن یاسر بود در ان نماز کذارد اوّل کسیکه خطبه بر منبر
انشا کرد حضرت ابراهیم بود اوّل درختیکه نوح ع بعد از طوفان
غرس کرد شجره اس بود اوّل ایه که بر خاتم رسل نازل شد
بسم الله الرحمن الرحیم بود اوّل کلمهٔ که حضرت رسول فرمود در
وقتیکه داخل مدینه شد اینست ایها الناس اطعموا الطعام
وافشوا السلام وصلوا الارحام وصلّوا باللیل والناس نیام
فادخلوا الجنة بسلام چنانکه این خبر از عبد الله بن سلام
رسیده است در روضات الجنّات اوّل من اتخذ الخصیان

نخاص خدمت معوية اوّل من جعل القضاة الأربعة من كلّ
مذاهب قاضي القضات الظّاهر بيبرس بمصر في سنة نيف
وسبعين وستّ مائة ثمّ جعل ذالك في الشّام وحلب اوّل
کسیکه حفظ کرد قران مجید را ابو الأسود الدّئلی بود بامر
عبد الملك بن مروان وقيل الحسن البصرى اوّل من وضع
الهمزة والتّشديد والرّوم والاشمام الخليل عليه السّلام
اوّل کسیکه تصنیف کرد غریب القرآن را ابو عبیدة معمّر بن
المثنّى بود که اخذ کرده از اصابه نافع بن الأزرق از ابن عبّاس
واوّل کسیکه تصنیف کرد غریب الحدیث را وقیل النّظر
بن شمیل اوّل کسیکه تصنیف کرد احکام قرآن را امام شافعی
بود اوّل من دوّن الحديث ابن شهاب الزّهرى كما ذكره الحافظ
ابو النّعیم اوّل من صنّف فی تربیته علی الأبواب مالك اوّل
کسیکه در نحو و در اصول [illegible] تصنیف نمود شافعی بود اوّل کسیکه تکلّم کرد
در مختلف الحدیث و تصنیف نمود امام شافعی بود اوّل من
رتّب انواعه ونوّعه الأنواع المشهورة الان ابن الصلاح فی
مختصره المشهوری اوّل کسیکه در مغازی تصنیف کرد
عروة بن الزّبیر بود اوّل کسیکه او را شاهنشاه نام کفتند
عضد الدّوله ابو الشّجاع فنا خسرو بن حسن من آل بويه
بود واوّل کسیکه بر منابر بغداد بعد از خلیفه نام او
مذکور کردید اوّل کسیکه از نقباء دوازده کانه با حضرت

رسالت

رسالت بیعت کرد ابو الأمامة بود اوّل کسیکه علم نحو را با
ارشاد و املای امیر المؤمنین علیه السّلام تدوین فرمود ابو الاسود
ظالم بن عمرو الدّیلی البصری بود اوّل کسیکه از صحابه در روز
صفّین بدرجه رفیعه شهادت رسید ابو الشّماخ البجلی بود ابن
داود گوید عبد الله بن علیّ بن ابی شعبة الحلبی اوّل کسیست که
از اصحاب حضرت امام جعفر الصّادق علیه السّلام کرد در
فقه و حدیث امامیّه تصنیف فرمود اوّل کسیکه در فقه
تصنیف کرد ابو حنیفه بود اوّل کسی که احادیث کوفیان را در
بلدهٔ قم منتشر ساخت شیخ ابراهیم بن هاشم الکوفی القمّی بود
اوّل کسیکه از مجتهدان امامیّه با مالک موافقت کرد در
آنکه آب قلیل تجرّد ملاقات نجاست نجس نمیشود حسن بن
علیّ بن ابی عقیل العمانی بود اوّل من قاس امر الدّین برأیه
ابلیس اخرجه ابو نعیم فی الحلیة اوّل کسیکه در علم کلام
تصنیف ساخت ابو حذیفه واصل بن عطاء المعتزلی و
هو اوّل من سمّی معتزلیا و اوّل من قال الحق یعرف من وجوه
اربعة کتاب ناطق و خبر مجتمع علیه و حجة عقل و اجماع من
امة اوّل من صنّف فی الأصول الفقه الشّافعی با الأجماع
اوّل من وضع اللّغة علی الحروف الخلیل بن احمد بن تمیم
الأزدی البصری و اوّل کسیستکه اختراع علم عروض کرد
و اوزان میزان شعر ساخت و منشاء اختراع او آن بود که

روزی در بصره در کوچه گازران میگذشت از کوفتن گدین
ایشان آوازهای مختلف شنید و با خود گفت که ازینجا
اصلی را میتوان استنباط نمود که کسی بران سبقت نگرفته
باشد انگاه علم عروض را بروجهی که درمیان مردم شایع است
وضع نمود کذا فی تذکره عبدالله معتز اوّل کسیکه در ولایت
قم ساکن شد سعد بن مالك بود در کتاب خلاصة الاقوال
علامه مسطور است که علیّ بن اسماعیل بن شعیب الاسدی
الکوفی البصری اوّل کسیست که بر فتاوی علماء کلام در مذهب
اهل بیت کرام تکلّم نمود و در آن علم تصنیفی فرمود اوّل من
قصد القصائد مهلهل وقیل امرؤ القیس اوّل من نظم
الشعر الفارسی ابن العبّاس بن جیود المروزی واین قول
سیوطی است مؤلف گوید دیده شد اوّل من قال الشعر
بلغة الفرس هو بهرام گور الملك المشهور حیث قال

| | |
|---|---|
| منم آن پیل دمان و منم آن شیر یله | نام من بهرام گور و کنیتم بوجبله |

اوّل کسیکه زبان بسخن موزون برگشاد هوشنگ دوّم
پادشاه قدیم عجم بود در مجمع الفصحاء وقیل بل الأول
منهم ابوجعفر بن (حفص) حوض بن سعد بن سمرقندی کان فی سنة
ثلثمائة والشعر هذا آهوی کوهی در دشت چگونه رود[۱]
یار ندارد بی چگونه رودا اوّل کسیکه بواسطه خوابی که دیده
بود از مطالعه اهل کتب اهل سنّت اجتناب ورزید و به

۲ن او ندارد یار بی یار چگونه بودا

تحصیل

بتحصیل علوم حکمت و کلام اشتغال نمود امیر صدر الدین
محمد الدشتکی الشیرازی ره بود اوّل کسیکه علم صرف را وضع
کرد ابو مسلم معاذ بن المسلم الهرّاء النحوی الکوفی بود و اینکه
شیخ کافجی گفته که واضع آن معاذ بن جبل بود خطاء است در
مجالس المؤمنین اوّل شبهه که در عالم پیدا شد شبهه ابلیس
بود منشاء صدور آن استبداد بود برای خود در مقابله
نص الهی و استکبار بماده آفرینش خود که آتش بود بر مادّه
آفرینش آدم که گل بود حیث قال اَنَا خَیْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِی مِنْ نَارٍ
وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِینٍ مؤلف گوید از ائمه طاهرین مرویست
که فرمودند سجده و تعظیم برادم از جهة نور محمّد و آل محمّد
صلی الله علیه و آله اجمعین بود همه ملائکه سجده کردند
و پیشانی مسکنت بر زمین نهادند جز ابلیس کاند تکبّر نمود
که خود را برتر از او تصور نمود

بفرمود ایزد که ای بی ادب
چه باشد ترا زین تکبر سبب
بگفتا کزین کار ناید خوشم
که آدم ز خاک و من از آتشم
کجا خاک را سجده زآتش خوش است
که آتش بطبع خود سرکش است

پس بر عارفان معلوم شد شیخ
ادیب اریب شاعر معاصر شیخ الرئیس خراسانی حائری گوید
تا که شد از تارکش تاج تبارک را شرف قول کرمنا بنی آدم شد
آدم را خطاب گشت مسجود ملائک آدم خاکی از آنک
داشت اندر جبهه نور پاک آن والاجناب ورنه بر آدم

ملك در نجد ذا امر عجيب نور وانكه بنده خاك انه شيء عجاب وايضاً اوّل شبهه كه در ملت محمدی عليه واله شرائف التحيات بظهور رسيد زمع بن بطاخ معروف بوده او نيز در مقابله نص حضرت رسالت پناهی كه ايتونی بدوات وقرطاس اكتب لكم كتاباً لن تضلوا بعدی يعنی بياوريد پيش من دوات وكاغذ تا از برای شما چيزی بنويسم كه اگر بان عمل كنيد هرگز گمراه نشويد اوّل من صنف فی البديع وسماه بهذا الاسم عبدالله بن المعتز اوّل كسيكه تصنيف كرد در معانی بيان شيخ عبدالقاهر جرجانی اوّل كسيكه احداث كرد فلسفه و حكمت ... بود در زمان حضرت موسی اوّل من تشهر بالفلسفه ونسبة اليه الحكمه فلوطرخس بمصر اوّل من تكلم فی الروحانيات وافرد علما اوقليدوس اوّل كسيكه حله را عمارت كرد و در انجا نزول نمود امير سيف الدوله صدقه بن منصور بن علی بن مزيد الاسدی اوّل كسيكه قاهره مصر را احداث كرد جوهر غلام معز الدين الله علوی فاطمی اسمعيلی بود اوّل كسيكه موصل را احداث نمود راوند بن بيوراسف نام داشت و نام او در لسان فرس نوار دشير بود ابن مقنع گويند كه اوّل شهريكه بعد از طوفان نوح بنا كردند وبانی آن معلوم نيست اوّل كسيكه اخراج علم طب كرد ارسطاطاليس بود از اهل استخر در عهد اردوشير بن دارا بوده اوّل كسيكه وضع كرد علم

طب را

طب را بقراط بود اوّل کسیکه تاریخ نهاد هجرت نبوی را
عمر بن الخطّاب بود بمشورت مولای متقیان امیر المؤمنین
علیه السلام در سال شانزدهم هجرت وهو اوّل من وضع اسم
الدیوان لدفتر یکتب فی اهل الجیش واهل العطیة کما فی القاموس
وکانه توسّع فیه بعد ذلک فسمّی اتباع الملوک والامراء والحکّام
الدنیویّة جمیعا باهل دیوان اوّل کسیکه جرجان را بنا کرد
یزید بن مهلب بن صفره بود اوّل کسیکه از سادات عظام
موسویّه در مشهد مقدّس رضوی نقیب شد سید طاهر بود
وازان وقت تا این زمان نقابت موسویّه در نسل او باقیست
فی مجالس المؤمنین لمولانا القاضی نور الله الحسینی التستری
نوّر الله مرقده اوّل کسیکه در شهر مصر در ترتیب حالات و
مقامات اهل بلد سخن گفت ذو النون مصری بود اوّل من
تغنّی ابلیس ثمّ زمر ثمّ حدا اورده فی الفردوس عن علی بن ابی
طالب علیه السلام واوّل من دلّ علی ترکیب الأفلاک و
قدر مسیر الکواکب وکشف عن وجوه تاثیراتها ادریس علیه السلام
ذکره الثعالبی فی لطائف المعارف قلت وفی اخبار الأمامیّة
انّ اوّل من وضع علم الرمل واخبر بالملاحم وکتب اختیارات
السنة هو دانیال علیه السلام اوّل من زاد فی الکتاب بعد
الحمد لله واسئله ان یصلّی علی محمد صلّی الله علیه واله کان
هرون الرشید اوّل کسیکه حکم بلعن اعدای اهل بیت

علانیه کرد خاتم المجتهدین شیخ علی بن عبد العال الکرکی
قدس سره العالی و رساله لعنیه از مصنفات اوست زیاده
از بیست نفر اصحاب را اسم برده است و آن نسخه در نزد مؤلف
موجود است اوّل اسبی که در راه اسلام پی کردند اسب
جعفر بن ابی طالب در موته بود چون بجادله کرد و از مرکب
پیاده شد اسب او را پی کردند در مجالس المؤمنین اوّل
من اتخذ الدفاتر للحساب فی الدیوان خالد بن برمك فی
ایام السفاح وکانت قبل ذلك تکتب فی ادراج اوّل من
خلع علی من ولاه من اعمال الدولة الرشید خلع علی جعفر
البرمکی حین ولاه الوزارة اوّل من مات حتف انفه
رسول الله صلعم سید اجل مرتضی ره در کتاب مستغنی این
دو بیت را از عبد الله بن ابی سفیان بن حارث در مدح
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده است

| | |
|---|---|
| وکان ولی الامر بعد محمد | علی و فی کل المواطن صاحبه |
| وصی رسول الله حقا و جاره | و اوّل من صلی و لدن جانبه |

قال السیوطی اوّل من قال جعلت فداك ابن عمر قیل علی بن
ابیطالب قلت وکلا امر ذلك منه م فی مجالس مخاطبة مع
رسول الله صلی الله علیه و آله کما نقل عن صاحب الکشاف
اوّل کسیکه آجر را پخته کرد هامان بود اوّل کسیکه انصار
را بر خلافت سعد بن عباده داشت خزیمه بود که او کفته علی

علیه

علانیه کرد خاتم المجتهدین شیخ علی بن عبد العال الکرکی قدس سره العالی و رساله لعنیه از مصنفات اوست زیاده از بیست نفر اصحاب را اسم برده است و آن نسخه در نزد مؤلف موجود است اوّل اسبی که در راه اسلام پی کردند اسب جعفر بن ابی طالب در موته بود چون بجادله کرد و از مرکب پیاده شد اسب او را پی کردند در مجالس المؤمنین اوّل من اتخذ الدفاتر للحساب فی الدیوان خالد بن برمك فی ایام السفاح وکانت قبل ذلك تکتب فی ادراج اوّل من خلع علی من ولد من اهل الدولة الرشید خلع علی جعفر البرمکی حین ولّاه الوزارة اوّل من مات حتف انفه رسول الله صلعم سید اجل مرتضی رضی در کتاب مستغنی این دو بیت را از عبد الله بن ابی سفیان بن حارث در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده است

| | |
|---|---|
| وکان ولی الامر بعد محمد | علی فی کل المواطن صاحبه |
| وصی رسول الله حقا وجاره | واوّل من صلی ولدن جانبه |

قال السیوطی اوّل من قال جعلت فداك ابن عمر قیل علی بن ابیطالب قلت وکلامر ذلك منه فی مجالس مخاطبة مع رسول الله صلی الله علیه وآله کما نقل عن صاحب الکشاف اوّل کسیکه اجر آجر پخته کرد هامان بود اوّل کسیکه انصار را بر خلافت سعد بن عباده داشت خزیمه بود که او گفته علی

علیه

علیه السّلام در خانه ساکن شده بتعزیر رسول خدا مشغول
شد و قرشی دیگر لائق اینکار نیست شیخ ابو جعفر طوسی ره در
کتاب امالی از قیس بن سعد روایة نمود قال سمعت علیّ بن
ابیطالب علیه السّلام یقول انا اوّل من یجثو بین یدی الله
عزّ وجل یوم القیمة للخصومه یعنی حضرت امیر المؤمنین ع فرمود
که من اوّل کسی خواهم بود که نزد خدای تع بجهة خصومت مخالفان
خود زانو بر زمین خواهم زد در خبر است که مرد شامی خدمت
علی ع سؤال کرد از اوّل زنیکه دامن خود را بر زمین کشانید
فرمود هاجر بود هنگامیکه فرار کرد از دست ساره و سئل
عن اوّل من جرّ ذیله من الرجال قال قارون اوّل کسیکه
نعلین پوشید ابراهیم بود در عیون اخبار الرضا اوّل کسی
که از انصار در روز سقیفه با ابی بکر بیعت کرد بشر بن
سعد بن ثعلبه الخزرجی الانصاری بود در توابع الائمه
اوّل کسیکه در شعب عقبه بحضرت رسالت بیعت کرد
براء بن معرور انصاری بود و اوّل کسیکه رو بکعبه
نماز کرد و اوّل کسیکه بثلث مال خود وصیّت نمود اوّل
سری که در اسلام از شهری بشهری بردند سر عمر بن الحمق
الخزاعی ره بود که زیاد از تن جدا ساخت و بنزد معاویه
فرستاد اوّل کسیکه خواند در آخر خطبه اِنَّ اللهَ یَأمُرُ
بِالعَدْلِ وَالاِحْسانِ الخ عمر بن عبد العزیز بود اوّل کسی

که قرائت کرد در اخر خطبه اِنَّ اللهَ وَمَا انگته اخ مهدی عباسی
بود اوّل کسیکه تمنای مرگ کرد یوسف نبی بود قال السیوطی
اوّل من نقل من قبر الی قبر علی بن ابیطالب ع قلت وهو باعتقاده
المخالف لما هو الحق والتحقیق ثم قال اوّل من اتخذ الکیمیا
قارون وهو ایضاً اوّل من لبس الثیاب الحمر من الثیاب
ونحوها کما ذکره الثعالبی اوّل زنیکه رسول خدا تزویج کرد
خدیجه بنت خویلد بود اوّل از پسران آدم صفی الله قابیل
بود اوّل فتنة فی بنی اسرائیل کانت فی النساء اوّل قضیة
ردت من قضاء رسول الله علانیة دعوة معاویة زیاداً اخرجه
ابن عساکر عن سعید بن المسیب وغیره واخرج عن عمرو بن نفیجه
قال اوّل ذل دخل علی العرب قتل الحسین علیه السلام و
ادعاء زیاد اوّل هاشمیة ولدت هاشمیة ولدت الهاشمی
ام علی بن ابیطالب علیه السلام فاطمة بنت اسد اوّل من بنی
السجن فی الاسلام علی بن ابی طالب علیه السلام وکانت
الخلفاء قبله یحبسون فی الدیار اوّل من استخرج الخمر فی زمن
نوح النبی علیه السلام وهو اوّل من اتخذ الکلب للحرسه
اوّل من اتخذ الجار بالجار والولی بالولی مروان بن الحکم
اوّل ذنب عصی الله به الحسد اوّل من اتخذ السلاح وجاهد و
استرق الرقیق ادریس علی نبینا وآله وعلیه السلام بود اوّل
من قاتل فی سبیل الله ابراهیم علیه السلام حیث اسر لوط والروم

نمرا ابراهیم حتی استنقذه منهم وهو اول من عمل القسی کما عن
ابن عباس وعنه ایضا اول من رکب الخیل اسماعیل وکانت
قبل ذالک وحشا اول ما یرفع من هذه الامة الحیاء والامانة
عن النبی انه قال فی زینة المجالس ان اول من سجد الی آدم
من الملائکة سجدة تحیة اسرافیل فکتب الله علی جبهته کل
القران اول من اتخذ المهرجان افریدون فی کامل البهائی
اول من ارتج علیه فی الخطبة عثمان اول من خطب جالسا
حین کثر شحمه وعظم بطنه معاویة اول من استراح فی الخطبة
یوم الجمعة عثمان بن عفان فی کتاب السیوطی وهو اول
من خطب فی العید قبل الصلوة واول من فوض اخراج
زکاتهم اول غزوة غزاها رسول الله صلی الله علیه واله
بنفسه غزوة ودان فی صفر من السنة الثانیة قبل بدر و
لم یحصل منها طائل قال الغزالی فی کتاب احیاء العلوم
اول من سن دعوة المبتدعه بالمجادلة الی الحق علی بن ابی
طالب علیه السلام وقد ناظره الملحدة فی مناقضات
القران فی کتاب صراط المستقیم للشیخ نور الدین علی البیاضی
ره قال رسول الله صلی الله علیه واله اول من یاکل من
شجرة طوبی علی بن ابی طالب علیه السلام ایضا فیه قال
علی حین بلغه انه یکذب علی من اکذب علی الله تعالی
انا اول من عبده ام علی رسول الله فانا اول من صدقه ایضا

فیه عن سلمان قال النبی صلی الله علیه واله اولکم ورودا علی الحوض اولکم اسلاما علی بن ابی طالب علیه السلام ایضا فیه عن ابوذر قال النبی لعلی صلوات الله علیهما انت اول من امن بی ایضا فیه عن زید بن ارقم قال اول من صلی مع النبی ص علی بن ابیطالب علیه السلام ایضا فیه قال خزیمه فی ابیات

اذا نحن بایعنا علی فحسبناه ابو الحسن مما نخاف من الفتن

الی قوله واول من صلی مع الناس کلهم سوی خیرة النسوان والله ذو المنن ایضا فیه وقال کعب بن زهیر حمد النبی وخیر الناس کلهم فکل من واحد بالفخر مفتخر صلی الصلوة مع الامی اولهم خیر العباد ورب الناس یکفیهم وقال ربیعة بن حارث عند البیعة ما کنت احسب ان الامر منصرف عن هاشم ثم منهم عن ابی حسن الیس اول من صلی لقبلتهم واعلم الناس بالاثار والسنن الی قوله ماذا الذی ردکم عنه فنعلمه ها ان اول بیعتکم من اول الفتن ایضا فیه قال مالک بن عباده

رایت علیا لا لبست قرینه اذا ما دعاه حاسر او من صلا هذا وفی الاسلام اول مسلم واول من صلی وصام وهلا وایضا فیه قال زفر بن زید حوطوا علیا واحفظوه فانه وصی وفی الاسلام اول اول وقال قیس بن سعد بن عباده هذا علی وابن عم المصطفی اول من اجابه حین دعی ایضا فیه عن ام سلمه والله لقد اسلم علی بن ابیطالب علیه السلام

اوّل الناس وماكان كافرا روى قتاده عن الحسن انّ علىّ
اوّل من امن وهو ابن خمسة عشر سنة عن على بن ابيطالب عليه السلم
قال اوّل من بغى فى الأرض وجاهر بالمعاصى واستخدم الشياطين
وحوفهم فى وجود السحر عنق ام عوج وكان قد انزل الله على ادم
اسماء العظيمة تطيعها الشياطين وامر ان يدفعها الى حوا لتحرس
بها فاغفلتها عنقا وسرقتها واستخدمت بها الشياطين
وتكلمت بشئ من الكهانة فدعا عليها ادم وامنت على ذالك
حوا فارسل الله اليها اسدا اعظم من الفيل فهجم عليها
وقتلها وذالك بعد ولادتها عوج بسنين فى كنز اللبيب
لمعاصرنا الأديب الشيخ الفاضل احمد البغدادى دام عمره
اوّل من عاقب بالنار امرء القيس الثانى المعروف بالمحرق
فى كنز اللبيب اوّل من قال الموت دون الجمل الجمل عبد
الرحمن بن عتاب بن اسيد بن ابى العاص بن امية وكان
يقاتل يوم الجمل ويرتجز فى التواريخ اوّل من قال من مال
جعد وجعد غير محمود جعد بن الحصين الحضرمىّ فى المجمع
قال محمّد بن كعب القرظى انّ رسول الله صلّى الله عليه واله
قال انّ اوّل الناس دخولا الجنّة لعبد اسود كذا فى المجمع اوّل من
قال الحديث ذو شجون جنّة بن ادّ بن طابخة بن الياس بن
مضر قال المفضل اوّل من قال انّ البلاء موكل بالمنطق
ابو بكر اوّل من قال انّ الشيخ مرتحض وغال الحجة بن حلاج

الأوسی سید یثرب اوّل من قال رب ذارع لنفسہ حاصد سواہ
امو بن الشرب اوّل من قال رب رمیۃ من غیر رام الحکم بن عبد
الیغوث المنظری وکان ارمی اهل زمانہ قال المفضّل اوّل من
قال ذکرتنی الطعن وکنت ناسیا زهیم خون الهلالی اوّل من
رای اللحیۃ شیث بن آدم علیہ السّلام اوّل من جاهد فی سبیل اللّٰہ
ادریس علیہ السّلام وعن عایشہ انّ قال رسول اللہ صلّی اللہ
علیہ واٰلہ وسلّم اوّل من یلحقنی منکنّ اطولکنّ بای فکنا نتطاول
بالأیدی حتّی ماتت زینب بنت جحش فقلنا ما هذا الامن
صدقتها وکانت امرأۃ ذات صنعۃ بید ها اوّل کسی کہ کفت
این مثل را غثّک خیر من سمن غیرک معن بن عطیہ مدجی بود
بسبب انکہ درحرب کہ میان قبیلہ بنی مذحج وقبیلہ دیگر از
عرب واقع شدہ بود وبرادر معن زوق را با مهتر بنی مدحج
اسیر کردہ وزوق شجاعت وبیعقل مشهور بود معن برفت و
برادر خود را از ایشان درخواست وباخود بجی رسانید
ایشان کفتند سیّد بنی مذحج وشاعر ایشان را در دست
خصم بگذاشتی وزوق احمق را بخواستی معن کفت غثّک خیر
من سمن غیرک در مناهج ونفائس الفنون محمود الدئلی خیر
قلیل وفضحت نفسی کویند اوّل کسیکہ این مثل را زد فاقت
بود زن مرّۃ الأسدی واو خوبترین زنان عرب بود چون بحسن
فاش شد این مثل زد یعنی این حسن اندک چیزیست ونفس

من

سن بدان رسوا شد فی نفائس الفنون محمود الدیلمی اوّل
کسیکه این مثل راگفت عِش رُجباً تری عجباً حارث بن عباد
بود وسبب آن بود که چون پیر شد یکی از زنان او بدخوئی
آغاز کرد حارث اورا طلاق داد مردی دیگر اورا بخواست زن
در مراعات آن مرد بغایت میکوشید وخوی نیک پیش می
گرفت آنمرد پیش حارث نعت وشکر این زن میگفت حارث
این مثل زد فی نفائس الفنون اوّل کسیکه این سخن گفت رسول
خدا صلّی الله علیه وآله بود که یا خیل الله ارکبی اوّل کسیکه
این سخن راگفت ربیعة بن سواد الأسدی بود که ما جعل العبد
کربه فی مجمع الامثال الکرمانی اوّل کسیکه این سخن گفت اکثم
بن صیفی بود که من استرعی الذئب ظلم فی مجمع الأمثال اوّل
کسیکه این سخن گفت عامر بن الظرب بود که من طلب شیئاً وجده
اوّل کسیکه گفت من عزّ بزّ جابر بن رالان از بنی ثعلبه اوّل
کسیکه گفت من یشتری سیفی وهذا اثره حرث بن ظالم بود اوّل
کسیکه این مثل بزد که ما وراءك یا عصام حارث بن عمرو ملك
کنده بود از ممالك عرب فی تاریخ مناهج جار الله الطلالی اوّل
کسیکه این سخن گفت هذه تبلك والبادی ظلم فرزدق شاعر
بود اوّل کسیکه گفت العجب کلّ العجب بین جمادی ورجب
عاصم بن مقشر الضبّی بود اوّل کسیکه گفت فی الصیف ضیّعت
اللبن قول بنت العبد بود که مال ومنال بسیار داشت

از مرد خود طلاق کرفت و پشیمان شد میخواست که مرد رجوع
کند و شوهر او را نمیخواست برفت و شوهر دیکر کرد زوج اولین
را باز رغبتی تمام پیدا شد پیش زن فرستاد و اظهار تعلقی می
کرد زن کفت اترکتنی حتی اذا علقت ابیض کالشطن انشأت
تطلب وصلنا فی الصیف ضیعت اللبن اول کسیکه کفت اسمع
بجدك لا بکذك حاتم عمیر الهمدانی بود اول کسیکه کفت شر ...
خداش بن حابس التمیمی بود اول کسیکه کفت ذهب امس بما فی
ضمضم بن عمرو الیربوعی بود اول کسی که این سخن کفت خیر قلیل
وفضحت نفسی زن مرة اسد ... دکه خوب ترا زوی در زنان
عرب ... بحسن وجمال ... و ... کشت این مثل
بدان ... حسن ... اندك است و نفس من مبارك بدان
رسول ... فی مناهج الطالبین اول کسیکه کفت خالف تذکر
حطیئه ... بود اول کسیکه کفت بو اد غیر ذی زرع ابو العینا
بود در تاریخ امده که وقتی ابو العینا از همدان باصفهان امد
اتفاقا آن روز که وارد شد کودکان چنانکه عادت ایشان
جنك است سنك بیکدیکر میزدند سنکی بر سر ابو العینا
امد بشکست اشنائی داشت بنی طلب کرد و نیافت با حالت
رنجور و مهجور با سر شکسته در کوشه مسجدی نشست و پای وی
از خستکی راه ابله کرده بود و کرسنه هم بود بامید انکه در آن
مسجد از امام یا مامومی مجال او اکه شوند هیچ افریده ملتفت

او نشد در انتظار طعام شب را بصبح بر بیخوابی گذرانید و از
غایت جوع آرام نداشت روز دیگر برخواست و بنزد آشنای خود مهلب
شتافت که وزیر مملکت بود از ابو العینا پرسید که در کدام روز
بشهر در آمدی گفت فی یوم نحس مستمر گفت در کدام ساعت
گفت فی ساعة العسرة گفت کجا فرود آمدی گفت بواد غیر ذی زرع
مهلب را حسن جواب او خوش آمد و تمامت اسباب او را مهیا
داشت و مرتب فرمود اول کسیکه گفت العود حق بان محمد خدا
بن حابس تمیمی بود و حکایت او در کتب امثال مرقوم است که
بر زنی رباب نام عاشق شد اینجا بوصل او رسید فی نفائس در
حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز دو
شنبه دوازده شب از ربیع الاول گذشته بجانب مدینه
رفت و نصف النهار آن روز بود که بقبا آمد و در خانه
کلثوم بن هدم فرود آمد و تا روز جمعه اقامت فرمود
پس عزم مدینه کرد و در بنی سالم نماز جمعه گذاشت و آن
اول صلوة جمعه بود که در اسلام گذاشته شد در مناهج
اول کسیکه هجرت کرد برای دین ابراهیم بود کما قال الله تعالی
وَاِنِّی ذَاهِبٌ اِلٰی رَبِّی سَیَهْدِیْنِ رَبِّ هَبْ لِیْ مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً
وَاَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِیْنَ و مراد باین ذهاب هجرتست یعنی از
دار کفر هجرت کنم و در راه رضای تو بیرون روم در مناهج
اول جماعتیکه بندای خلیل الرحمن بحج خانه خدا شتافتند

اهالی یمن بودند و ایشان ببشر و بپیشر بخ (؟) اید اول کسیکه
زره بافت داود علی نبینا واله وعلیه السلام بود چنانچه خداوند
در قران مجید فرموده وَعَلَّمْنَاهُ الْحَدِیدَ لِدَاوُدَ و هر زره را
چهار هزار درهم بفروختی وطعمه خود وعیال از ان دراهم ترتیب
داشتی وباقی را بصدقه دادی و هرگز ذخیره ننهادی و فقراء
ومساکین را خوش داشتی در تاریخ واول کسیکه زنبیل بافت
وبعضی گویند سلیمان نبی بود در مروج الذهب للمسعودی الشیعی
اول کسیکه در عرب برای میهمان ثرید شکست هاشم پدر
عبد المطلب بود در مناهج اول کسیکه ملة حنیفیه را تغییر داد
واصنام واوثان در حوالی کعبه نهاد عمرو بن لحا بود در اثار
امده که رسول خدا فرمود که شب معراج عمرو بن لحا را دیدم
که در میان اتش دوزخ او را می کشیدند پرسیدم که با تو
دیگر کی هست گفت هر که متابعت من کرد تا ظهور نبوة تو با من
قرین خواهد بود در مناهج الطالبین اول کسیکه جهة هدیه
بیت الله شتران را قربانی کرد الیاس بن مضر بود فی تاریخ
الهلالی واول کسیکه بعد از طوفان نوح وهدم ومحو اثار
کعبه ارکان انرا پدید اورد و بر خلق ظاهر گردانید واول
کسیکه از اولاد ان مضر که بعلة سل وفات کرد او بود
اول کسیکه بعد از رسول وفات کرد و بدو پیوست زینب
بنت جحش زوجه ان جناب بود اول کسیکه در سقیفه

با ابوبکر بیعت کرد بشر بن سعد بود و در ناسخ التواریخ است اوّل
سریکه حمل شد در اسلام و نقل از بلدی ببلد دیگر شد سر محمّد بن
ابی بکر بود اگر صحیح باشد حملش بسوی معاویه مؤلّف گوید
در احادیث شیعه آن سر سر عمرو بن الحمق الخزاعی است که از
اصحاب سیّد اوصیاء علی علیه السّلام بود چنانچه گذشت
اوّل کسیکه قبا پوشید سلیمان نبی علیه السّلام بود اوّل
کسیکه عمامه پوشید ذو القرنین بود و بتحقیق پوشید عمامه
را از سبب قرینه اوّل کلمه که ابراهیم در وقت باتش رفتن
میفرمود حَسْبِیَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ اوّل کسیکه بعد از مرگ
سخن گفت هارون وصیّ موسی بود چون هارون رفت
یافت بنی اسرائیل تهمت ساختند موسی را که او هارون را
کشته است زیرا که میل ایشان بسوی هارون بیشتر بود پس
خدا ملکها را برای اظهار برائت حضرت موسی از آنکه امر فرمود ملائکه را
که هارون را مرده آوردند و در مجالس بنی اسرائیل گردانیدند
و گفتند که خود مرده است و موسی بری است از کشتن او و این
وجه از حضرت سیّد الوصیّین امیر المؤمنین علیه السّلام
منقول است و در روایت دیگر آنستکه موسی بر سر قبر هارون
آمد و ندا در داد و هارون بامر حقتعالی از قبر بیرون آمد
و گفت که موسی مرا نکشته است و باز بقبر برگشت و دیگر غیر
نبی بود اوّل معجزه که در حضرت رسول خدا صلعم ظاهر گشت سایه

لذا حتی ابر بود بر سر آن حضرت در حیوة القلوب اول کسیکه
کتب یونانی را عربی کرد خالد بن یزید بن معویه بود فی زهر
الربیع در حدیث است که چرا روز عید فطر را عید قرار داده
شد زیرا که از برای مسلمانان اجتماعی است که جمع می شوند در
آن روز پس حمد میکنند خدا را بر آنچه منت گذاشته است بر
ایشان و بجهة آن روز اول سال است که در او اکل و شرب
حلال است بجهة آنکه اول سال نزد اهل حق شهر رمضان
است که شهر رمضان اول شهور است نزد رسول خدا هم
چنانچه وارد شده است و در روایات و در تقویم المحسنین
فیض کاشی قدس سره تسمیه که در اسلام شد خلاف است
وشیخ جلیل محمد بن شهر اشوب ره در معالم العلماء که نسخه
از آن کتاب در نزد مؤلف هست از غزالی شافعی نقل کرده است
که اول کتاب ابن جریج است در آثار و حروف التفاسیر از
مجاهد و عطا در مکه پس کتاب معمر بن راشد صنعانی در یمن
پس کتاب موطأ مالک در مدینه پس جامع سفیان ثوری
بعد فرمودند بلکه اصح از آنستکه اول کتاب امیر المؤمنین
و بعد سلمان پس ابوذر پس اصبغ نباته پس عبدالله بن ابی
رافع پس صحیفه کامله و ابن جریج مذکور عبدالملک بن
عبدالعزیز بصریست که در سال صد و پنجاه و پنج وفات
کرده و در کشف الظنون فی اسماء الکتب والفنون دیده

شده است

شده است که از بعضی نقل که اوّل تصنیف سعید بن ابی عروبه
است که در سنه ۱۵۶ وفات کرد و بعضی گفته اند ربیع بن صبیح
است که در سال صد و شصت وفات کرده و بعد سفیان بن
عیینه و مالك بن انس در مدینه و عبدالله بن وهب در
مصر و معمر و عبدالرزاق در یمن و سفیان ثوری و محمد بن
فضیل بن ذکوان در کوفه و حماد بن سلمه و روح بن عباده
در بصره و هشیم در واسط و عبدالله بن مبارك در خراسان
اوّل کسیکه داخل خانه کعبه شد در زمان جاهلیه ترسی
خدا بود که چون قریش کعبه را در جاهلیت خراب کردند
و خواستند بسازند نتوانستند پس در دل ایشان افتاد که
شخصی از ایشان گفت که هر یك از شما باید که پاکیزه ترین
مال خود بیاورید و نیاورید مالی را که از قطع رحم یا حرام
دیگر بهم رسانیده باشید چون چنین کردند مانع برطرف شد
و متمکن گردیدند از ساختن آن پس شروع کردند در بناء
تا آنکه بموضع حجر الأسود رسیدند پس منازعه کردند که کدام
یك حجر را در جای خود نصب کنند تا اینکه نزدیك شد
که در میانه ایشان حرب قائم شود پس راضی شدند بحکم
هر که اوّل از در مسجد الحرام درآید پس اوّل کسیکه داخل
شد حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم بود چون
بنزد ایشان آمد و حقیقت حال خود را بعرض رسانیدند آن

حضرت امر کرد که جامه را پهن کردند و حجر را خود برداشت
و در میان جامه گذاشت و فرمود که رؤساء قبائل طرفهای
جامه را گرفته بلند کردند پس حضرت حجر را برداشت و در جای
خود گذاشت و حق تعالی او را باین کرامت مخصوص گردانید در
سبائك الذهب اصحاب حواریه گویند که اوّل روز یکشنبه
که اول دنیا است در عجائب المخلوقات اوّل کسیکه از اولاد اسمعیل
نبی الله علیه السلام کتاب آموخت و هم نوع خط بنوشتی ادد بن
همیسع بود در مظاهر الانوار اوّل کسیکه چهار نائب بر ربع
مسکون تعیین کرد که سکنت و شهریست ازدواج دادند در تکسب
نبی است اوّل زنیکه حائض گشت حوا مادر آدمیان بود و آن
روز سه شنبه بود در عجائب المخلوقات اوّل کسیکه اختراع
کیوم کرد که موزه ایست معروف کیومرث کود رز بود در فرهنگ
انجمن آرای ناصری است که در سفر ترکستان که بر طلب
کیخسرو رفته بود و چند سال در آن بیابان میگشت و آن
موزه بود زیرا که چرم و رویی آن ریسمان اکنون تکمیل یافته
متداول است و بهترین آن کیوه بیکانی است و بیکان دهی است
از اصفهان اوّل شهریکه در اراضی بلخ بنا گشت شهر پشنگ است
در تاریخ هرات اوّل کسیکه کافر شد و کفر ایجاد کرد شیطان
لعین بود در عیون اخبار الرضا اوّل کسیکه متلفظ شد به
کلمه لا حُکمَ اِلّا الله بُرك بن عبد الله تمیمی بود در کتاب شرح ابن ابی الحدید

مفید زه موسومه بتحفهٔ سلیمانی مؤلف گوید که این برک نامش
حجاج است وکسی است که میخواست معاویه را بقتل برساند
وبا ابن ملجم وعمر بن بکر هر سه هم عهد شدند در باب قتل سه تن وقصه
انها مشهور است اوّل کسیکه پارسی گفت پارس بن هوشنگ
بن سیامک پیشدادی بود در تاریخ در فرهنگ انجمن آرای
ناصری امده اوّل کسی که کلاه درویشی ساخت که چندین
ترک دارد ولد شیخ صفی الدّین شاه اسماعیل صفوی او رحمة الله
علیه بود که شاه اسماعیل صفوی مروّج طریقه اثنی عشری
برای ممیز این طبقه از دیگران از ساهوت سرخ کلاه دوازده
ترک دوختن فرموده بود و در هر ترکی نام یکی از ائمه اثنی عشری
دوخته واین اعلی الخلعتی واشرفی بود که به بزرگان شرعی داده
شده است اوّل کسیکه در سکه زر خز ساخت میرکائیل نام
کشمیری بود وان در سنه هشتاد و هشت هجری بود در فرهنگ
انجمن آرا اوّل کسیکه حضرت امام حسن عسکری جهة وکالت
حضرت صاحب الأمر علیه السّلام منصوب ساخت عثمان
بن سعید العمری اوّل کسیکه با رسول الله صَ در مسجد نماز
گذاشت امیر المؤمنین علیه السّلام بود در خصائص النّسائی
اوّل کسیکه ختنه کرده شد از زنان هاجر مادر اسماعیل
بود که ساره او را ختنه نمود واین مرسوم ماند در نزد مردم
در ماثر سلطان امده اوّل پادشاهیکه نام خلیفه را از

خطبه بیفکند طاهر ذوالیمینین بود اوّل کسیکه قرشیّت
برای او ثابت شد مالك نضر است زیرا که قریش لقب نضر است
در نفائس الأخبار اوّل کسیکه در حبس منصور دوانقی هلاك
شد عبد الله بن حسن بن حسین بن علیّ بن ابیطالب علیه السّلام بود
اوّل سلاطین عباسیان ابو العبّاس سفّاح بود فی التّواریخ
و در کتاب بضاعة الایمان آمده که معاویه هزار کس را بسلسله
دوستی امیر المؤمنین علیه السّلام بقتل رسانید و اوّل کسی بود
که در میان صفا و مروه سواره سعی نمود و اوّل کسی بود که علانیه
شرب خمر میکرد و ساز و سرود بان ملحق ساخت و میل بخوردن
اکل و اباحه ان نمود و اوّل کسی بود که بحیله و مکر کتابت
نمود و اوّل کسی بود که سر مسلمانان برای وی بهدیه آوردند
و اوّل کسی بود که بر تخت سلطنت نشست و تشبّه بأکاسره
و فراعنه شد و اوّل کسی بود که بموت مسلمانان شماتت میکرد
چنانکه در تواریخ و سیر مسطور است که وقتی که خبر شهادت
امیر المؤمنین ع بان ملعون رسید امر کرد که مردم شام بعیش
و عشرت مشغول شدند و اوّل کسی بود که با مشرکان بی اخذ
جزیه حیلی کرد و اوّل کسی بود که بت فروخت و بت فروشی
را برقرار نهاد و هر ساله چندین کشتی بت بطرف هند می
فرستاد که فروخته قیمت ان از قماش و متاع بیاورند
و ان را تجارت نام نهاد و چشم داشت ثواب هم داشت و اوّل

کسی بود

کسی بود که اسیر مسلمانان بفروخت و اوّل کسی بود که خلاف را
در میراث نهاد و حواله در میراث نهاد و حواله بر پسر خود کرد
و اوّل کسی بود از پادشاهان اسلام که زندان ساخت و مقصوره
در مسجد ساخت و خواجه سرایان بخدمت خود تخصیص کرد و
اوّل کسی بود که نشسته میخواند بواسطه سمن و عظم شکم بر پای
نمیتوانست بایستد و اوّل کسی بود که جسد مسلم را در جوف
شکم خر مرده گذاشت و سوزانند اوّل کسیکه اخبار را بچهار
قسم منقسم ساخت احمد بن موسی بن طاوس بود پس علامه حلی
و بر متابعت وی دیگر از علمای اعلام تا زمان طریق را مسلوک
داشتند در روضات الجنات للسید الاجل الفاضل المعاصر المیر
محمد باقر الموسوی الخونساری مدظله اوّل از علامات
ظهور حصار شدن دیوار کوفه است بعمار و خندق اوّل
جماعتی را که مختار بن ابی عبیده ثقفی بدست آورد آن ده
تن بودند که خیول بر بدن شهداء تاختند آوردند آنجماعت
را پس حکم کرد که ایشان را بر پشت خوابانیدند و میخهای
آهنین بر پشت و دستها و پاهای ایشان کوفتند و سواران
خود را گفت که بروی اجساد خبیث ایشان تاختند تا قطعه
قطعه شدند پس از این ایشانرا باتش سوزانیدند اوّل کسی
که با ابو بکر بیعت کرد شیطان ملعون بود اوّل فرجی که از
بنی هاشم بغصب گرفته شد ام کلثوم بود دختر امیر المؤمنین

علی علیه السّلام بود که عمر بن خطّاب بزور خطبه کرد مؤلّف کوید
این مطلب را کواهی است فی الحدیث قال الصّادق علیه السّلام
هو اوّل فرج غصب منّا فی کامل البهائی وغیره فاضلی ردّ
کرده است و رساله ردّ موسومه بارغام اناف الخصوم است
انچه معلوم میشود از اخبار و تاریخ بدستیاری عبّاس باتمام
رسید بعینه این عقد چون عقد اسیه بنت مزاحم بود بافرعون
اوّل کسیکه با امیر المؤمنین ع بیعت کرد طلحه و زبیر بودند
وبعد بیعت را شکستند اوّل کسیکه غالی شد درحقّ اسد الله
الغالب علی بن ابیطالب ع نصیری بود فی مفرح الاخبار
اوّل کسیکه نماز بر پیغمبر کذارد خدای عزّ وجلّ در بالای عرش
کبریائی خود پس از ان جبرئیل بعد میکائیل و اسرافیل و
ملائکه مقرّبین و امیر المؤمنین علیه السّلام اوّل دفعه که
پیغمبر صلّی الله علیه و آله بیعت امیر المؤمنین علیه السّلام
را از انصار و خلفاء کرفت در دار الندوه که موضع شوری
بود دوّم در بیعت رضوان در زیر درخت در سال حدیبیه
سوّم در روزیکه نشسته بود درخانه امّ سلمه چهارم در غدیر
خم اوّل کتابی که در حدیث ساخته اند موطّاء مالك
بود و شافعی کوید ما اعلم شیئاً بعد کتاب الله اصحّ من موطّاء
مالك اوّل کسیکه در علم درایه تصنیف کرد ابن حجر مکّی
بود در روضات الجنّات اوّل نامهای کلام الله المجید

قرآن است در نفائس الفنون اوّل کسیکه بسنك مقناطیس
رسید وبخاصیّت او علم بهم رسانید حکیم دانشمند باهوش
مستر کلمبس بود وی مردم جزیرة العرب وبلغت عربی وتمامی
السن مردم فرنك عالم وصاحب عزم بلند بود موجب
فنون ریاضی وهندسی بطریقه فرنك اوست از مقناطیس
قطب نما بساخت وبجهات عالم آگهی یافت که در روشنی و
تاریکی روز یا شب در دریا وخشکی بهر سمت که خواسته باشد
رسد وجهاز با این دستگاه واسباب آن بنحویکه رواج
دارد از نتایج افکار ان وحید عصر است در کتاب تحفة
العالم سیّد عبد اللّطیف خان نجل سید نعمة الله جزائری
شوشتری مؤلف گوید این حکیم جلیل اوّل کسیکه عالم
دیگر را که او را ینکی دنیا وامریکا نامند ظاهر واشکارا کرد
اوّل کسیکه دست بیعت شاهی بهرام گور درآورد خسرو
کسری بود که مدّعی سلطنت بود در منتخب الحکایات
اوّل کسیکه حضرت قائم آل محمّد را شست رضوان خازن
بهشت بود با جمعی از ملائکه مقرّبین که او را باب کوثر و
سلسبیل شستند بعد از آن شست او را حلیمه خواتون
دختر حضرت امام محمّد بن علیّ الرّضا علیهما السّلام در نجم
الثّاقب العلاّمة النّوری مدّ ظلّه اوّل کسیکه نسب آل
ابی طالب را جمع کرد سیّد یحیی نسّابه است صاحب کتاب

انساب آل ابی طالب واز معروفین و رواة است و اوحد عالم جلیل سید حسن بن شدقم مدنی است فی نجم الثاقب للفقیه النبیه العالم العامل الکامل المولانا الجلیل حاج میرزا محمد حسین نوری طبرسی نور الله قلبه اول کشته که از خون او باز خواست میشود محسن در خون طپیده فرزند فاطمه زهرا سلام الله علیها است در رساله شیخ عارف احمد احسائی اول آیه که در قتال آمد این بود فقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم الخ فی جواهر التفسیر لملا محمد المدعو بمحسن الکاشانی در دعای لعن آمده اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک اول کسیکه بقتل صبر در اسلام رفتار کرد و عبد الرحمن بن حسان در حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بروایت ابن اثیر و ابن خلدون زنده دفن کرد عبید الله بن زیاد بود و اول کسیکه در لایت عراقین کرد و اول کسیکه سب علی بن ابیطالب علیه السلام را در عراقین کشید و ترویج داد پیغمبر اکرم ص فرمود یا علی اول کسیکه سر از زمین بر میدارد محمد ص است بعد تو و اول کسیکه پوشیده میشود محمد است بعد تو پس امیر المؤمنین علیه السلام بر روی زمین افتاد و سجده حق بجای آورد و حمد کرد فی مناقب موفق الدین الخوارزمی المکی اول کسیکه یحیی نامیده شد یحیی بن ذکریا بود و قال الله تبارک و تعالی یا ذکریا انا نبشرک بغلام اسمه یحیی لم نجعل

له من قبل سميّاً اوّل نبيّ نبأ الله بعد ادريس نوح عليه السلام
وهو اوّل نبيّ نسخت شريعة آدم على نبيّنا وآله وعليه السلام
وهو اوّل نذير من الشرك لاهل الأرض وهو من اولو العزم
وهو اوّل نبيّ عذّبت امّته بدعوته اوّل هاشميّة ولدت هاشمي
فاطمة بنت اسد امّ أمير المؤمنين عليه السلام وجعفر وعقيل
وطالب اوّل من قال جعلت فداك علي عليه السلام لمّا دعى
عمرو بن عبد ود الى البراز والمحاربة يوم الخندق ولم يجبه
احد قال علي عليه السلام جعلت فداك يا رسول الله ائذن
لي قال انه عمرو بن عبد ود قال انا علي بن ابي طالب فخرج اليه
فقتله فاخذ الناس منه اوّل من اخذ مال الناس بالظلم
الضحّاك اوّل من سمّي عبد الملك في الاسلام عبد الملك
بن مروان اوّل من غزل حول غزلت صوف الضان ونسج
آدم جبّة لنفسه ودرعا وخمارا لحوّا اوّل من وضع البقول
في الخوان كيخسرو بن سياوش اوّل من جعل قصعة يشرب الماء
واللبن ونحوهما قينان بن انوش بن شيث بن آدم قال الشيخ
جمال الدين بن النباته اوّل من غنى على العود بالحان الفرس
النضر بن الحرث بن كلدة اوّل من غنى في الاسلام بالحان الفرس
سعيد بن مسجح اوّل من اتخذ العود بطليموس الحكيم اوّل شبهة
وقعت في البريّة شبهة ابليس لعنه الله ومصدرها استبداده
بالرأي في مقابلة النصّ واختياره الهوى في مقابلة الأمر و

لاستكبارة بالمادة التي خلق منها وهي النار على مادة ادم عليه السلام وهو الطين اول من صلى الجمعة في البحرين بعد افتتاحها في الدولة المصطفوية المنتهية الى الشاه سلطان حسين الموسوي الصفوي الحسيني الشيخ محمد بن الحسن رجل المعابي صلاواو الاصائمنزلا كذا في لؤلؤة البحرين وروضات الجنات وغيره اول من ترك مطالعة احاديث العامة العمياء من هذه السلسلة العلية الدشتكية واشتغل بتشييد قواعد الحكمة والكلام على سياق ارباب البصيرة من طوائف الاسلام هو جناب العالم الحكيم الامير غياث الدين منصور بن الصدر الدين الحسني الحسيني الشيرازي الدشتكي الاول صاحب مدرسة المنصورية بالشيراز في حبيب السير وغيره اول من خلع عليه السواد العالم الصفي السيد الرضي كذا في عمدة الطالب في انساب ال ابي طالب اول كسيكه مادرش دختر حضرت امام حسين ع است عبد الله بن محض بن الحسن المثنى وفاطمه طاهره دختر سيد الشهداء زوجه حسن المثنى بن الحسن المجتبى عليه السلام سه پسر داشت اول عبد الله المحض دوم ابراهيم الغمر سوم حسن وابراهيم غمر الحسنى الحسيني جد امجد مؤلف كتاب است وپسر او اسمعيل ديباج است وپسر او ابراهيم ملقب بطباطباء است ونسب اين فقير بهبي ودو واسطه بحضرت امام ثانى حسن بن على بن ابى طالب عليهما السلام است وازسلاله طباطباء الحسنى

الحسینی میباشد بدین طریق شجره جمال الدین السید محمد الحائری
مؤلف هذا الکتاب ابن السید العلامه حسین الطباطبائی
الیزدی بن السید مرتضی بن السید احمد بن میر حسین بن
میر سامع بن میر غیاث بن میر محمد مؤمن بن السید نور الدین
بن السید مراد بن الشاه اسد الله بن السید جلال الدین امیر
بن الحسن بن مجد الدین بن قوام الدین بن اسماعیل بن عباد
بن ابی المکارم بن عباد النسابة بن طاهر المدفون بالخوزستان
بن ابی الحسین علی الشاعر بن ابی الحسن محمد الشاعر الاصفهانی
المتوفی سنة اثنین وعشرین وثلث مائة بن احمد بن ابی
جعفر محمد بن ابی عبد الله احمد الرئیس بن ابراهیم الملقب
بطباطبا بن اسماعیل الدیباج الاصغر المکنی بابی ابراهیم
الملقب بالشریف الخالص بن ابراهیم الغمر المتوفی مع اخیه
عبد الله المحض وجمع من السادة فی حبس المنصور بن الحسن
المثنی بن الامام المجتبی سبط المصطفی ابی محمد الحسن بن الامام
ابی الائمة امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیهم السلام اول
کسیکه مادرش دختر امام حسن است امام محمد باقر فرزند
امام زین العباد علیهما السلام میباشد اول بنائیکه در
ولایت خراسان واقع گشت قصبه نوشیج است در روضة
الصفا اول بقعه که در خراسان ساخته و پرداخته شد
قلعه شمیرانست در روضة الصفا اول کسیکه امر کرد مردم

را بجنسه کردن ابراهیم خلیل بود چنانکه در حیوة القلوب
مسطور است اوّل کسیکه سعی صفا و مروه را سواره کرد معاویه
بود و اوّل کسیست که میل بخوردن گل کرد و انرا حلال دانست
فی تذکرة الائمة اوّل کسیکه بثلث مال وصیّت کرد براء
بن معرور انصاری بود و اوّل کسیست که وصیّت در قبر
بجانب قبله قرار داده شود و اوّل کسیکه در استنجا استعمال
اب نمود اوّل الآیات طلوع الشّمس من مغربها مؤلّف گوید
اوّل ایات قیامت است که پیش از نفخ صور واقع می شود اوّل
کسیکه اقرار بربوبیّت کرد در وقتیکه خدا فرمود الستُ بربّکم
حضرت رسول خدا بود در علل الشّرایع انحضرت امام بحق
جعفر الصّادق علیه السّلام روایت شده که فرمودند از حضرت
پیغمبر پرسیدند که بچه سبب سبقت گرفتی بر پیغمبران و
از همه بهتر شدی و حال انکه بعد از همه مبعوث شدی فرمود
که زیرا که اوّل کسی بودم که اقرار بپروردگار خود کردم و اوّل
کسیکه جواب گفت در وقتیکه حق تعالی میثاق و پیمان گرفت
از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان را بر نفسهای ایشان که
گفت الستُ بربّکم آیا نیستم من پروردگار شما گفتند بلی پس
اوّل پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت گرفتم بر ایشان
در اقرار بخدا اوّل کسیکه وسمه ساخت هامان بود بجهة
فرعون که آن وسمه را بموی خود خضاب کرد سیاه شد

وفریب خورد فرعون از هامان فی تواریخ وزبدة ابتداء وسمه
در زمان فرعون بود بروز وظهورش از سارود وغارود که
دو برادر بودند کردید تعلیم نمودند جماعتی را در خبری ۱۲
هزار الی سی هزار نوشته اند فی تواریخ السیر اوّل رسولیکه
امت بدعای او هلاك شدند نوح علیه السّلام بود در
روضة الصّفا اوّل نعم طیّب ولادت است در معانی الأخبار
مرویست از حضرت رسول خدا ص که فرمود من احبّنا اهل
البیت فلیحمد الله اوّل النعم قیل وما اوّل النعم قال طیب
الولادة ولا یحبّنا الّا من طاب ولادته ولا یبغضنا الّا من
خبث ولادته اوّل بقعهٔ که خدا را بر روی آن عبادت
نمودند دشت کوفه بود که غری باشد از حضرت علی بن
ابیطالب ع منقولست که اوّل بقعهٔ که خدا را بر روی آن
عبادت کردند دشت کوفه بود که نجف اشرف باشد چون
خدا امر کرد ملائکه را که آدم را سجده کنند در آن جا سجده کردند
در حیوة القلوب واعتقاد شیخ عارف احمد احسائی آنستکه
جنّت اوّل موجود است چنانچه در شرح ومعنی حدیث و
روح القدس فی جنان الصّاغوره ذاق من حدائقنا الباکورة
الخ رجوع نمایند واعتقاد من بنده آنست که جنّت وهرچه در
اواست از برکت نور حضرت سیّد الشّهداء ع خلق شده است
محمّد بن جریر طبری گوید اوّل کسیکه با امام حسن علیه السّلام

بیعت کرد قیس بن سعد بن عباده خزرجی انصاری بود
وگفت با تو بیعت میکنم بحکم خدا و سنت پیغمبر خدا و جهاد
با دشمنان خدا حضرت امام حسن فرمود بیعت کن بحکم
خدا و سنت رسول کذا فی ناسخ اول کسیکه از اولاد علی بن
ابیطالب ع که در زمان عباسیان حاکم مکه و مدینه شد
عبید الله بن حسن بن عبد الله بن فضل بن عباس بن علی
بن ابیطالب ع بود فی نفائس الفنون آملی اول ما کتب الله
فی اللوح المحفوظ انی انا الله لا اله الا هو انا من رضی عنه
والده فانا منه راض ومن سخط علیه والده فانا علیه ساخط
فی مصابیح القلوب قال الخواجه ع ان اول الفرائض بعد
معرفة الله ثم الصلوة واول ما یحاسب به العبد الصلوة فان
قبلت قبل ما سواها وان ردت رد ما سواها فی مصابیح القلوب
اول خلیفة من بنی هاشم علی بن ابیطالب علیه السلام فی
سبائک الذهب اول کسیکه دعوی حضرت نبوی را اجابت
کرد شاه مردان و شیر یزدان بود گفت کمر خدمت را از آن
بر میان بسته ام تا هر چه فرمائی بدان قیام نمایم
من کمر بسته بجان ایستادم منتظر تا چه فرمائی تو تا بجان من آن کنم
و در جائی آورده چون در ایمان بر همه سابق بود که سبقتکم
الی الاسلام طرا غلاما ما بلغت اوان حلمی در مصابیح خواجه
صلی الله علیه و آله فرمود که میدانید اول کسیکه در بهشت

رود که باشد گفتند خدا و رسولش عالمتر تند گفت درویشان
مهاجر که تفرهای مسلمانان بدعاء ایشان دفع کرددد ر
مصابیح القلوب درخبراست که سیّد رسل چون از سفری
مراجعت میفرمود اوّل بخانه فاطمه زهراء سلام الله علیها
رفته از او تفحص احوال میکردند خداوند در شب معراج
بحبیبش محمّد فرمود یا محمّد علیّ اوّل من اخذت میثاقه من
الاوصیاء وعلی اخر من اقبض روحه من الاوصیاء فی
مصابیح القبر اوّل منزل من منازل الاخره واخر منزل
من منازل الدنیا فی الخبر چون اسلام نوشته شد جبرئیل
امد که حق تعم میفرماید که درهائیکه در مسجد گشاده اید
براریند جماعتی از اصحاب گفتند همانا این خطاب با ما نباشد
اوّل کسیکه سازان کردکه در برا ومه علیّ بن ابیطالب ع
بود خواجه عم بحجره واحد داماد وعلی عم را گفت ای
علی تو از منی ومن از تو انت منّی وانا منک اوّل من
امن بالبدا عبدالمطلّب اوّل ملوک برومیّه غالیوس
فی ابن اثیر صیدانی در لغة الثرد والثرید نویسد فی
الحدیث اوّل من ثرد الثرید ابراهیم واوّل من هشم الثّرید
هاشم وکان الفرق بینهما انّ الثّرد وفی غیر یابس والهشم
فیه قال الجوهری الهشم کسر الیابس یقال هشم الثرید وبه
سمّی الهاشم فی سامی الناس اوّل زمینیکه خدای تعالی مأمن

خلق قرار داد قبل از انکه مکه را حرم خود کند زمین کربلا
بود در تاریخ عسکری سیف ذی زن وقتیکه حاضر مجلس
عبد المطلب شد عبد المطلب گفت ای پادشاه دیدم
در ریش تو مویهای سفید دیدم که امروز نمیبینم سیف گفت
من خضاب میکنم گویند او اوّل کسی بود که خضاب کرد در
حیوة القلوب اوّل کسیکه وضع کرد و مرتّب ساخت دائره
تواریخ ولادت و وفات را امیر عبد الجواد رضوی بود در
سنه اداد روفات یکی از عرفاء هندوستان از انوقت الی
زماننا هذا معمول افتاده خاصّه در نزد افاضل هندوستان
ابو الصّلت هروی گفت خدمت امام رضاء عرض کردم
که چون حضرت قائم شما خروج کند اوّل کاریکه میکند
چیست فرمود اوّل کاریکه میکند قطع میکند دستهای
طائفه بنی شیبه را زیرا که ایشان دزدان خانه خدا
هستند در عیون اخبار الرّضا اوّل کسیکه از درخت
تخته گرفت وخانها را در فرمود ساختند هوشنگ بود در
مناهج الطّالبین اوّل کسیکه از ملوك دعوی خدائی
کرد جمشید بود در مناهج اوّل من یدخل الجنّة فاطمه سلام
الله علیها فی انوار الهدایة لملّا محسن فاضل یزدی اوّل
من لحق بالنّبیّ فی الجنّة من اهل بیته فاطمه سلام الله علیها
فی انوار الهدایة لفاضل المذکور اوّل کسیکه زیر جامه

پوشید

پوشید ابراهیم نبی بود در انس العالم و در علل الشرایع
از حضرت صادق علیه السلام مرویست که خداوند وحی
فرستاد بسوی ابراهیم که زمین شکایت دارد نزد من بجهة
حیا از دیدن عورت تو پس قرار ده میان خود و میان او
حجابی پس قرار داد چیزیکه بزرگتر از جامه و پست تر از
سراویل بود پس ازار پوشید و آن تا زانوهایش بود مؤلف
گوید کار ازاینست که آن تبان باشد که از زیر جامه کوتاه تر
و از زانو چهار انگشت بالاتر کنند و دیدم ملاحان کشتی
بر می پوشند و همین ستر عورت را میکنند اول کسیکه
بیعت کرد با مسلم بن عقیل در کوفه مختار بود فی روضة
المجاهدین اول کسیکه امر کرد بقطع دست فرعون بود
وقتیکه سحره ایمان بموسی آوردند فرعون گفت سزا دهم
شما را وان اینست لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ
وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ فی زبدة التصانیف اول ما انزل القمح
علی آدم کان قدر بیض النعام وقیل له هذا رزقك ورزق
نبیك قم فاحرث وازرع ولم تزل الحبة علی ذالك ثم نزل
علی قدر بیض الدجاج ثم الی الحمامة ثم الی البندق وکان
فی زمن عمر بن عبد العزیز علی قدر الحمصة فی حیوة الحیوان
للدمیری وقال ایضاً اول من زرع حبة الحنطة آدم علی
نبینا واله وعلیه السلام وورد فی الخبر ان الله تع انزل

خالی آدم ثورا احمر او بقرة حمراء فحرث بهما فاتاه جبرئیل
بثلاث حبات من الحنطة فدفعها آدم علیه السلام حتی
حرث فقطعا ثم زرعها او نثر بخلالها فنبت الشعیر فلذا بقیت
البقر الآن بالحراثة انتهی قال بعض العرفاء منه شیخ عزیز النسفی
قال رسول الله اول ما خلق الله العشق اول ایام عجوز
بیست و ششم شباط باشد خدای تعالی قوم عاد را هلاک
کرد عجوزی از ایشان بماند و بر ایشان نوحه کردی و مرثیه
گفتی بدان سبب آن ایام را عجوز گویند و عجز بحسب لغة
آخر را گویند و این ایام را بنابر آن عجوز گویند که آخر زمستان
است نوروز اول روزیست که آفتاب ببرج حمل رسد
و در انوار النعمانیة در کیفیت ظهور امام عصر آورده که
اول روزیست که در آن آفتاب طلوع کرد اول کسیکه
پادشاه شد کیومرث بود بنابر آن اشاره شد و کیومرث
لفظی است سریانی بمعنای عربی حی ناطق و بفارسی
زنده گویا باشد و بعضی کیومرز دانند کیو بمعنی بزرگ
و مرز بمعنی زمین و در روضة الصفا هست چون قبل
از تصدی او بمراسم ایالت و سروری انواع جور و تعدی
و هرج و مرج و احوال ساکنان ربع مسکون راه یافت
طائفة از عقلا و اشراف در باب دفع ظالم و بیداد اندیشه
تمام بجای آوردند انتظام عالم و نسق و ترفیه احوال بنی

ادم را بوجود مدبوی ... مردمان دهر و ...
یافتند که ذات پسندیده شمائلش بحلیه نعت و عدالت
آراسته بود تا طبقات رعایا بل کافه برایا از آسیب تعرض اهل تمرد
و طغیان سالم مانده در مهد استراحت مرفه و آسوده زندگانی کنند
واستشاره قرعه اختیار بنام کیومرث افتاد و او چون میان
اهل ملك و ملت زاد ارباب عطا و خیر بایمان مولد کردند
وتاج شاهی بر سر نهاد و بر سریر سلطنت متمکن گشت
فردوسی گوید: نخستین خدیوی که کشور گشود الخ اوّل
کسیکه در جاهلیه خمس مال خود را در راه خدا داد عبد
المطّلب بود کذا فی حیوة القلوب ابن عباس گفت رسول
خدا فرمود صدّیقان امّت سه اند اوّل حبیب نجّار دوم
حزقیل سوم علی بن ابیطالب علیه السّلام و علی افضل ان
هم صدّیقان است در صواعق المحرقه ولی در بعضی از نسخ
بنظر حقیر این طور رسیده است سباق الامم ثلاثة لم یکفروا
بالله طرفة عین علی بن ابیطالب و صاحب یاسین و مؤمن
آل فرعون و هم الصدّیقون و علیّ افضلهم شیخ در امالی
بسند خود از قیس بن سعد بن عباده روایت کرده که از
حضرت علی بن ابیطالب شنیدم که فرمود انا اوّل من یجاثی
بین یدی الله عزّ و جلّ للخصومه یعنی من اوّل کسی هستم که
در روز قیامت برای خصومت زانو بر زمین خواهم زد در

غایة المرام و اوّل چیزیکه از اسباب شفاعت است و فاطمه
طاهره بمحشر می آورد عمامه خون آلوده شوهرش علی است در
مجمع المعارف از عامه است در تفسیر آیه وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ
إِلَى اللّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ انس بن مالک گوید این آیه در شان علی ع
نازل شد و اوّل کسی بود که بخدا ایمان آورد وَهُوَ مُؤْمِنٌ
مُحْسِنٌ ذکره ابن شهر آشوب فی تصنیفه اوّل کسیکه ایمان
برسول خدا آورد و متابعت کرد از زنان خدیجه و از مردان
امیر المؤمنین علیه السلام بود فی سیر النبی و مناقب مرتضوی
و جامع الأصول قال علی علیه السلام انا صلیت مع رسول
الله سبعة سنة قبل ان یسلم احد و یصلی احد اوّل کلمهٔ که
بر لوای حمد نوشته شد بسم الله الرحمن الرحیم بود بعد الحمد لله
رب العالمین بعد لا اله الا الله محمد رسول الله علیا
ولی الله اوّل مطر نزل من السماء فی یوم عاشورا و اوّل
رحمة نزلت فی یوم عاشورا فی غنیة الطالب الشیخ عبد القادر
الجرجانی فی مجلس فضیلة یوم العاشورا قال رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم اوّل من اتخذ علی بن ابیطالب
اخا من اهل السماء اسرافیل ثم میکائیل ثم جبرائیل و
من احبه منهم حملة العرش ثم رضوان خازن الجنة ثم
ملک الموت و ان ملک الموت یترحم علی محب علی بن ابی
طالب علیه السلام کما یترحم علی الانبیاء یعنی اوّل

کسیکه کرفت علی بن ابی طالب را برادری کرفت از
اهل آسمان اسرافیل است بعد از ان میکائیل پس از ان
جبرائیل و اوّل کسیکه دوست داشت علی را از اهل آسمان
حاملان عرش شند و بعد از ان رضوان خازن بهشت بعد
عزرائیل و بدرستیکه ملك الموت ترحم میکند بر انبیاء
در مناقب المرتضوی و قال علیؑ فی خطبة الحمد لله الاوّل
فلا شیٔ قبله والآخر فلا شیٔ بعده والظاهر فلا شیٔ فوقه
والباطن فلا شیٔ دونه فی نهج البلاغة از ابو ذر غفاری
و سلمان فارسی مرویست که پیغمبر صلعم دست امیر ع را بدست
حق پرست خود کرفت و فرموده انّ هذا اوّل من امن بی
و نیز از سلمان روایت شده است که ان سرور فرمود اوّل
هذه الامة ورودا علی الحوض اوّلها اسلاما علی بن ابیطالب
علیه السلام خزیمة بن ثابت الانصاری در مدح علی علیه السلام
میفرماید ماکنت احسب هذا الامر منصرفا عن هاشم
منها عن ابی حسن الیس اوّل من صلّی بقبلتهم واعلم
النّاس بالفرقان والسنن و یکی از فصحای عرب اشاره
بسبقت اسلام امیر ع نموده میکوید قل لابن ملجم و
الاقدار غالبة هدمت وذالك الاسلام ارکانا رسول
خدا فرمود که ساعتی پیش از این جبرئیل امین بر من نازل شد
وکفت انکشتر عقیقی در دست کن زیرا که عقیق اوّل سنکی

است که شهادت داد و اقرار کرد از برای خدا بر وحدانیت
و از برای تو بنبوت و از برای علی بوصایت و از برای اولاد او
بامامت و از برای شیعیان علی بدخول بهشت در غایة المرام
از ابن مغازلی در نص رسول بر علی قال النبیّ صلّی الله علیه و
آله یا علی انت اوّل المسلمین اسلاما و اوّل المؤمنین ایمانا
سیّد اجل محدّث علامه بحرانی در غایة المرام نقل از ابن بابویه
مینماید که وی بسند صحیح از حضرت صادق روایت کند یهودی
خدمت حضرت امیر المؤمنین امد و عرض کرد مرا خبر ده از
اوّل سنکی که بر روی زمین نهاده شد و از اول چشمه که از
زمین جوشید و اوّل درختی که از زمین روئید فرمود ای
یهودی اما اوّل ان سنکی که بر روی زمین نهاده شد شما
میکوئید که ان سنکی است که در بیت المقدّس است و دروغ
کفته اید بلکه ان سنکی است که ادم انرا از بهشت با خود فرود
اورد و ان حجر الأسود است و در کعبه نصب نمود یهودی کفت
راست کفتی و بخدا قسم که انچه کفتی بخط هرون و املاء حضرت
موسی است و فرمود شما میکوئید اوّل چشمه که بر روی زمین
جوشید و جاری شد چشمه بیت المقدّس است و دروغ
کفته اید ان چشمه زندکانیست که یوشع بن نون ماهی
شور را در ان چشمه شست و خضر از ان اشامید و احدی
از ان نیاشامد مکر انکه نمیرد عرض کرد راست فرمودی و

بخدا قسم

بخدا قسم که چنین یافتم بخط هرون واملاء موسی مؤلف
گوید این قصه چنان بود که اسکندر ذوالقرنین بطلب آب
حیوة با سپاه عظیم روانه شد تا اینکه بعد از زحمت بسیار چون
خضر نبی در مقدمه لشکر او بود و بآب رسیده از آب بخورد
و اسکندر محروم ماند و شما میگوئید اوّل درختی که از زمین
روئید درخت زیتون بود و دروغ گفته اید بلکه آن درخت
خرمای عجوه است که آدم از بهشت با خود آورد یهودی گفت
راست گفتی بخدا قسم بخط هرون واملاء موسی حاضر است
مؤلف گوید عجوه نخل خرمائیست بسیار خوب گویند
در مدینه طیبه و نواحی آن از این درخت بسیار است و پیغمبر
مکرم میفرماید هر کس هفت عدد خرمای عجوه هر روزه
تناول نماید از گزندگان و آسیب زهرهای اشیاء در امان
خواهد بود و جمعی از افاضل در کتب خود نوشته اند که مکرر
بتجربه رسیده است خوردن هر صباح از این خرمای عجوه
وفی القاموس العجوة بالحجاز التمر المحشی وتمر بالمدینة و
و در تفسیر اَلَستُ بِرَبِّکُم وَمحمدٌ نبیّکُم الخ آمده اوّل میثاق
ربوبیّت را از انبیاء عموماً گرفت و اینستکه میفرماید
وَاِذ اَخَذنَا مِنَ النَّبِیّینَ مِیثَاقَهُم یعنی یاد آور ای محمد
زمانی را که فرا گرفتیم از انبیاء میثاق ایشانرا و ذکر کرد
همه انبیا را عموماً بعد از آن افضل سلسله انبیا را بیان

فرمود و نام مرد کرومنك محمّد یعنی پس از انبیاء اخذ
میثاق از تو کردیم برای محمّد خصوصاً و رسول بر سائر انبیاء
مقدّم داشت اوّل پادشاهان عدالت گستر نوشیروان
فرخنده سیر بود و در حقّش کافی است که پیغمبر صلّی الله
علیه و آله فرمود ولدت فی زمن ملك العادل نوشیروان
فی خلاصة التّواریخ اوّل کسیکه نامه بسیّد الشّهداء ع
نوشت عمرو بن الحجاج بود اوّل کسیکه در کربلا شمشیر
بر بدن مقدّس حضرت ابی عبد الله الحسین ع زد و بدن
مطهّران سرور را مجروح نمود همین لعین ولد الزّنا بود
در کتاب حدائق السّیوف و شدائد الحتوف از سیّد رضا
حیدری یزدی اوّل کسیکه بعد از شهادت سید الشّهداء
احرام زیارت آن بزرگوار را بست و باین نعمت عظمی فائز
گردید جابر بن عبد الله انصاری بود در ریاض الشّهاده
اوّل کسیکه از اسرای اهل بیت وارد حرم رسول خدا شد
زینب خاتون بود عرض کرد یا جدّا اگر بنی هاشم نبودند
من برهنه می شدم تا به بینی چگونه بدنم سیاه و مجروح است
وقصیّ اوّل کسی بود از اولاد کنانه که پادشاه مکّه گشت
در مقامع آقا محمّد علی بهبهانی اوّل من آمن علی بن ابیطالب
علیه السّلام و این کلمه در اعداد مطابق است با علی بن
ابیطالب اوّل کسیکه وضع کرد شطرنج را صصه بن

داهر

داهر الهندی بود در تاریخ ابن خلکان و برخی گویند واضع
شطرنج ناموغ بن حام بن یافث بن نوح علیه السلام بوده است
اوّل کسیکه وضع کرد نرد را در دوازده خانه اردشیر بن بابکو
پادشاه فرس بود و از این جهة او را نردشیر خوانند در تاریخ
ابن خلکان اوّل کسیکه شراب را بتصدّق بفقراء داد ابن
درید لغوی مشهور بود ابو منصور ازهری لغوی گفت
سائلی از وی چیزی خواست ظرفی از شراب باو بداد یکی
از غلامانش گفت شراب بتصدّق میدهی در خبر سویکی
در جواب غلام این آیه را شنواند لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا
مِمَّا تُحِبُّونَ وفی الحدیث پیغمبر اکرم فرمود یا علی خدای
تعالی بمن عطا کرد هفت چیز را که تو با من می باشی می
فرماید یا علی اوّل کسی هستی که از قبر بیرون آئی با من و اوّل
کسی هستی که بر صراط بایستی با من و اوّل کسی هستی که
پوشانیده شوی از لباس بهشت با من و اوّل کسی هستی
که در علیّین ساکن شوی با من و اوّل کسی هستی که از
رحیق مختوم بیاشامی با من اوّل کسیکه بنای شهر نهاد
کیومرث بود و اوّل پادشاهیکه در میان فرزندان
خویش خطبه انعقاد کرد او بود در تاریخ منجم فضل الله
اوّل کسیکه از وادی نجد اسب نجدی و مادیان عربی فرستا
آورد ندو در بیابان قراء دشتستان در ایل خود رها

کرد شیخ ناصر بوشهری حاکم بوشهر و مضافات و بحرین
و بنادر بود و انچه اسب عربی معروف فارس میباشد
در شیراز و غیره از همان تخمه است در روضة الصفاء ناصری
هدایت ره اوّل کسیکه بجهة منصب قاضی القضاتی
ادای وجه قرار داد ابو العبّاس عبد الله بن حسن بن ابی
الشّوارب بود در بغداد دویست هزار درهم هر سالی بدیوان
بغداد در ایّام معزّ الدّوله بن بویه در منتظم ناصری اوّل
کسیکه دروازه طعن بر مجتهدین گشاد و فرقه ناجیّه
امامیّه اثنا عشریّه را بدو قسم منقسم کرد اسید یکی
اخباری و دیگری مجتهدی ملا محمّد امین استرابادی
صاحب فوائد المدنیّه بود در کتب رجال اوّل کسیکه
بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام امد جابر
بن عبد الله انصاری با ال رسول و بنی هاشم امدند
در یوم اربعین صفر سنه ۶۱ هجری بود چه خوب گفته شاعر

| | |
|---|---|
| زائر اوّل جناب جابر است | جانفدای انکه اوّل زائر است |

اوّل کسیکه در مسجد سپه سالار که در طهران واقع و
بجامع سلطانی موسوم است بنماز جماعت ایستاد شیخ
جعفر الشّتری بود در ماثر الاثار در حدیث است که
حضرت امام رضا علیه السّلام فرمودند چون خداوند
ولایت و امامت و محبّت ما خانواده طاهره را بر اسمانها

عرض کرد اوّل آسمان هفتم قبول کرد و چون بر زمینها عرض کرد
اوّل زمین کعبه قبول کرد و چون بکوهها عرض کرد اوّل کوه
عقیق اقرار کرد اوّل کسیکه از سلسله جلیله خواتون آباد
بمنصب رفیع امام جمعه نایل گردید السیّد العالم میر محمّد
حسین بن میر محمّد صالح الحسنی الحسینی الخاتون آبادی ابن
بنت المجلسی الثّانی فی مآثر الآثار اوّل زنیکه ایجا نواده
علی علیه السّلام شهر استقبال امام زین العابدین ع و
ماتم زده کان از درباز مدینه بیرون رفت امّ البنین
مادر حضرت عباس بود در تحفة الذّاکرین اوّل کسیکه
از مدینه مشرّفه بسوی مهاجرت را قبول کرده و بشهر
فراهان او برده بجا شد و در آنجا سعادت شهادت
یافت و در همانجا مدفون گشت سلطان بن احمد بن حسن
بن افطس بن علی الأصغر بن الامام علی بن الحسین علیهم السلام
بود در تاریخ شیخ جعفر شوشتری ره در خصائص الحسینیّه
در بیان اوّل مخلوقات میفرماید اوّل مخلوقات نور
حضرت پیغمبر صلّی الله علیه و آله میباشد یا نوران بزرگوار
یا انوار سائر ائمّه پس بهر تقدیر میگوئیم بدرستیکه اوّل
مخلوقات نور شریف حضرت حسین است بجهة اینکه
پیغمبر ص فرمود حسینٌ منّی و انا من حسین یعنی من از حسینم
و حسین از من است پس او اوّل مخلوقات است و اوّل آن

چیز است که صادر شده از اوّل وهو مخلوق وشیخ الرئیس
معاصر حائری کوید صادر اوّل بنودی حضرتش کر از ازل
مصدری ممکن نبود افلاک را از هیچ باب  درخبر امده پس
ازانکه حبیب بن مظاهر اسدی بجانب قبیله خود در
نواحی کربلا رفت وطلب یاری کرد بروایت خصائص الحسینیه
مردی از بنی اسد از جای خود برجست که او را عبدالله بن
بشر میکفتند وکفت منم اوّل کسی که اجابت نماید این دعوت
را پس ازان شروع برجز خواندن نمود و در ثواب زیارت
زوّار مقبول سیانوا شتبات در خصائص امام صادق علیه السلام
فرمود اوّل کسیکه زیارت فرمود بعد از شهادت حسین حسین
را ذات اقدس خداوند علی اعلا است واین کنایه است
از توجّه خصوصیات الطاف کثیره الهیه باجناب بعد از ان
زیارت فرمود رسول خدا وعطا فرمود بوی کاسه ابی که
نکه داشته بود او را از برایش فی وسائل المحبین فی ترجمة
خصائص الحسین للفاضل المعاصر حاجی میرزا حسین
التبریزی متع الله المسلمین بطول بقائه اوّل کسیکه حسین
را بعد از دفن دران نشاء زیارت کرد از انبیاء پیغمبر خدا خاتم
انبیاء واز اوصیاء علی واز ملائکه جبرئیل وبعد میکائیل
بعد اسرافیل ودر خصائص الحسینیّه امده واما اهل این
نشاء اوّل کسیکه زیارت نمودان سرور را بعد از دفن او

میز

سیّد سجّاد بود وقتی که دفن نمودان جسم مطهّر را بعد از
سه روز که بر روی خاك افتاده بود وایضا در ثواب زیارت
در خصائص کان اوّل من یصافحه رسول الله وامیر المؤمنین
علیهما السّلام واوّل قطرة من دمعه یغفر له بها کلّ خطیئة
اوّل من انتقل من الکوفة الی القم من السّادات الرّضویه
کان ابو جعفر موسی بن محمّد بن علی الرّضا علیهم السّلام فی سنة
ستّ وخمسین ومأتین یعنی اوّل کسیکه از کوفه ببلد قم
از سادات رضویّه منتقل شد ابو جعفر موسی پسر محمّد بن
علی الرّضا بود در سال دویست وپنجاه وشش در مجلّد
ثانی عشر بحار الانوار قال رسول الله صلّی الله علیه وآله
انّ اوّل من اشفع له من امّتی اهل بیتی الأقرب فالأقرب
یعنی سیّد رسل فرمود که بتحقیق من اوّل شفاعت میکنم از
امّت خود قرب اهل بیت خود را الاقرب پس تا آخر حدیث در
کتاب ابن حجر المکّی قال النبیّ لعلی انّ اوّل اربعة یدخلون الجنّة
انا وانت والحسن والحسین وذراریّنا خلف ظهورنا وازواجنا خلف
خلف ذراریّنا وشیعتنا عن ایماننا وشمائلنا یعنی فرمودان
حضرت ای علی اوّل چهار کانه که داخل بهشت شوند من
وتو وحسن وحسین میباشیم امّا ذرّیه در عقب سرما وزنان
مؤمنات ما در پشت سر آنها وشیعیان ما در جانب چپ
وراست ما باشند اوّل کسیکه اختراع کرد دوربین را

که در فرنگستان از چوب و شیشه سازند و از کوهر شاهوار
کران تر بمصرف رسانند حکیم عالیشان مستر کوپرنکوس
بود کذا فی تحفة العالم اوّل کسیکه مقام بر سر قبر حضرت
سید الشهداء ساخت اشجع سواران جهان محمّد بن ابراهیم
بن مالك اشتر نخعی بود در مونس الأخیار فی احوال المختار
بلسان الهندی للسیّد الجلیل محمّد تقی الموسوی الهندی اوّل
کسیکه سکه زد بدرهم و دینار غرور بن کنعان بود فی عیون
اخبار الرضا اوّل ضرب و سکّه که سلاطین مسلمانان از
اسلامبول زدند در سنه هفتاد هجری بود بوزن و
عیاریکه خلفای بنی امیه در دمشق معمول داشته بودند
در منتظم ناصری اوّل کسیکه او را صوفی خواندند فریدون
بود اوّل کسیکه امر کرد بعمامه سبز که علامت سیادت
باشد ملك اشرف شعبان بن پادشاه مصر بود بدانکه در
کتب اهل سنّت و جماعت مسطور است انّ هذه العمامة الخضراء
لیس لها فی الشرع والسّنّة ولا کانت فی الزّمن القدیم وانّما
حدثت سنة ثلاث وسبعین وسبعمائة بامر الملك الأشرف
شعبان بن حسین مؤلّف کوید اکنون که پانصد و سی و
دو سال است که معمول افتاده و این سیره ممدوح و شایع
کشته و منع آن مقدوح است و صاحب شرح الفیه مشهور
به اعمی و بصیر که اندلسی مولد است در شان عمامه سادات

انشاد کرده جعلوا الابناء الرسول علامة ان العالم تشان
من لم یشهر نور النبوة فی وسیم وجوههم یعنی الشریفیة من الطراز
الاخضر وبعضی از افاضل نوشته اند پوشانید مامون
عباسی امام رضا علیه السلام را وامر کرد بان لباس سبز
بنی هاشم که بپوشند اول کسیکه اتشکده ساخت و آتش
پرستید قابیل بن ادم بود در تاریخ ابن اثیر و نیز در آن
تاریخ اورده در احوال پولس بن لامك که کان اول من سکن
القباب ودر احوال توبلسین بن لامك کوید کان اول من
ضرب بالونج والصنج ودر احوال توبلقین بن لامك کوید
کان اول من عمل النحاس والحدید مؤلف کوید بولس
وتوبلسین وتوبلقین هر سه برادران نوح نجی الله بودند
وابن اثیر کوید ان اول من اتخذ الملاهی من ولد قابیل
رجل یقال له ثوبال بن قابیل اتخذها فی زمان مهلائیل
بن قینان اتخذ المزامیر والطنابیر والطبول والعیدان و
المعارف فانهمك ولد قابیل فی اللهو ودر احوال مهلائیل
بن قینان کوید اول من بنی البناء واستخرج المعادن
وایضا فیه انه امر اهل زمانه باتخاذ المساجد اول عربی
قسم للذکر مثل حظ الانثیین عامر بن خشیم فی درر المعارف
اول من سب السوائب عمرو بن یحیی اول من سن الدیة
ماة الابل عبد المطلب اول ما یلقی به الارض من جهة

الذقن وقيل اوّل ما يلقى الارض هو الجبهة والأنف لا
الذقن اوّل من سمّاها جمعة الأنصار وذالك قبل قدوم
النبيّ صلّى الله عليه واله الى المدينه وقيل نزول سورة
الجمعة الخ فى مشكلات العلوم النراقى قيل اوّل من سمّاه
جمعه كعب ابن لوى لاجتماع النّاس فيه اليه وهذا الرّجل
اوّل من قال كلمة امّا بعد اجمع الاطبّاء على انّ القلب اوّل
عضو يتكون واخر عضو يسكن وهو انّه اوّل عضو يحىٰ اوّل
من اخترع القول بحرمة اقامة الجمعه فى زمان الغيبة
الشّيخ حمزه سلّار الدّيلمى تلميذ سيّد المرتضى والمفيد فى
روضات الجنّات وقال صاحب روضات الجنّات مدّ
ظلّه فى ذكر شيخ الورع الأمام خليل بن احمد النّحوى و
ابوه احمد كان اوّل من سمّى بعد الأسم بعد رسول الله صلى الله
عليه واله اوّل استثناء اعضاء دماغ است اوّل كسيكه
مشرف و مستوفى قرار داد لهراسب شاه كيانى بود كذا فى
حبيب السّير اوّل پادشاهيكه بكسرى لقب يافت نوشيروان
بن قباد بود كذا فى حبيب السّير اوّل كسيكه زن پدر خود را
بزنا گرفت شيرويه بود عبد الله بن بسر مازنى اوّل شخصى ست
كه رو بقبلتين نماز كرده واخر صحابى است كه در شام در گذشت
در منتظم ناصرى اوّل پادشاه مسلمانان اسپانيا كه خود
را خليفه و امير المؤمنين والناصر لدين الله لقب داد عبد الرّحمن

ستیم پادشاه اسلامبول بود بهم چشمی خلفاء علوی افریقیه
بود در منتظم اوّل پادشاهی که در ایالات شمالی فرنك
سکّه زد امیر الطورکانوت اعظم پادشاه انکلیس و دینمارك
و نروژ بود و قبل از او طوایف دانمارك و سود و نروژ
معاملات خود را با شمش طلا و نقره مینمودند فی منتظم
اوّل کسیکه امر کرد در بغداد در اذان حیّ علی خیر العمل
بگویند المستنصر علوی بود اوّل علامات خروج قائم
الائمّه طلوع ستاره داو داست که در آسمان دوام کند
و عالم هرج و مرج شود و مردم مختلف کردند در غایة
المرام ابن بابویه نقل کند که رسول خدا فرموده به علی
بن ابیطالب علیه السلام یا علی تو اوّل کسی هستی که بمن
ایمان آوردی و مرا تصدیق کردی و تو اوّل کسی هستی
که مرا در امر نبوّت من اعانت نمودی و با دشمن من جنگ
کردی و تو اوّل کسی هستی که با من نماز گذاردی و خدای
عزّ و جلّ بعزّت و جلال خود سوگند یاد کرده است که
از عقبه صراط نگذرد مگر آنکه برات ولایت تو و ولایة
ائمّه از اولاد تو با او باشد و تو اوّل کسی هستی که بر حوض
من وارد شوی و دوستان خود را از آن حوض سیراب
گردانی و دشمنان خود را از آن برانی و تو رفیق منی در
وقتیکه بر بالای مقام محمود باز ایستم تا از تو طلب شفاعت

کند و تو شفاعت ایشان کنی و تو اوّل کسی هستیکه داخل
بهشت شوی و لوای من که لوای حمد باشد بدست تو
خواهد بود و آن لواء هفتاد و پنج شقه است و هر شقه
از آن بزرگتر از آفتاب و ماه و تو را صاحب درخت طوبی
در بهشت اصل درخانه تو است و شاخهای آن درخانه
شیعیان تو است در غایة المرام رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود فاطمه سیده زنان عالم است از اوّل
دنیا تا آخر دنیا و فاطمه اوّل کسی است که بمن ملحق خواهد
شد از اهل بیت من در حدیث است که پیغمبر روزی
جامه از خز پوشیده بود اصحاب عرض کردند یا رسول الله
این جامه را که بشما داد فرمود علی و صاحب سخا و
وارث علم من و برادر من و اوّل مؤمنان در اسلام اوّل
ندائیکه امام عصر عجّل الله فرجه میکند اینست الا لعنة
الله علی القوم الظّالمین چنانچه پیغمبر ص خبر داده باصحاب
که فرمودند ثواب او و آواز دهد در ماه رجب اوّل ندا
کند الا لعنة الله علی القوم الظّالمین اوّل کوهیکه اقرار
کرد بر امامت علی علیه السّلام کوه عقیق بود مرویستکه
حضرت رسول صلّی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود
یا علی تو اوّل کسی هستی که از قبر برخیزی با من و اوّل کسی
هستی که پوشانده شوی از لباس بهشت با من وقتیکه من

بوشانده می شوم و اوّل کسی هستیکه در علیین ساکن
بشوی با من واوّل کسی هستی که از رحیق مختوم بیاشامی با من
اوّل کسی که خیاطت کرد جمشید بود مؤلّف گوید چه بسیار
ارباب اخبار اختلاف کرده اند و برخی بر اسند که یونس
نبی خیاطت مینمود و این صنعت ازان جناب است و
الله اعلم اوّل کسیکه علم فراست را ظاهر نمود افلیمون الحکیم
بود قالوا اصل السیر افلیمون الحکیم معروفا بالفراسة و کان
یستدل علی اوصاف النفس بملاحظتها بالصورة و تناسب
الخلقة فارادوا امتحانه فی ذلک فعمل تلامذة بقراط الحکیم
وصوّروا صورته علی لوح من عدیم واتوبها و قالوا تامّل
فی هذه الصّورة واحکم بما ظهر لک من اوصاف صاحبها
فلمّا تامّل فی دقائقها و تناسب اجزاءها قال صاحب
هذه الصّورة صاحب خدعة و مکر و فسق و هو یحبّ
الزّناء فلمّا سمعوا ذلک اراد و قتله و قالوا یا ایّها الجاهل
انّه اعلم اهل الأرض و اعدلهم و اتقیهم و خیرهم فی جمیع
الأمور فقال انّما سئلتم عن علمی و اخبرتکم به فرجعوا
الی بقراط و اخبروه بما قال فقال صدق الحکیم فی
جمیع ما قال ولکنّی لمّا رایت قبح هذه الأمور ترکتها و
حفظت نفسی عن مباشرتها صلوة التّراویح الّتی هی من
بدع عمر کما اعترف به ولم ینکروها علیه جمع ترویحه و

هى المرّة الواحدة من الرّاحة كتسليمه من السّلام وسميت
لذلك لانّهم اوّل ما اجتمعوا عليها كانوا يستريحون بين
تسليمتين فى كتاب الكشكول من تصنيفات العالم المعاصر
الحاج سيّد على الميبدى سلّمه الله قيل انّ اوّل من وضع
الكتاب العربىّ والسّريانى والكتب كلّها ادم على نبيّنا و
اله وعليه السّلام قبل موته بثلاثة مائة سنة كتبها فى
الطّين ثمّ طبخه فلمّا اصاب الارض الغرق كلّ قوم كتابهم
فكتبوه فكان لاسمعيل بن ابراهيم عليهما السّلام فى كشكول
السيد المذكور قيل اوّل من وضع الخاتم فى يد اليسرى
جمشيد فقيل له لم تركت اليمنى مع اولى بالزّينة فقال قد
تمت زينتها باليمين وقال الخوفى وانّك لم يزل اهل الفضل
محروما ولذلك كانت اليسرى شعار الشّيعة فى كشكول
السّيد المذكور ابو عبيد بن محمّد الهروى اوّل من صنّف فى
غريب الحديث وعرضه على عبد الله بن طاهر فاستحسنه
فى وفيات الأعيان اوّل من تكلّم على مذهب الأماميّه
وصنّف كتابا فيه الأمام على بن اسماعيل بن شعيب بن
يثيم بن يحيى ابو الحسن الميثمى اه اوّل ظهار كان فى الأسلام
ظهار اويس بن صامت من المجادله اوّل لعان كان فى
الأسلام لعان هلال بن اميه مع زوجته قال رسول الله
صلّى الله عليه واله يا انس اوّل من يدخل عليك من هذا

الباب

الباب امیر المؤمنین وسید المسلمین وقائد غرّ المحجّلین
وخاتم الوصیّین قال انس مکث فی نفسه اللّهمّ اجعل
رجلا من الأنصار اذا جاء علی علیه السّلام فقال من هذا
یا انس فقلت علی علیه السّلام فقام مسرورا واستبشرا
فاعتنقه ویمسح عرق وجهه بوجهه الخ فی مطالب السّؤل
قال رسول الله انا سیّد النبیّین وعلیّ سید الوصیّین
وان اوصیائی بعدی اثنا عشر اوّلهم علی علیه السّلام واٰخرهم
قائمهم فی مودّة القربی ثانی قال اوّل من خاصم من هذه
الامّة بین یدی الرّبّ تعالی علی علیه السّلام ومعویه
یعنی اوّل کسیکه خصومت ازین امّت در قیامت نزد خدای
تعالی نماید علی علیه السّلام با معاویه میباشد در فردوس
الاخبار پیغمبر فرمود که اسلام امّت بر میان و فتاوی قائم است
تا قیام مردی که او اوّل آنکس باشد که رخنه و خللی در
دین من بیندازد و از بنی امیّه نامش یزید میگویند در
فردوس الاخبار اوّل کسیکه سبقت کرفت برتا متنّی [illegible]
بر بدن امام حسین علیه السّلام حصین بن نمیر ملعون
بود در مصائب النّواصب الزّینبیه شیخ عطار سنّی متعصّب در
مدح خلیفه اوّل کوید خواجه اوّل که اوّل یار اوست
ثانی اثنین اذهما فی الغار اوست علّامه مجلسی رحمه الله
میفرماید که حق تعالی خلق کرد حوّا را از زیادتی طینت

آدم بر صورت او و خواب را بر او مستولی کردانیده بود
پس این را در خواب با او نمانده و این خواب اوّل خوابی بود
که در زمین دیدند پس بیدار شد و حوا را نزد سر خود دید
پس حق تعالی وحی کرد که ای آدم کیست اینکه نزد تو نشسته آ
کفت آنستکه در خواب بمن نمودی پس با او انس کرفت و
نیز در کتاب مذکور نقل شده که از سلمان فارسی رضه
منقول است که چون حق تعالی خلق کرد آدم را اوّل چیزی
که از او خلق کرد دیدهای او بود پس نظر میکرد بسوی بدنش
که چکونه مخلوق میشود و چون نزدیک شد که تمام شود
هنوز پایش تمام نشده بود خواست برخیزد نتوانست و
لهذا حق تعالی میفرماید اِنَّ الْاِنْسَانَ خُلِقَ عَجُولًا و نیز در
همان کتاب از حضرت صادق علیه السّلام مرویستکه
اوّل کسیکه قیاس کرد شیطان بود قیاس کرد نفس خود
را با دم کفت مرا از آتش خلق کردی و آدم را از خاك خلق
کردی اکر قیاس میکرد که آن جوهر یرا که روح آدم را از آن
مخلوق شده با آتش هر آینه نور و روشنیش بیش از آتش بود
قال رسول الله اوّل خلق الله یوم القیمة یکسی ابراهیم
یکسی ثوبین ابیضین فی ابن جوزی قال یا علی اما علمت
انه اوّل من یدعی به یوم القیمة انا فاقوم عن یمین العرش
و یساره و یلبسون حلة خضراء من الجنة ثم یدعی بالنبیین

بعضهم

بعضهم علی اثر بعض فیقومون سماطین علی یمین العرش ویبارز
ویلبسون حللاً خضرآء من الجنّة وان امتی اوّل من یدعی یوم
القیمة للحساب ثمّ انت اوّل من یدعی بك لقرابتك منّی و
منزلتك عندی ویدفع الیك لوائی وهو لوآء الحمد فی ابن
جوزی قال ابن عباس اوّل من شری نفسه ابتغاء مرضات الله
علی بن ابیطالب ع ابن جوزی درخطبه امیر المؤمنین میفرماید
اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اِنّی اوّلُ من اناب وسمع واجاب از عبد
الأوّل صوفی واواز علی بن [illegible] واواز حسین بن
صفوان واواز ابو بکر قرشی معروف بابن ابی الدنیا زائر
اوّل جناب [illegible] است جان فدای [illegible] اوّل زائر است
اوّل کسیکه از سادات رضویه بقم امد ابو جعفر
موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیهم السلام بود در
سنهٔ دویست و [illegible] از کوفه بقم امد و بقم مقام گرفت
وپیوسته برقع بروی فرو میگذاشت [illegible] دکه عرب قم
بدو پیغام فرستادند که تورا از مجاورت ومسایگی ما
بیرون باید کرد پس ابو جعفر موسی بن محمّد علیهما السّلام
از قم بکاشان رفت در کتاب بدر مشعشع در احوال ذریّه
موسی مبرقع از مصنّفات جناب عمدة العلمآء العاملین
قدوة الفقهآء الکاملین حافظ الشّریعه وفخر الشّیعه
ثالث مجلسین المبرّء من کلّ شین مولانا الجلیل الحاج میرزا

حسین النوری الطبرسی نوّر الله قلبه صاحب حقائق الأرض
کوید اوّل چیزی که در وقت نزول آدم تناول فرمود جوز هندی
است واشاره باین آیه اَلَمْ تَرَ کَیْفَ ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا کَلِمَةً طَیِّبَةً
کَشَجَرَةٍ طَیِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِی السَّمَآءِ تُؤْتِی اُکُلَهَا کُلَّ حِینٍ
بِاِذْنِ رَبِّهَا وابن مردویه از عبد الله بن عباس روایت کند
که ابن عباس کفت در تفسیر تُؤْتِی اُکُلَهَا کُلَّ حِینٍ ان درخت
جوز هند است مؤلف کوید جوز هند نارجیل معروف
است وان درختی است شبیه بنخل خرما وبعد از هفت سال
از غرس ان که کذشت ثمر [illegible] ودر جوف نارجیل آبی
شبیه شیر است وشیرین وخوش طعم می باشد وکویند عمر
درخت نارجیل صد سال است در لغة جوشن ذر قاموس
کوید وذو الجوشن شرحبیل بن قرط الأعور الصحابی لأنه
اوّل عربی لبس [illegible] وشرحبیل والد شمر لعین است اوّل من
کتب فی احکام القرآن هو قاسم بن اصبغ بن محمّد القرطبی
اللغوی الأنصاری الاندلسی اوّل من نقّح علم الحکمة و
اسقط سخیفها وقرّر طلب اثبات المدّعی وطریق التوجیه
ارسطاطالیس تلمیذ افلاطون وکان قبله یاخذون الحکمة
تقلیدا ولذا یقال له المعلّم الأوّل وهو اوّل من اسّس
اساس المنطق ووضع علمه وخالف استاده وابطل التناسخ
وهو اوّل من وضع علم المجسطی وعرّف حرکات الأفلاک

وسیر الکواکب

وسير الكواكب بالبراهين الهندسية وواضع الاسطرلاب
والتقويم هو بطليموس الحكيم قال شارح رسالة ابن زيدون
بطليموس صاحب كتاب المجسطي [illegible] وجغرافيا والاسطرلاب
وكتاب اللحون الثمانية وغير ذلك وهو اول من شرح القول
على هيئات الفلك واخرج علم الهندسة من القوة الى
الفعل واكثر الرواة يقولون انه ثالث ملوك اليونان
بعد الاسكندر وبطليموس لقب ملوكهم وقال بعض محققي
التاريخ بل هو رجل حكيم كان في زمن [illegible] ملوك الروم
بعد اليونان في تذكرة السيد الفاضل المعاصر علي بن محمد
على الحسيني الميبذي اليزدي سلمه الله انه اول من وضع
علم الطلسمات عم العباس حكيم واول من وضع الشطرنج
ناموغ بن حام بن يافث بن نوح عليه السلام واول من ابطل
الحد الشرعي هو الاول وقيل اول الخلفاء من بني امية
وهو معوية كما في ربيع الابرار واول من اشتهر من علماء الحكمة
والفلاسفة ابو نصر محمد بن احمد الفارابي الملقب بالمعلم
الثاني وهو اول من شرب الخمر واتبع الشهوات من الحكماء
قال علي بن ابي طلحة اول شيء اكله ادم ع م حين هبط الى الارض
الكمثرى في سبحة المرجان اقول قال صاحب حسن الوسائل
اول ما اكل ادم ع م من ثمار الارض حين اهبط النبق واقول
لا يخفى على الطبع السليم اذ لا منافاة بين الاثرين لان كل

فی اولیته اکله من ثمار الارض بخلاف الاوّل والسّبق
ثمّ السّدد اوّل کسیکه مدفون شد در خاک نجف خباب
بن الارت بود از اصحاب رسول خدا علی علیه السّلام در
غزوات رسول خدا مانند بدر واحد حاضر بود و در غزوهٔ
صفّین ونهروان مورّخین متفقند در رکاب امیر المؤمنین
حاضر بوده وچند سال در کوفه اقامت کرد ودر انجا وفات
فرمود فی الخبر صلّی علیه علی علیه السّلام و وقف علی قبره
وقال رحم الله خبابا اسلم راغبا وهاجر طائعا وعاش
مجاهدا وابتلی فی جسمه احوالا ولا یضیع الله اجر من احسن
عملا وشیخ ابو علی صاحب منتهی المقال ودیگران از ارباب
رجال در کتب رجالیّه مرقوم داشته اند اوّل کسیکه میثاق
گرفت از مردم برای دیگری اوّل بود که بجهة ثانی گرفت
اوّل کسیکه در عالم شعر گفت آدم صفی الله بود وسبب
آن بود که چون بفرمان ربّ الارباب آن مظهر پاک بر
عالم خاک نزول فرمود ظلمت این زندان فانی بچشمش ناخوش
نمود گرد عالم بندا متفکر دید و ربّنا ظلمنا گویان جویان
عفو کریم میبود وبعد از خلعت غفران بدیدار زوج و
بعد از آن بقدوم اولاد کرام تسلّی شد در آن حال هابیل
مظلوم را قابیل میشوم بکشت و آدم را باز غربت وندامت
تازه شد در آن حال بقتل هابیل وندامت دنیا آدم

در مرثیه فرزند شعر گفت و شیخ ابو علی مسکویه معاصر شیخ الرئیس بو علی سینا در کتاب آداب العرب و الفرس این قصیده را بدین منوال بیان میفرماید که قال الحسین بن علی علیهما السلام کان ابی علیه السلام بالکوفه فی الجامع اذ قام رجل من اهل الشام فقال یا امیر المؤمنین انی اسئلک عن اول من قال الشعر فقال علیه السلام آدم علیه السلام قال و ما کان شعره قال علیه السلام لما انزل من السماء فی الأرض فرای تربتها و سعتها و هوائها و قتل قابیل هابیل فقال علیه السلام

تغیرت البلاد و من علیها ... فوجه الارض مغبر قبیح

تغیر کل ذی لون و طعم ... و قل بشاشة الوجه المليح

فوا اسفا علی هابیل ابنی ... قتیل قد تضمنه الضریح

و جاور نا عدو لیس یغنی ... لعین لا یموت فنستریح

فاجابه ابلیس علیه اللعنه

تنح عن البلاد و ساکنیها ... وفی الفردوس ضاق بک الفسیح

و کنت بها و زوجک فی قرار ... و قلبک من اذی الدنیا مریح

فما انفکت مکیدتی و مکری ... الی ان فاتک الخیر الربیح

فلولا رحمة الجبار اضحی ... یکفیک من جنان الخلد ریح

اول فتنة فی بنی اسرائیل کانت فی النساء و عن النبی انه قال اول قریش هلاکا اهل بیتی اخرجه الطبرانی عن عمرو بن العاص اول من یکسی حلة من النار ابلیس اول من یستظل فی ظل العرش

رجل انظر معسرا او لحاجته اول چیزیکه از زن سؤال نمایند
در روز قیامت از نماز او است و بعد از شوهرش وقتیکه
مرض جدری که ابله باشد ظاهر کشت عذاب الهی بود
بر قوم فرعون از انعهد الی الحال باقی است و نیست تنی
که ابله بیرون نیاورد اکرچه پیر صد سال عمر باشد
اول زمانیکه اختراع ابله کوبی شد سنه احدی عشرة
ومأتین بعد الالف اول سکهٔ که در اسلام زده شد
در سال هفتاد و پنج هجری بود و قبل ازان بر دینار بخط
رومی نقش می شد و بر درهم بخط فارسی بوده اول وقتی
که ظاهر شد شرب تتن و تنباك و اساس شطب و قلیان
در سال هزار و دوازده هجری بود و در همان سال شاه
عباس صفوی اول در بلاد اذربایجان استیلا یافت
اول کسیکه علم باروت ساختن را و وضع قونبره در میان
نهاد یکی از علمای فلاسفه اسکندریهٔ مصر بود در سال
چهلم هجری و در همان سال معویه بر سریر شاهی در شام
مستقر کشت شیخ ابوبکر شیرازی کوید اول کسیکه از حرب
احد بکریخت عثمان بود در کامل البهائی اول زمانی
که استعمال انفیه شیوع یافت در اسلامبول در سال
هزار و پنجاه هجری بود اول من اخترع الخط البدیع الذی
یعرف ایضا بخط النسخ بعد ما کان المدار علی الخط الکوفی

هو النسخ

هو الشيخ محمد بن على بن مقلة الوزير فى عصر المتوكل العباسى
وما بعده ثم اخذ فى تجويده وتنقيحه ياقوت المستعصمى الذى
هو من اقران العلقمى الوزير رايت صحيفة السجاديه بخطه الشريف
عند جناب العالم الفاضل الكامل الأديب الأريب المعاصر
الشيخ على الخراسانى الحائرى الموطن الملقب بشيخ الرئيس دام
فضله اول من انتقل النسخ الى خط النسخ التعليقى هو المير
على استاد المير عماد الحسينى المشهور الذى كان فى عصر السلطان
شاه عباس الموسوى الثانى اول من خط المنكسر هو المولى شفيعا
الاصفهانى اول من ابدع التصوف هو ابو هاشم الكوفى اول
من حلق راسه هو ابونا آدم الصفى عليه السلام اول حكيم
لازم ارباب الحكام هو ابو على الرئيس وهو اول من كتب فى
تسخير الجن على ما هو المشهور ابو الفضل محمد بن احمد الطبسى
صاحب كتاب الشامل وهو كتاب كبير وهو رايت نسخة
منه فى سنة سابع وثلثمائة بعد الالف فى بيت احد الفضلاء
البصرة وكان هذا الشيخ معاصر الشيخ ابو حامد الغزالى اول
من كتب فى الملل والنحل المختلفة محمد الشهرستانى وكتابه
المذكور طبع فى بلدة مصر وايران وهو الآن مشهور بين الخاص
والعام اول من خط بالعربى هو مرار بن مرة الانبارى
واول من نقل الخط الكوفى من الحيرة الى الحجاز هو حرب بن
اميه اول ما يوضع فى الميزان الخلق الحسن عن ام الدرداء

مرفوعا اوّل ما یوضع فی میزان العبد نفقة علی اهله
اوّل ما یتکلم من الآدمی فخذه وکتفه اوّل من یدخل الجنّة
التاجر الصدوق عن ابی ذر مرفوعا اوّل طعام یاکلوه اهل
الجنة زیادة کبد الحوت اوّل زمانیکه وضع کرده شد تاریخ
فرسیه در سنة ۳ هجری بود وابتداء تاریخ جلالی که معمول
علیه منجمان عصر است سنة ۴۷۱ بود وابتدای تاریخ ایلخانی
در سنة ۷۰۱ بود اوّل زمانیکه روزنامه نویسی مخترع کشت
که بنویسند وباطراف جهان روانه دارند واخبار عالم
را بیکدیگر رسانند در ممالک اروپا در سال احدی وخمسین
بعد الالف اوّل زمانیکه تلغراف مخترع شد وشیوع یافت
سنه ست ومأتین بعد الالف بود اوّل زمانیکه کاغذ
مخترع شد در مملکت ختا در سال صد بعد از ولادت
عیسی ع بن مریم در تاریخ انکلیسیه اوّل زمانیکه شراب
انکور ساخته شد در مملکت رومانیا در زمان دولت
پادشاه رومه سیصد سال بعد از ولادت مسیح بن مریم
در تاریخ انکلیسیه اوّل زمانیکه کاغذ از پنبه ساخته
شد در سمرقند سنة ثمان وعشرین هجری بود اوّل زمانی
که کاغذ را از چوب ساختند جماعت اعراب بودند در
سنة تسع وثمانین من الهجرة در تاریخ جهان شاهی اوّل
زنیکه از لشکر امام حسین ع کشته شد زوجه وهب بن

عبد الله کلبی بود چون دید شوهرش مشغول جدال با شرار
است عمود بدست خود گرفت و بجای شوهر جوانش امد و میگفت
فداك ابی و امی قاتل دون الطیبین حرم رسول الله و
چون شوهرش بادست بریده کشته شد زن ببالینش امد
و خون از روی او پاك میکرد شمر اشاره بغلام خود غلام
عمود اهنی بر سر او بزد که سر ان زن شکافته شد و شهید
گشت و بعد از ان مادر وهب بجادله قدم نهاد پس از
اینکه بروایت بحار سر فرزند را برداشت و بعد از ان
بسوی لشکر پسر سعد انداخت یکنفر را بان کشت پس
عمود خیمه برداشت بر ان گروه حمله کرد دو نفر را کشت
امام علیه السلام فرمود ارجعی یا ام وهب انت و ابنك
مع رسول الله فان الجهاد مرفوع عن النساء اول کسیکه
احمد نامیده شد حضرت رسول محمد مصطفی صلی الله علیه و
اله بود درخت بادنجان اول درختی است که شهادت
بر ربوبیت رب و نبوت نبی و امامت ائمه اطهار کردند
سماء العالم اول کسیکه یوسف نامیده شد یوسف بن
یعقوب ع بود در خبر است که چون خداوند صورت
انبیاء را بادم ع نمود وی ایشان را دید در اسمان ششم
یوسف را با تاج و جلال چنانچه در اخبار رسیده دید
عرض کرد خدایا این کیست ندا رسید که یکی از اولاد تو است

که مردمان براو حسد برند بجهة انچه باو عطا نمایم عرض کرد ان چه باشد ندا رسید خطی از حسن ادم اورا در بر گرفت فرمود لا تاسف یا بنی وانت یوسف فی زبدة التصانیف مولانا حمید را اول مولودیکه در اسلام بدنیا امد عبد الله بن زبیر بود اول کسیکه مرثیه گفت برای امام حسین علیه السلام بحار بود اول کتابیکه در شرح مزجی از امامیه نوشته شد شرح فصول خواجه است نسخه از ان دیده شد اول اذانی که بلال گفت بر کوه ابو قبیس بود بعد از فتح مکه اول خداوند از ملائکه میثاق گرفت و اول کسی که بلی گفت حجر الاسود بود از ائمه طاهرین روایت شده که خداوند وقتیکه اخذ میثاق کرد بر بوبیت خود و نبوت محمد مصطفی صلی الله علیه واله و بوصایت علی علیه السلام تمام ملائکه صوامع جبروت و بار یافتگان عالم ملکوت بلرزه افتادند اول کسیکه از ملائکه سبقت نمود باقرار باین میثاق حجر الاسود بود و از این جهة خداوند او را امین گردانید و میثاق را بدهن او سپرد و حجر الاسود بیاید در روز قیامت و برای او باشد لسان ناطق و عین ناظر و شهادت دهد برای هر کس که باینمکان امده و میثاق را حفظ نمود و حجر را از بهشت بیرون اورد تا اینکه ادم متذکر شود انچه را که فراموش کرده از عهد

ومیثاق اود روسائل وانوار النعمانیه سیّد جزائری اوّل
رایتیکه از کوفه بر پا شد در خلافت امیر المؤمنین علیه السّلم
رایة ربیع بن خیثم بود اوّل خطبهٔ که پیغمبر برای مسلمین فرمود
درسال اوّل هجرت بود در منتظم ناصری اوّل جزیه عجم
دراسلام مصالحهٔ اهل حیره با خالد به نه هزار درهم
در سنهٔ یازده هجری در منتظم اوّل سراپردهٔ که در منی
زده شد سراپرده عثمان بود که در سال ۲۹ حج کرد در منتظم
اوّل مقصوره که در مدینه ساخته شد مقصوره مروان
بن حکم بود در منتظم اوّل کلامی که امیر المؤمنین علیه السّلم
فرمود در نهج البلاغه شرح بدأ اوّل کلمه که ذکریا گفت در
وقتیکه منشار بر سرش نهادند این بود الحمد لله الواحد
الاحد الصّمد فی تاریخ وقتیکه آدم ع هبوط بزمین نمود
اوّل کلمهٔ بزبان سریانی گفت فارسیش اینست شکر توانائی
راکه از عالم نور بسند خاکی خود بعالم فنا اندر سانید
در تاریخ وقیل انّ اوّل من تکلّم بالعربیّة آدم علیه السّلم
فی الجنّة فی حلّ المشکلات فی المسائل المهمّات اوّل
من لقب بالصاحب من الوزراء اسماعیل بن عبّاد فی
تاریخ ابو الفداء اوّل من ینتصر ملوك الرّوم هو شاپور
ذی الاکتاف فی ابن اثیر اوّل من بنا القبه علی الفاطمة
زینب سلام الله علیهما بنت امام الجواد ع اوّل من اتّخذ

له النعش فاطمة عليها السلام الله اول من اتخذ الرايات الخليل اول من
رمى فى سبيل الله سعد بن ابى وقاص اول من كاتب لقمان الحكيم
فى جعفريات اول شهيد فى الاسلام مجمع فى جعفريات اول مولود فى الاسلام
عبد الله بن زبير فى جعفريات اول من دفن فى البقيع اسعد
بن زراره فى جعفريات اول من ارتبط الفرس فى سبيل الله
المقداد فى جعفريات اول من سمى محمد نبينا صلى الله عليه
واله فى جعفريات اول من سجد لله شكرا امير المؤمنين
عليه السلام ليلة المبيت ونجا لسلامة نفسه الشريف
فى جعفريات اول من تجلى له انتقى بقوته الذاتية السارية
فى المظاهر الكونية كلها واول من خلع الله عليه صفاته
الثبوتية الحقيقة من اولاد ادم عليه السلام بعد الفنا
فيه والبقاء به ابراهيم الخليل عليه السلام در تاريخ
امده فيثاغورس اول كسيكه در اقوال دهريون
وطبيعون از امير المؤمنين است كه هذا وند عرضه داشت
ولايت مرا بوطيور اول كسيكه از انها قبول كرد باز سفيد
وقبره كه نوعى است از عصافير در نفائس الاخبار در
خبر در سماء والعالم مجلد مجار روايت كرده قبره مرغى
است كه هديه براى حضرت سليمان اورد هديه اورا
قبول كرد ودست بر سر او كشيد واز براى ايشان دعا
كرد واز اثر دست انجناب كاكل بر سر انها روئيده شد

مؤلف

مؤلف گوید مناسب این خبر این اشعار دیده شده

| | |
|---|---|
| جائت سلیمان یوم العید قبرة | اتت بفخذ جراد کان فی فیها |
| ترنمت بفصیح القول واعتذرت | ان الهدایا علی مقدار مهدیها |

و نیز بفارسی انشا شده بجهة تحف بجانب بزرگان

| | |
|---|---|
| لایق نبود قطره بعمان بردن | خار و خس صحرا بگلستان بردن |
| اما چکنم که رسم موران باشد | پای ملخی نزد سلیمان بردن |

و ایضا علی علیه السلام فرمود که اول مرغیکه از آنها انکار نمود بوم و عنقا بودند اما بوم از شفقت او اینست که در روز ظاهر نمیشود بجهت عداوت سر ترس بودن با او و اما عنقا پس او میان دریا پنهان می شود اول کسیکه در عقاید حقه اما متابعت نمود شیخ جلیل خواجه نصیر الملة والدین محمد بن الحسن الطوسی بود کتاب تجرید در معرفت و توحید نام نهاده بقول صاحب کافی الکفات فی مدح علی علیه السلام ما له ما له درون ابی سی فانهما اعلی حب علی لا من القوم سفاها اول الناس صلوة جعل التقوی حلاها ردت الشمس علیه بعد ما غاب سناها در ذکر فاطمه بنت اسد ابن جوزی گوید قال اهل السیرة اول هاشمیة ولدت خلیفة هاشمیة ولا یعرف خلیفة ابوامها هاشمیان سوی امیر المؤمنین علیه السلام وهی اول امرأة هاجرت عن مکة الی المدینة ماشیة حافیة وهی

اوّل امراة بايعت رسول الله صلّى الله عليه واله وسلّم بمكة
بعد خديجه فى تذكرة خواص الامّة اوّل من اسلم من الصبيان
على عليه السّلام فى ابن جوزى اوّل من قال فما عدا فيما بدا
هو امير المؤمنين على عليه السّلام قاله العالم الفاضل
النّبيه العلّامة النّورى نوّر الله قلبه اوّل من سنّ القتل
والظلم هو قابيل بن ادم اوّل من ينتصر من ال نصر بن
ربيعه وهو بهرام بن هرمز بن سابور فى ابن اثير اوّل
شجرة غرست فى الارض العوسجه ومنها عصاء موسى فى
حيق القليب اوّل من اخترع البديع وسمّاه بهذا التسمية
عبد الله بن المعتزّ العبّاسى قال فى صدر كتابه وما جمع
قبلى فنون البديع احد ولا سبقنى الى تاليفه مؤلف و
الفته فى سنة اربع وسبعين ومأتين فمن احبّ ان يقتدى
بنا ويقتصر على هذه فليفعل ومن اضاف من هذه المحاسن
اوغيرها شيئا الى البديع وارتاى غير رأينا فله اختياره
قال السّيّد على خان فى انوار الرّبيع كنت اظنّ انّ اوّل
من نظم انواع البديع على هذه الأسلوب البديع فضمّن
كلّ بيت نوعا والقادح لشموس هذا المرام طوعا هو الشيخ
صفى الدّين الحلّى ره اوّل من انتقل الى مكّة المشرّفة من شيراز
السّيّد محمّد معصوم بن علىّ بن نظام الدّين احمد بن محمّد
معصوم بن احمد نظام الدّين بن ابراهيم شرف الملّة بن محمّد

في القاموس ... ع باليمن ومعدن ...

صدر الدین بن اسحق عز الدین بن علی ضیاء الدین بن عرب شاه
فخر الدین بن امیر عز الدین ابی المکارم بن امیر خطیر الدین
بن الحسن شرف الدین ابی علی بن الحسین ابی جعفر العریضی
بن علی اباسعید الحسینی ابن زید الاعثم ابی ابراهیم بن علی
ابی شجاع الزاهد بن محمد ابی جعفر بن علی بن الحسین بن جعفر
ابی عبدالله بن احمد نصیر الدین السکین النقیب ابن جعفر
ابی عبدالله الشاعر بن محمد ابی جعفر بن محمد بن زید الشهید
بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب فی القاموس والهالکی
الحداد والقین لانه اول من عمل الحدادة الهالک بن اسد در
قاموس اول کسیکه کلمهٔ امّا بعد گفت داود نبی است یا کعب
بن لوی اول لوائی که در اسلام بسته شد لوائی بود سفید
که برای حمزه بن عبد المطلب بسته شد و مامور نمود بسر راه قریش
در منتظم ناصری اول کسیکه خانه کعبه را جامه پوشانید
تبع یمن اسعد ابو کرب حمیری بود او معاصر گورساسانی بود
در تاریخ نزهة القلوب حمدالله مستوفی از ال حمیر یاحی اول
نفاق مسلمین در حفر خندق و نازل شدن ایهٔ اِذْ یَقُولُ
الْمُنَافِقُونَ الخ در سنه پنج هجری فی منتظم و اول قضای نماز
عصر که با نماز عشای شب خوانده شد فی منتظم اول سالی
که منبر برای وعظ و خطبه ساخته شد در سال هفت هجری
بود در منتظم ناصری اول بتّار یعنی که بعد از وفات حضرت

رسول صلعم بمسلمین رسید خبر قتل ذوالخمار سهل بن کعب
بن عوف بود فی منتظم اول کسیکه امر فرمود هر دو تن بر
سر یک ظرف طعام بنشینند حضرت یوسف علی نبینا
وآله وعلیه السلام بود چه در تواریخ آمده یازده برادر او
چون بر سفره ضیافت نشستند وهر دو تن بر سر یک ظرف طعام
بن یامین تنها بماند حضرت یوسف علیه السلام که با بنیامین
از یک مادر بودند بر سر ظرف طعام در جنب او بنشست
اول کسیکه بال و پر ترتیب داد و بهوا طیران نمود ارسطا
طالیس حکیم بود واکنون ارباب صنایع فرنگ ساخته‌اند
اول ظهار یکه در اسلام واقع شد قصه اوس بن صامت
است بازوجه اش خوله بنت خویلد یا بنت ثعلبه واین
قصه چنانستکه اوس خواست وقتی با او نزدیکی کند
زن قبول نمیکرد اوس در غضب شد گفت بزن خود انت
علی کظهر امی تو بر من چون پشت مادر منی واین طلاق
جاهلیت بوده پس نادم شد اوس بزن گفت گمان نمیکنم
که تو حلال باشی از برای من پس گفت برو از پیغمبر صلی الله
علیه وآله سؤال کن زن بخدمت پیغمبر آمد وحکایت
خود را عرض کرد رسول خدا فرمود تو حرامی بر او زن
صیحه زد و ناله کشید وعرض کرد بار پروردگارا بفرست
بر زبان پیغمبر خود چیزی را عایشه سر پیغمبر را شست وشوی

داد دران حال وحی امد وایهٔ ظهار قَدْ سَمِعَ اللّٰهُ قَوْلَ الَّتِي
تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا نازل شد رسول طلبید اوس را پس فرمود
می توانی ازاد کنی غلامی را عرض کرد قدرت ندارم فرمود دو
ماه پی در پی روزه بدار عرض کرد من پیر و ناتوانم اگر روزی
سه مرتبه طعام نخورم بینائی من تمام میشود فرمود میتوانی
شصت مسکین طعام بدهی عرض کرد نه حضرت فرمود
اعانت کنم تورا بپانزده صاع عرض کرد خدا و رسول میدانند
که افقر از من در میان مکه و مدینه نیست فضحک رسول
الله وقال اذهب الی اهلک اوس خوشدل شد اول
زمانیکه چاپ مخترع گشت سنه اربع و خمسین و ثمانمائة
بود اول زمانیکه باسمه سنگی مخترع گشت سنه هزار و
دویست و ده هجری بود اول زمانیکه تفنگ چخماق را
ساختند سنه اثنا عشر و مائتین بعد الالف بود و در
این سال سلطان عادل فتحعلی شاه جلوس نموده
وآقا سید مهدی بحر العلوم طباطبائی وفات نموده وآقا
سید مرتضی واعظ جد مؤلف این رساله تولد یافته
اول کسیکه بخندق کندن ونقاره زدن صبح و شام
اشارت کرد منوچهر بوده در حبیب السیر افسطوس که در
سلک حکماء یونان انتظام داشت رایت استقلال بر
افراشت وافسطوس در حبیب السیر اول پادشاهیکه

فی اللغة وقیصر لقب ملک الروم فی القاموس منه سلمه الله

اورا قیصر خوانند بتقریب آنکه وقتیکه متولد میشد
مادرش فوت شد شکم مادرش را شکافتند او را بیرون
آوردند مثل این مولود را در فرنکستان قیصر گفتند وچون
بسن رشد و جهانبانی رسید بهمان نام قیصر میخواندندی
تمامی ممالک روم وشام ومصر بحیز تصرف وتسخیر او درآمد
در حبیب السیر والبربر جیل من الناس یقال اوّل من سمّاهم
بهذا الاسم افریقس الملک لما ملک بلاد وقد جاء فی الحدیث
الباء فی اهل بربر فی شرح البحرین هذا ما ناجی به امیر المؤمنین
علیه السلام عند قبر النبی صلی الله علیه وآله اللهم هذا
اوّل العدد وصاحب الأبد ونورك الذی قهرت به
غواسق العدم وبواسق الظلم وجعلته منك ولك والیك
وعلیك دالا دلیلا روحه لبنة الأحدیة فی اللاهوت
وجسده صورة معانی الملك والملكوت وقلبه خزانة
الحی الذی لا یموت طاوس الکبریاء وحمام الجبروت تبیین
قال علی علیه السلام انه صلی الله علیه وآله اوّل العدد
وهذا لانه كان صلی الله علیه وآله اوّل ما خلق الله وما
كان قبله موجود سوی الباری تعالی وهو الأوّل بلا
آخر ولکنه لیس من قبیل الأعداد ولا یطلق علیه انه عدد
كما قال به اهل الحساب لأنه تعالی واحد والواحد علی
الأصح لیس عددا فعلی هذا اوّل العدد هو النبی صلی الله

علیه واله اذ هو ثانی الموجودات واول الممکنات وثانی الواحد
عدد بلاخلاف وهیهنا زیاده الکلام لتوضیح المرام خداوند
منان عز شانه در کلام مجید در چند محل ذکر اول میفرماید
در سوره ال عمران میفرماید اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ
لَلَّذِیْ بِبَکَّةَ مُبَارَکًا وَّهُدًی لِّلْعَالَمِیْنَ ودر سورۀ انعام
میفرماید قُلْ اِنِّیْ اُمِرْتُ اَنْ اَکُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ الخ ونیز
درهمین سوره میفرماید وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰی کَمَا خَلَقْنَاکُمْ
اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ ونیز درهمین سوره می فرماید وَنُقَلِّبُ اَفْئِدَتَهُمْ
وَاَبْصَارَهُمْ کَمَا لَمْ یُؤْمِنُوْا بِهٖ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّنَذَرُهُمْ فِیْ طُغْیَانِهِمْ یَعْمَهُوْنَ
ونیز درهمین سوره میفرماید لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ لَا شَرِیْکَ
لَهٗ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمِیْنَ ودر سورۀ اعراف
میفرماید فَلَمَّا اَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَکَ تُبْتُ اِلَیْکَ وَاَنَا اَوَّلُ
الْمُؤْمِنِیْنَ ودر سورۀ توبه می فرماید اَلَا تُقَاتِلُوْنَ قَوْمًا
نَّکَثُوْا اَیْمَانَهُمْ وَهَمُّوْا بِاِخْرَاجِ الرَّسُوْلِ وَهُمْ بَدَؤُکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ
الخ ونیز درهمین سوره می فرماید اِنَّکُمْ رَضِیْتُمْ بِالْقُعُوْدِ
اَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوْا مَعَ الْخَالِفِیْنَ ونیز درهمین سوره میفرماید
لَا تَقُمْ فِیْهِ اَبَدًا لَمَسْجِدٌ اُسِّسَ عَلَی التَّقْوٰی مِنْ اَوَّلِ یَوْمٍ الخ
ودر سورۀ کهف می فرماید لَقَدْ جِئْتُمُوْنَا کَمَا خَلَقْنَاکُمْ
اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ ودر سورۀ طه می فرماید قَالُوْا یَا مُوْسٰی
اِمَّا اَنْ تُلْقِیَ وَاِمَّا اَنْ نَّکُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَلْقٰی ودر سورۀ

انبیاء میفرماید یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب
کما بدأنا اول خلق الخ ودر سورهٔ شعراء می فرماید انا
نطمع ان تغفر لنا خطایانا ان کنا اول المؤمنین ودر سورهٔ
یس می فرماید قل یحییها الذی انشأها اول مرة الخ ودر
سورهٔ زمر میفرماید قل انی امرت ان اعبد الله مخلصا
له الدین وامرت لان اکون اول المسلمین ودر سورهٔ حم
سجده که فصلت باشد می فرماید وهو خلقکم اول مرة
والیه ترجعون ودر سورهٔ زخرف میفرماید قل ان کان
للرحمن ولد فانا اول العابدین مؤلف گوید دانایان
دانند که در قرآن مجید لفظ اول بسیار است ولی بجهة
تیمن وتبرک بهمین چند آیه اکتفا نمودیم اول خطبه که رسول
خدا صلی الله علیه وآله خواند در قبا بود چون پیغمبر
ساز مدینه کرد در روز جمعه از قبا بیرون شد وبر شتر
خویش بنشست چون بقبیلهٔ بنی سالم ابن عوف رسید
هنگام نماز جمعه در آمد وایشان قبل از ورود پیغمبر
مسجدی از بهر خود بنا کرده بودند پس آن حضرت از ناقه
بزیر آمد ودر آنجا رفت وخطبه ادا فرمود بسم الله الرحمن
الرحیم الحمد لله الذی احمده واستعینه واستغفره واستهدیه
واومن به ولا اکفره واعادی من یکفره واشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله

وارسله

وارسله بالهدی والنور والموعظة علی فترة من الرسل
الخ وتمام این خطبه در کتب اخبار شیعه واهل سنت در قصه
هجرت مرقوم داشته اند واین خطبه در انعقاد جمعه مقرر افتاد
وان اول خطبه ونماز جمعه بود که در ان اراضی بپای رفت
قال السید علی خان فی سلوة الغریب اول من انتقل من
اجدادنا الی شیراز المحروسه علیا اباسعید النصیبینی قال
علی علیه السلام ما لابن ادم والفخر اوله نطفة واخره جیفة
فی نهج البلاغة وبیان امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید
الحمد لله الاول قبل کل اول والاخر بعد کل اخر باولیته
وجب ان لا اول له وباخریته وجب ان لا اخر له فی نهج
البلاغة اول شهری که بجوهر نشانیده از دوران نوح بنا شد
شوشتر است در فرهنگ انجمن آرای ناصری اول حکم
عمر عزل نمودن خالد بن ولید ونصب ابوعبیده جراح
بود در منتظم اول صلوة جمعه که در عراق بجای آورده
شد در ماه صفر سنه شانزده هجری بود در روز جمعه
صلوة فتح بود که سعد بن وقاص در ایوان کسری بجا آورد
اول شیاع علم کیمیا در میان اعراب در سال صد و
بیست و یک هجری بود اول متخصص از خلفای علویین ابو
محمد عبدالله بن محمد العلوی بود فی منتظم ناصری تالیف
اعتماد السلطنه زید عزه اول کسیکه بوق ساخت نمرود

بود در مجالس المتقین شهید امده در قصه ابراهیم که
خواست از خدا عذابی بجهة نمرود وقومش خداوند پشه
فرستاد بروایتی ان قدر پشه امد که مردی را صد هزار
پشه کرد امد از خوردن وخفتن ونشستن وایستادن
ماندند متحیرانه عاجز وهلاك می شدند حتی پشه ها
جمیع لباسها وگوشتهای ایشان وزین واسباب اسبان
بخوردی نمرود گفت خانه از مس بجهة او ساختند
که هیچ شکافی نبود در او ومگر یك سوراخ بسیار تنك
همان قدر که نفس بیرون اید حق تعالی پشه فرستاد
تا از ان شکاف داخل شد اما از تنگی سوراخ یك پر
او هم شکست ودر بینی نمرود رفت تا مغز او رسید
بروایتی تا سی سال شبانه روز مغز سر او بخورد نمرود بی
طاقت شد امر کرد تا بوقها ساختند ومیزدند تا
او از بوق بودی ساعتی ارام بودی گویند اول بنای
بوق نمرود نهاد مؤلف گوید توجیه این بوق بر سه وجه
است یا بوق سلاطین است که اورا کوتا خوانند یا بوق
درویش وقلندران وقلاشان است یا بوق حمامی
است که بجهة اخبار مردمان زده می شود ایلوحکیم اول
من وضع الفوتوغرافیا رجل فرانساوی اسمه شارل ورجل
انکلیسی اسمه داقی داول فی در المکنون فی الصنایع والفنون

اولما

اوّل ما عمل الشمع فی الهند واستحضر وضع منه فی بلاد البندقیه
ثمّ فی البورتوغال ثمّ فی اسپانیا ومن هناك امتدت معرفة
عمله الی فرنسا فی کتاب درّ المکنون اوّل کسیکه در ممالك
ایتالیا لوای حکمت برافراشت ودر نشر علوم وثبت حکم
پرداخت وهنوز در آن ملك قانون دولتی وبنای سلطنتی
میبود در ناسخ التواریخ اوّل خون خوکای بانك بن جما اسکندر
اوّل سلاطین چین است در ناسخ التواریخ از دختران حضرت
خاقان مغفور حاجیه شمس الدوله اوّل کسیکه ازاین
سلسله رجالا ونساء مجاورت عتبات اختیار نمود در تاریخ
خاقانی از تألیفات سلطان احمد میرزا عضد الدوله
اوّل وقتیکه استعمال باروت شیوع یافت در سنه
ششصد وهشتاد وشش بود اوائل ظهور دولت عثمانیه
اوّل زمانیکه توپ ساختند در سنه هفتصد وشصت
هجری بود در سلطنت امیر تیمور خاتم الکتاب ابوذر گفت
انّ رسول الله قال علی اوّل من امن بی واوّل من یصافحنی یوم
القیمة بدرستیکه رسول گفت علی است اوّل کسیکه ایمان آورد
بمن واوّل کسیکه در روز قیامت مصافحه کند با من در کامل
السقیفة البهائی در نکت الفصول عجلی آمده که فاطمه را رسول
بشارت داده که اوّل کسیکه بمن رسد از اقربای من تو باشی و
فاطمه اوّل بنو هاشمی بود که متوفی شد در کامل البهائی مؤکّد

درمدایح امیر المؤمنین علی علیه السلام میگوید نقد ان گنج
علم بی پایان نیست دیگر بحر علی علا گو حکیم است و عالم اشیا
اوّل حق بود بلا اوّل آخر حق بود بلا آخر ودر جای دیگر گوید
اوّل آخر او بود در دین ظاهر و باطن او بود بخدا بنام اوّل
الائمه ختم شد بر ارباب فضل مخفی نماناد که در جمع این رساله
ترتیب ملحوظ نبوده الحمد لله وله المنّة که آنچه مکنون خاطر بود
بیاری اجداد طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در حیز تحریر
در آورده و بر صفحه ظهور جلوه گر خواهد بود شکر ایزد فیض
هو [illegible] ختم شد این نامه در ... سال هالی خواهیم
ما از زوی دار لیک باید بکنار اخیر ال تا شود مقبول
طبع خاص و عام للذی بنا انمت والسلام الحمد لله ملهم
الصواب که این نامه مبارکی ناظر بر ... خوشترین زمانی انجام
در عام هزار و سیصد و هشت انجام الحمد لله اولا و آخرا و
باطنا و ظاهرا و صلی الله علی محمد و اهل بیته الطاهرین
وقد تمّت هذه الرّسالة الشریفه فی اخبار الاوائل مع
تردد البال وکثرة الاشتغال فی السّنة الثامنة من المائة الرابعة
بعد الالف من الهجرة النبویّه فی کربلاء المعلّی علی مشرفها
الاف التحیّة والثناء حامدا مصلّیا مستغفرا و
کتبه بیمناه الداثرة الخاطئه العبد المسیء جمال الدین
محمد الطباطبائی الیزدی الحائری
عفی عنه

بسم الله الرحمن الرحیم

تقریظ جناب عمدة العلماء العاملین قدوة الفقهاء الکاملین العالم البارع والبحر الواسع والمحقق العلامة والمدقق الفهامه المحدث الفقیه المتتبع النبیه حاوی الفروع والأصول جامع المعقول والمنقول محقق الحقائق مدقق الدقائق مصباح الهدی مفتاح الدجی سمی ثانی السبطین مولانا الحاج میرزا حسین النوری الطبرسی نور الله قلبه ومتع الله المسلمین بطول بقائه

بسم الله الرحمن الرحیم

لله در السید السند والحبر المعتمد جامع فنون الفضائل و حاوی صنوف المعالی والفواضل وماحی مساوی الأخلاق والرذائل النقاد البصیر والمضطلع الخبیر ذی السیادة ومعدن الفضل والسعادة الأمجد المؤید جمال الدین السید محمد بلغه الله تعالی مایتمناه فقد احسن واجاد فی هذا التألیف الشریف واغرب وافاد فی هذا الجمع المنیف اللطیف واودع فیه من شوارد الآثار ماتشتهیه الأنفس وتلذ الابصار واجمع فیه من نوادر الأخبار ماتروح به قلوب الأخیار فجزاه الله عن السلف الصالحین والخلف الباقین خیر جزاء المحسنین والحمد لله وصلوته علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین کتبه بیمناه الداثرة العبد المذنب حسین بن محمد تقی النوری الطبرسی

تقریظ منظوم از جناب مستطاب خاتم الفضلاء و زبدة الأدباء قدوة الأزکیاء عین الفضل و بحر الأدب و کشاف معضلات من لغات العجم و العرب الفاضل الجلیل العالم النبیل الأدیب الأریب الشاعر الماهر المعاصر آقا شیخ علی الخراسانی الأصل الحائری الموطن الملقب بشیخ الرئیس دام الله افضاله

بسم الله الرحمن الرحیم

قطعه در تقریظ کتاب مستطاب از شکسته خامه و طبع افسرده این محب حقیقی و مشفق صمیمی شیخ الرئیس علی الخراسانی عفی عنه و عن والدیه بر صفحهٔ این صحیفه اجرا یافته تا اینکه ازین حقیر نخودی در آش و تاری در قماش در این صفحهٔ ایام باقی ماند شاید ببرکت اجداد طاهرین مؤلف از برای این عبد عاصی در یوم الفزع الاکبر نجاة و خلاص حاصل آید

| | |
|---|---|
| تعالی الله ازین تألیف کامل | که در وی جمع آمد هر اوائل |
| تعالی الله ازین شیرین کتابی | که نبود در کتب آن را مماثل |
| چو عقل اول این اول کتابیست | که در جمع اوائل گشته حاصل |
| ز هر اول درین فن امد آغاز | ز هر شهر و دیار و هر قبائل |
| در آن بنهاده بحری از معانی | بالفاظی خوش و لطف و شمائل |
| بسی در و گهر بنهفته در وی | که رخشان هر دری چون مشاعل |
| کتابی همدم ارباب دانش | کتابی مونس اهل فضائل |
| بمهد اندر آن آئین تاریخ | بوجهی شامل و بر نحو کامل |

ندیده دیده اهل بصیرت … چنین تالیف باچندین مشاغل

زنوك خامه استاد تحقیق … جمال العقل و دین صدر افاضل

جمال الدین محمد آنکه آمد … بدانش فخر اقران و اماثل

بهین نوباوه ختم رسالت … حسینی مرتضی را خوش سلائل

فروزان کوکب درج مناقب … درخشان گوهر درج خصائل

ازاو علم رجال آمد مسدد … چنانچه در حدیث آمد وسائل

محیط دانش او بیکرانه … بحار بینش او بی سواحل

کلامش گشته مفتاح تواریخ … بدانش جمله مصباح مشاکل

زتصنیفات وی اند رجوانی … بدت اورد دهر بی رسائل

حروفش تحفة الاخوان سالك … رموزش درة البیضاء عاقل

رئیس از بهر تاریخش سرود … چه مهر و مه روان در هر مراحل

که ناله هاتف غیبش بگفتا … بگوشند نام اخبار الأوائل

تقریظ منظوم از جناب … زبدة الاطباء

الأدیب الأریب النجیب مولانا السید مهدی الطبیب

الحائری المشهور بالشهرستانی دام عمره

جزیت خیراً جمال الدین حین سمت

منك العلوم و كان العلم مهجورا

فقشعت ظلمات قد اظل بها

جهاله فاستنار الحق تنویرا

احیا الأوائل اعجاز ابما رقمت … منه الانامل منظوما و منثورا

كيف التنكير وتاليفاته نطقت
بفضله وبعي جاء مشكورا
فانظر الى كتبه تنظر الى صور
فيها النفوس اقامت للعلى شورا
ما معضل قط الا قد انار بها
برهانه واضال الشك تفسيرا
سل البلاغة هل تذكر لمنطقه
لدى البيان بديعا كان ماثورا
سقيا الأجداث ابا آله سلفت
وعلمه ظل في الأجداث مسطورا
حتى اذا لقضت ابنائها ورثت
وقد بدا منهم ما كان مغمورا

تقريظ منظوم من جناب المستطاب زبدة الفضلاء العالم الفاضل الأوحد الكامل الموحد مولانا صارم الدين الميرزا محمد زيد عزه سبط العالم الرباني والفاضل الصمداني مولانا محمد صادق الأردستاني اليزدي الحائري طاب رمسه

عماد الواعظين محمد من … تنزه من صباه عن الرذائل
جمال الدين من عليا نزار … حليف المجد من خير القبائل
تجلى بالمكارم والمآثر … تجلى بالمحاسن والفواضل
زكي لو زعت المعي … ربيب العلم محسود الأماثل

نوازن

تو ارث عن ابیه الفضل قدما | وکان ابوه ینبوع الفضائل
شریف الأصل ممدوح السجایا | جلیل القدر محمود الخصائل
له فی المکرمات شهود صدق | له فی فضله کم من دلائل
فمنها ما یزید العین نورا | ویسلو منه قلب کل ثاکل
کتاب مستطاب ارّخوه | یسّر القلب اخبار الأوائل

تقریظ منظوم من جناب الفاضل الجلیل والعالم النّبیل الشیخ موسی الحائری دام عمره العالی صاحب کتاب تحقیق الاحکام

بشراکم قد اتاکم خیر تالیف | بمیزاز واسلوب وتوصیف
من بحر فضل جمال الدین من سمکا | سماء مجد وتفخیم وتشریف
کفاه تالیفه فضلا وفیه غنا | عن ذکر مدح وتبجیل وتوصیف
احیا بما فیه اخبار الأوائل فا | الرّب خیر الجزاء عن کل عطریف

تقریظ منظوم از جناب مستطاب فاضل کامل شاعر ماهر ادیب اریب اقا سید هاشم واعظ خلف مرحوم جناب قدوة الفقهاء العظام محقق الحقائق مولانا الحاج سیّد محمّد باقر الطّباطبائی الیزدی طاب ثراه صاحب کتاب وسیلة الوسائل فی شرح الوسائل

گر خواهی که از اخبار ایدل با خبر باشی | بخوان هردم ز فرط شوق اخبار الاوائل

وگر خواهی ز اسرار لدنّی آگهی یابی
که بنمائی تو صید خویش هر آگاه کامل را

چه خوش باشد که با وی انس گیری تا دم مردن
که مونس گشته او پیوسته ارباب فضائل را

حکایت میکند از لوح محفوظ خداوندی
که موجود است و هستی داد عالم را و جاهل را

گرش با نور بنویسند بر رخسار حور العین
روا باشد چه الفاظش منوّر میکند دل را

بود جمعی لطیف از بد رجیح دانش و بینش
که وصف ذات او حیران نماید عقل عاقل را

سلیل احمد احمد دلیل شرع پیغمبر
مثال جدّ خود شیداه نکو کرده خصائل را

جمال الدّین و الدّنیا محمّد زاده زهرا
که اندر عصر خود شرح است قرآن و امائل را

بود تاریخ تالیفش بعهد ناصر الدّین شه
نه بیند در جهان چشمی چنین سلطان عادل را

شهنشاهی که با اقبال گردید از ازل توأم
نزاید مادر گیتی چه او فرزند مقبل را

چه رفتی یکهزار و سیصد و هفت با یک از هجرت
با نجام آمد این تالیف و زایل کرد باطل را

بمدح این کتاب ای قطب عقلت شد چنین عاجز
که در عمرت نخواهی حل نمودا اینگونه مشکل را

تقریظ منظوم از جناب مستطاب قدوة الفضلاء العابد الزاهد الشاعر الماهر المعاصر المحولی الاقا شیخ جواد الدزفولی الحایری المتخلص بوامق سلمه الله تعالی بر کتاب اخبار الأوائل ومونس ارباب الفضائل

تبارک الله ازاین اختتام طرفه کتاب
بزرع علم تو گوئی چه ابر باراداب
سحاب فضل همانا بفصل نیسانی
نهفت در صدف فهم هر دو خوشاب
گرفت مریم دهر از نسیب روح قدس
هزار عیسی جان آفرین بیک شب خواب
برغم مدعیان نوعروس حجله فضل
فکنده از رخ معنی هزار گونه نقاب
بپرده چند سخن فاش گویمت بملا
که این کتاب در این علم گشته فتح الباب
در اوست مندرج اخبار هر اوائل دهر
یگانه گوهر پرقیمتیست بس نایاب
نخست نغز کتابیست از مؤلف آن
که متقن است ومسلم بصحه اصحاب

بیان وی همه نغز و کلام او همه مغز
مطالبش براهین عقل فصل خطاب
مورخین همه رهمتش زشاب و زشیخ
محدثین همه در مدحتش زشیخ و زشاب
انیس بی بدلی از برای اهل کمال
جلیس بی مثلی در بر اولوا الالباب
از آنکه گشت مرقم زنوك خامه بحل
جمال ملة والدین سلاله اطیاب
سمی ختم رسل جامع لغات و علوم
حسین نژاد و حسن نسبت و تمام نساب
ربوده گوی سعادت زهمگنان در فضل
چنانچه مفتخر است در جهان بعجم و زباب
همین بس است بفضلش که در هدایت خلق
گرفته مسلك پیران دین بعهد شباب
برتبه مجلسی عصر خویش در تالیف
گرفته از کل اخبار روزگار کلاب
بکاه سرعت تحریر نوك خامه او
رقم زند ز دو صد قصه در ذهاب و ایاب
بیان وصف چنین نو خجسته ممکن نیست
ز وصف او نتوان گشت عالمی سیراب

زبان

زبان ببند تو وامق ز مدح و منقبتش
گذار قصهٔ مدحش سوی دعا بشتاب
الا همارهٔ فلک تا که پر ستاره بود
همیشه تا که بارد مطر بخلق سحاب
بجام روی محبش با نبساط سرور
بکو به چشم حسودش چه ریزش میزاب

مؤلف این رساله معروض می دارد که در این ایام جناب قدوة الفضلاء الکرام آقا شیخ جواد دنبولی الاصل که صاحب تقریظ منظوم است ساعت صحن نجف را که از موقوفات جناب جلالت مآب میرزا اسماعیل خان امین الملک دام عمره است آنچه در شبانه روز که بیست و چهار ساعت است از ربع و نیم و سه ربع تمام میزند در حساب اعداد با این مصرع آخر مطابق نموده است و مجموع زدن ساعت در شبانه
(روز ششصد و سی و شش هست)

ساعت صحن نجف گوید باواز جلی
کی وصی بعد محمد ای قوام دین علی ۶۳۶
بخواهش شیخ مذکور التمهیر بو امق سلمه الله مرقوم افتاد

تمت

کتب و رسائل مؤلفات جناب سید خبیر و فاضل بصیر مؤلف این کتاب در این فهرست ۱ سراج الأمة فی احوال

الانبیاء و الائمة علیهم من الله الاف التحیة و الرحمة نجات
المذنبین فی مصائب آل طه و یس لطائف الاقوال فی
معرفة الرجال کشف الحجب الظلامیة فی اسماء الکتب الامامیة
تاریخ ریاض الجنان لسان الغیب فی علم المعما غرائب
البلدان حدیقة الفضلاء و روضة الشعراء اخبار الاوائل
و مونس ارباب الفضائل که همین کتاب است ریاض الملوک
فی السیر و السیر و السلوک مشتمل علی الجداول و البیوت
تذکرة المصنفین من العلماء و ترجمة المؤلفین من الفضلاء
مفتاح التواریخ فی ذکر سلالات السلاطین الصفویه
سوانح عمری ماه و مهر فی تاریخ روز و شهر تحفة الاخوان
فی احوال سید العارفین آقاخان الحسینی المحلاتی روضة
الناصریه مخزن الدعوات المجربه نجوم الارض فی ذکر
محدثین العصر الذین اطاعة الناس لهم فرض احسن
التقویم فی الاختیارات بحر الحقائق و کشف الدقائق
فی الاشعار کتاب الکشکول المسمی بموائد السالکین
و فوائد الحائرین ربیع القلوب فیما وقع لشهر الربیع
زبدة الاخبار فی تاریخ ائمة الاطهار تذکرة المعمرین
تحفة الانام فی شرح وقایع الایام مراة العالم فی
احوال بنی آدم مصباح المتقین فی اعمال السنه مجمع
التواریخ فی تاریخ الولادة و الوفیات العلماء درة

البیضاء

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازنویسی شد [illegible]

البیضاء فی احوال فاطمة الزهراء بدایع الکلام فیمن فاز
بلقاء الامام رسالة فی احوال سید العلماء الحاج سید
حسین الیزدی طاب ثراه منهج الشیعة وقوام الشریعة

تمّت بالخیر

حسب الفرمایش جناب زبدة الاطیاب ونخبة الانجاب
قدوة الابرار زبدة الاخیار افتخار الادباء آقا
محمد رضا زید عزه نجل جناب اشرف
الحاج والعمار والتجار الموفق بتوفیقات
الله الرؤف والمؤید بتائید الله
السید الحاج غلامعلی صاحب تاجر
بمبئی حفظهما الله تعالی
[illegible] تمام
پذیرفت

کتبه اقل الاحقر المذنب الفقیر محمد علی بن بهجت وشهیر ابناه آقا
محمد کاظم لاری طاب ثراه بتاریخ
۲۳ شهر رمضان المبارک
در بندر بمبئی اتمام
پذیرفت
سنه ۱۳۱۲

سال ۱۳٤۸ خورشیدی
بازبینی شد

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
شماره اموالی

۲۹۷۰۸